



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

# مرویات تفسیری عبدالله بن مسعود - رضی الله

## عنه - در سوره فاتحه و بقره

(رساله ماستری)

محلل: سہاج الدین منقاد

استاد: سہما دکنو، محقق: عبد الله عبد الباقي

سال: 1400 هـ ش 1443 هـ ق



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

# مرویات تفسیری عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - در سوره فاتحه و بقره

(رساله ماستری)

محصل: منہاج الدین منقاد

استاد رهنما: دکتور فصیح الله عبد الباقي

سال : 1400 هـ ش 1443 هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری


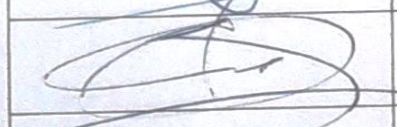

عمل

## تصدیق نامه

محترم منهاج الدین ولد سنبل ID: SH-MST-98-537 محصل دور پنجم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: مرویات تفسیری عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه در سوره فاتحه و بقره به روز ۱۳۱۳۶ تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۶ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸- (نمره به عدد) یوهشتاد (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

شماره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور عبدالباری حمیدی	عضو هیات	
۲	استاد محمد نعیم جلیلی	عضو هیات	
۳	دکتور فصیح الله عبدالباقی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

معاون علمی  
معاونیت علمی  
SALAM UNIVERSITY

آمر بورده ماستری  
بورده ماستری  
Faculty of Islamic Studies and Law  
SALAM UNIVERSITY

## اهداء

این رساله علمی را اهدا می کنم به محضر پدر و مادرگرامی ام که در راستای تربیه جسمی و روحی ام از هیچ نوع زحمتی دریغ نکردند و بامهر و محبت فراوان همواره مرا به دانش آموزی تشویق و ترغیب می نمودند و با تحمل صدها مشکلات تاهنوزمراحمایت نمودند.

وهم چنان به استادان فرزانه و متعهدم که درطول دوره تعلیمی مدرسه و دوران تحصیل دانشگاهی ازاندوخته های علمی ، تلاش ها ، دستاوردها و رهنمایی های شان ، به بهترین وجه استفاده و بهره برداری نمودم و عطش علمی ام را ازچشمه زلال معرفتی شان رفع نمودم.

به همه ی آنانی که به گونه ای باعث شدند همراه قافله علم و دانش باشم و به نحوی مرا تشویق و رهنمایی نمودند.

به همه ی آنانی که نفس خیر شان و دعای روح پرورشان ، چراغی درمسیر پرخم و پیچ علم و دانش بود و از نور آن ها درکوچه های تاریک زنده گی استفاده کردم.

الهی حسن عاقبت، سلامت و سعادت برای آنان مقدر فرما و به من کمک کن تا بتوانم مسئولیت های خویش را درقبال دین و وطن خویش ادا نمایم.

## سپاسگذاری

در قدم نخست الله -جل جلاله- را سپاس گزارم که بنده را لایق علم و تعلیم دیده و توفیق عنایت فرمود تا مرحله ماستری را به اتمام رسانده و این رساله را تحریر نمایم .

سپس جای دارد که از وزارت تحصیلات عالی اظهار امتنان نمایم که زمینه مرحله ماستری را در افغانستان فراهم ساخته ،تا جوانان در بخش علوم و فنون پشرفت چشم دیدی داشته باشند و در نهایت یک کشور آباد و سربلند که آرزوی همه افغانها است را داشته باشیم .

و تشکری خاص می نمایم از استادان پوهنتون سلام در بورد ماستری که توانستند با فراهم ساختن زمینه تحصیل در مقطع ماستری در عرصه علوم اسلامی مصدر خدمت واقع شوند.

و قسمی که آشکار است تهیه و تدوین یک اثر علمی بدون همکاری و رهنمایی اساتید بزرگوار و دانشمندان ممکن و میسر نیست بناءً مناسب می دانم تا از زحمات و همکاری های بی شائبه و همه جانبه استاد راهنمای خویش **محترم دکتور فصیح الله عبدالباقی** و استادان مناقش که با راهنمایی های دلسوزانه ایشان این تحقیق تدوین گردیده است، اظهار سپاس و امتنان خاص نمایم.

## خلاصه بحث

قرآن کریم اولین مرجع مسلمانان است و تفسیر بالمأثور معتمدترین تفسیر قرآن کریم می باشد و سوره فاتحه و بقره اولین سوره های قرآن کریم می باشند که هر مسلمان نیاز دارد تفسیر آن را بدانند، عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه-در میان اصحاب شهرت عام و تام داشته است و شخصیتی بوده است که تمام عمر خود را در جهاد، نشر دعوت و تعلیم احکام اسلامی گذرانده است، در این بحث به روش تحلیلی و توصیفی و نوع کتابخانه یی مرویات عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- در سوره فاتحه و بقره طی یک مقدمه و سه فصل به بحث گرفته شده است که خلاصه و فشرده آن قرار ذیل است:

عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- کسی بوده است که در قرآن کریم وتجوید، تفسیر قرآن، روایت احادیث پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و استخراج احکام شرعی نقش بسیار مهم داشته است. مفسرین تفسیر قرآن کریم روایت های تفسیری عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- را نقل نموده و فقهای اسلامی در نظریات شان از فتوهای وی بسیار استفاده نمودند. از ویژگی های ابن مسعود-رضی الله عنه- این بوده است که وی در عصر نزول قرآن کریم، می دانست که آیات در کجا نازل شده و در چه مورد نازل شده است، همچنان می دانست که کدام آیت ناسخ و کدام آیت منسوخ است. روایات تفسیری عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- از چهار طریق روایت شده است که صحیح ترین آن اعمش ، از ابی الضحی ، از مسروق ، از ابن مسعود-رضی الله عنه- است که امام بخاری به آن اعتماد کرده، آن را روایت نموده است. دومین طریق، مجاهد، از ابی معمر، از ابن مسعود-رضی الله عنه- است که امام بخاری هم از این طریق روایت دارد و به آن اعتماد کرده است. سومین طریق اعمش ، از ابی وائل ، از ابن مسعود-رضی الله عنه- است و این هم همچنان روایت صحیح است، امام بخاری آن را تخریج نموده است. چهارمین طریق حاکم تخریج نموده در مستدرک اش و آن را صحیح هم گفته و امام ابن جریر طبری ، از طریق سدی، از مره الهمدانی ، از ابن مسعود است، اما این طریق ضعف های داشته است. پنجمین طریق ابی روق ، از ضحاک ، از ابن مسعود است که این طریق امام ابن جریر طبری در تفسیراش استفاده کرده و روایات آن منقطع بوده است. و خلاصه اینکه از ابن مسعود-رضی الله عنه- در تفسیر سوره فاتحه و بقره، روایات تفسیری زیادی

نقل شده است که این امر دلالت می کند بر نقش مؤثر او در تفسیر قرآن کریم. بیش ترین روایات تفسیری ابن مسعود-

رضی الله عنه- در تفسیر ابن جریر نقل شده بوده است.

**واژه های کلیدی:** عبدالله بن مسعود، مرویات، فاتحه، بقره.



## فهرست مطالب

### مقدمه

4..... پیشینه تحقیق

5..... روش تحقیق

### فصل اول

#### معرفی عبد الله ابن مسعود-رضی الله عنه-منهج و نقش وی در تفسیر

7..... مبحث اول: زندگی، وصیت و وفات عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه-

7..... مطلب اول: تولد و زندگی شخصی عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه-:

10..... مطلب دوم: وصیت و وفات ابن مسعود -رضی الله عنه-

12..... مبحث دوم : جایگاه و مقام عبدالله بن مسعود رضی الله عنه-

12..... مطلب اول: جایگاه عبدالله بن مسعود -رضی الله عنه- در نزد پیامبر-صلی الله علیه وسلم-:

14..... مطلب دوم : جایگاه ابن مسعود- رضی الله عنه-در نزد صحابه کرام و تابعین شان

15..... مطلب سوم: جایگاه عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- در نزد ائمه

17..... مبحث سوم: نقش عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- در تفسیر

17..... مطلب اول: علم ابن مسعود-رضی الله عنه-به شان نزول

18..... مطلب دوم : فهم ابن مسعود- رضی الله عنه-به مکان و زمان نزول آیات

20..... مبحث چهارم: منهج عبدالله بن مسعود در تفسیر و طرق روایت آن

20..... مطلب اول : شیوه ترغیب و ترهیب وی در تفسیر

22..... مطلب دوم : طرق روایت عبد الله بن مسعود-رضی الله عنه-

## فصل دوم

### روایات تفسیری عبد الله بن مسعود در سوره فاتحه

- 29..... مبحث اول : مرویات تفسیری عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- در سوره فاتحه
- 29..... مطلب اول: مرویات عبدالله بن مسعود درباره استعاذه: (أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ)
- 32..... مطلب دوم: مرویات عبدالله بن مسعود در باره بسمله: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)
- 33..... مبحث دوم: مرویات تفسیری عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- در برخی آیات سوره فاتحه.
- 33..... مطلب اول: مرویات در باره آیت «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»
- 37..... مطلب دوم: مرویات در باره آیت «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»
- 40..... مطلب سوم: روایتی در باره آیت { صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ } .....

## فصل سوم

### روایات تفسیری عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- در سوره بقره

- 42..... مبحث اول: بررسی روایات عبدالله بن مسعود در مورد نزول و فضیلت سوره بقره
- 42..... مطلب اول : در باره مکان نزول سوره بقره
- 43..... مطلب دوم : مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در مورد فضیلت سوره بقره
- 49..... مبحث دوم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در باره تفسیر برخی آیات سوره بقره
- 49..... مطلب اول: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در مورد تفسیر آیات اول الی ششم
- 53..... مطلب دوم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در مورد تفسیر آیات ششم الی بیست و یکم
- 57..... مطلب سوم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- از آیت بیست و یکم الی سی و یکم
- 70..... مطلب چهارم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- مورد آیات سی ام الی چهل و هفتم
- 81..... مطلب پنجم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در مورد آیات چهل هفتم الی شصت و یکم

- 87.....مطلب ششم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- از آیت شصت و دوم الی آیت یک صد و دوم
- 92.....مطلب هفتم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- از آیت یک صد و دوم الی یک صد و پنجا و دوم
- 96.....مطلب هشتم: مرویات ابن مسعود از آیت یک صد و پنجا و دوم الی یک صد و هشتاد چهارم
- 101.....مطلب نهم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در آیات یک صد هشتاد و چهارم الی دو صد و نهم
- 104.....مطلب دهم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در آیات دو صد و نهم الی دو صد و سی و سوم
- 108.....مطلب یازدهم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در آیات دو صد و سی و سوم الی دو صد و پنجا و پنجم
- 111.....مطلب دوازدهم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در تفسیر آیات دو صد و پنجا و پنجم الی آخر سوره

#### خاتمه

- 114.....نتیجه گیری:
- 116.....پیشنهاد ها
- 117.....فهرست آیات
- 121.....فهرست احادیث
- 123.....فهرست مصادر و مراجع

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين القائل في كتابه العظيم: لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا. ١ و الصلاة والسلام على سيدنا محمد و على آله و اصحابه اجمعين. بيان مسئله:

در این شکی نیست که یگانه راه نجات و پیشرفت انسان ها در زندگی آموختن علم است و مهمترین آن علوم شرعی مخصوصا علم تفسیر است زیرا علم تفسیر منبع و اساس تمام علوم می باشد، علم تفسیر دارای انواع زیاد است و لکن مهمترین، سالمترین و با منفعت ترین آن تفسیر بالمأثور است، مخصوصا روایت های تفسیری که از بهترین شاگردان پیامبر -صلی الله علیه وسلم- که دارای زبان فصیح و قلب های صفا و پاک، چراغان هدایت ، ستون و بنیاد دین بودند. روی همین ملحوظ خواستم موضوع رساله خود را در مورد روایت های تفسیری عبدالله بن مسعود -رضی الله عنه- که یکی از بهترین صحابه های جلیل القدر و عالمترین آنها در کوفه بود انتخاب نمایم زیرا پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در باره اش فرموده: «من أراد أن يقرأ القرآن غضا طريا كما أنزل فليقرأه بقراءة ابن أم عبد». ٢

(کسی که می خواهد قرآن کریم را به گونه تازه و قسمی که نازل شده است، بخواند پس آن را با قرائت پسر ام عبد (عبدالله ابن مسعود) بخواند).

عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- در میان اصحاب شهرت عام و تام داشت و شخصیتی است که تمام عمر خود را در جهاد، نشر دعوت و تعلیم احکام اسلامی گذرانده است، و نزد پیامبر -صلی الله علیه وسلم- خلفای راشدین

---

1- الفتح: 18

- السنن الكبرى - للنسائي (ج: 5 / ص: 71 / شماره حدیث: 8255 / 8256 / و 8257). سند حدیث صحیح است 2

جایگاه خاصی داشت و کسی بود که در قرآن کریم و تجوید، تفسیر قرآن، روایت احادیث پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و استخراج احکام شرعی نقش بسیار مهم داشت. وی یک معلم و مربی متخصص در تربیت شاگردان، مفسر، فقیه، قاضی بود، که همیشه مفسرین در تفسیر قرآن کریم روایت های تفسیری وی را نقل نموده و فقهای اسلامی در نظریات شان از فتوای وی بسیار استفاده نمودند. عبدالله بن مسعود -رضی الله عنه- یکی از بزرگترین مفسران صحابه کرام به شمار میرفت که نقش بسیار مهم را در تفسیر قرآن کریم ایفا نموده است و وظیفه تدریس تفسیر را در مدرسه کوفه که یکی از چهار مدارس تفسیر زمان صحابه کرام بود؛ بدوش داشت، و همیشه نامش بعد از ابن عباس ذکر میشود، چون ابن مسعود هم عصر نزول قرآن کریم بود، و می دانست که آیات در کجا نازل شده و در چه مورد نازل شده.<sup>۱</sup> چنانچه از ابن مسعود -رضی الله عنه- روایت شده است: «والذي لا إله غيره ما من كتاب الله سورة إلا أنا أعلم حيث نزلت، وما من آية إلا أنا أعلم فيما أنزلت، ولو أعلم أحدا هو أعلم بكتاب الله مني، تبلغه الإبل، لركبت إليه».<sup>۲</sup>

( قسم به آن ذاتی که هیچ معبودی جز وی نیست، هیچ سوره در قرآن کریم وجود ندارد مگر اینکه من میدانم کجا نازل شده، و هیچ آیتی نیست مگر اینکه من میدانم در مورد چه نازل شده است. و اگر بدانم که شخصی بیشتر از من کتاب الله -جل جلاله- را میفهمد، حتمی به پیش او میرفتم تا از او بیاموزم.)

### سوال های تحقیق:

**سوال اصلی:** عبد الله بن مسعود چه دستاوردهای در تفسیر داشت و مرویات او در سوره های فاتحه و بقره کدام ها اند؟

### سوالهای فرعی:

1- عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج 4 ص 198، نووی، تهذیب الأسماء و اللغات ج 1 ص 288.

2- قشیری، مسلم بن حجاج نیشاپوری، صحیح مسلم، دار ابی حیان، چاپ اول، 1995م، مصر. ج 4 ص 1913 رقم: 2463

1. منظور از شناخت عبدالله بن مسعود چیست؟
2. عبدالله بن مسعود در میان صحابه چه موقف داشت ؟
3. روش های تفسیری عبد الله بن مسعود-رضی الله عنه- در سوره فاتحه و بقره کدام هابود؟
4. عبد الله بن مسعود چه موقف در فهم شأن نزول آیات داشت ؟

### اسباب اختیار موضوع:

بنا به قوانین و مقررات وزارت تحصیلات عالی کشور، بر هر فرد از محصلین لازم است تا در پایان دوره تحصیلی خود تحقیقی را بحیث نتیجه دوره تخصص در رشته تحصیلی شان بنویسند و من نیز مکلف بودم تا موضوعی را انتخاب نموده و روی آن بحث نمایم، به همین سبب من موضوع متذکره را انتخاب نمودم.

1. اولین سبب اختیار این موضوع، علاقه مندی شخصی خودم نسبت به موضوع بود، چون خودم من حیث امام و خطیب مسجد همیشه ترجمه و تفسیر قرآن را بیان می کردم و در آن روایات عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- را به کثرت مشاهده می کردم بنا بر این خواستم مرویات وی را در مورد سوره های فاتحه و بقره بدانم و از آن روش ها در ترجمه و تفسیر استفاده کنم.

2. دومین عامل انتخاب این موضوع این بود که اکثر رساله ها و کتاب هایی که در موضوع نوشته شده اند به زبان عربی می باشند و من خواستم به زبان ملی کشور در این مورد تحقیق نمایم تا بیشتر مورد استفاده قرار گیرد.

### اهمیت موضوع:

موضوعی را که من برای بحث و تحقیق انتخاب نموده ام مهم و ضروری به حساب می رود زیرا معلوم است که مردم ما همه مسلمان هستند و به دینی باور دارند که حل تمام مشکلات مادی و روحی شان را در نظر گرفته است و قرآن کریم اولین مرجع آنان است بناءً نوشتن بحث روی مسئله طرح شده از اهمیت ویژه ای برخوردار است چون خواندن مرویات یک صحابه نشان دهنده میزان زحمات صحابه کرام است و ما را به تمسک به قرآن و استفاده از آن ها دعوت می کند و می تواند رهگشای برخی مشکلات موجود باشد، زیرا سوره فاتحه و بقره اولین

سوره های قرآن کریم می باشند و هر مسلمان نیاز دارد تفسیر آن را بداند و شکی نیست که تفسیر بالماثور به خصوص از مرویات صحابه مشهوری مانند عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- تاثیر خاصی برای اهل مطالعه و تحقیق دارد.

به این اساس این تحقیق به نسبت این که به شیوه خاص نوشته می شود و اکثر مسایل مورد نیاز در آن در نظر گرفته می شود، قابل استفاده زیاد می باشد چون اکثر مقاله ها و کتاب هایی که در این خصوص نوشته شده اند به زبان عربی است، امیدوار هستم این رساله مورد استفاده همگان قرار می گیرد و ان شاء الله این رساله همانند چراغ و مشعلی، راه مسلمانان به خصوص مردم شریف کشورم افغانستان را روشن بسازد.

#### پیشینه تحقیق:

گرجند این موضوع تحت عنوان ( نقش عبد الله بن مسعود در تفسیر وحیث ) در بیشتر از کتابهای تاریخ، سیرت ، تراجم و طبقات زنده گی نامه عبدالله ابن مسعود - رضی الله عنه - ، جایگاه علمی و نظریات وی به شکل رسمی و علمی و یارساله ای به زبان فارسی نوشته نشده است، همچنان بعضی از رساله های به زبان عربی در مورد ایشان در خارج از کشور نوشته شده است، که به موضوع ارتباط زیادی دارد، عبارتند از:

1- **الفکر التربوی عند الصحابی الجلیل عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه-**: این اثر دکتور عبدالله حلفان عبدالله آل عایش است که در آن فکر تربیتی و منهج عبدالله بن مسعود در تربیت بیان شده است.

2- **من کلام ابن مسعود-رضی الله عنه-**: این اثر شیخ صالح بن عبدالعزیز آل شیخ است و در آن برخی مرویات عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- بیان شده است.

اما به زبان ملی (دری و پشتو) کتاب در مورد زنده گی نامه ایشان پیدا نکردم، بنا بر این ضرورت است که در این موضوع به طور کلی و جامع تر بحث شود و مرویات صحابی مذکور در سوره های بقره و فاتحه بیان شود که فواید و اهداف آن قرار ذیل است:

1. ارائه خدمت کوچک علمی به هموطنان عزیزم چون تاحدی که من اطلاع دارم ، تاهنوز به زبان فارسی به شکل علمی ، دراین موضوع اثری نگاشته نشده است.
2. غنی سازی منابع علمی اسلامی در وطن عزیزما افغانستان.
3. آوردن سهولت به کسانیکه به مطالعه زندگی نامه عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- و مرویات وی در سوره های فاتحه و بقره شایق و علاقه مند هستند که مطالعه این رساله می تواند به اسرع وقت آگاهی پیدا کنند.

### روش تحقیق:

روش کاری ای را که برای ترتیب این رساله تحقیقی به کار بردم، روش کتابخانه یی و تحلیلی-توصیفی بوده است و برخی نکات مهمی که در انجام این تحقیق به کار برده ام قرار ذیل است:

1. من اولاً راجع به موضوع انتخاب شده مطالعات مقدماتی انجام دادم و نیز تا آخر و پایان این تحقیق مطالعه کتاب ها و تفاسیر سوره فاتحه و بقره را ادامه دادم.
2. پس از مطالعه و جست وجو در کتاب خانه ها و منابع انترنیتی، کتاب ها و منابعی را که می خواستم از آن ها استفاده کنم فهرست نمودم.
3. من برای نوشتن بحث تلاش کردم با چندین کتاب خانه های فزیکتی از جمله کتاب خانه پوهنتون سلام وغیره و همچنان به کتاب خانه های دیجیتلی مانند مکتبه شامله، مکتبه مشکات، مکتبه عقیده و غیره دست رسی پیدا کردم.
4. پس از تکمیل مطالعات و کارهای مقدماتی به ترتیب خطه و پلان بحث اقدام نمودم.
5. در ترجمه آیات بیشتر از تفسیر نور که تالیف دکتور مصطفی خرمدل می باشد استفاده کردم ام.
6. اقوالی را که به طور مستقیم از علما و دانشمندان نقل می نمایم در میان قوس های کوچک (« ») نقل کرده ام و حواله مربوط به هرآیه، حدیث و اقوال را در پاورقی نشانی نموده ام.



7. احادیثی که از صحیح البخاری و صحیح مسلم نقل کرده ام به علت این که احادیث این دو کتاب بزرگ همه صحیح می باشند بناءً حکم آن ها را ذکر نه کرده ام اما احادیثی که از سایر کتاب های حدیث نقل کرده حکم آن را با استفاده از کتاب های محققین علم حدیث در پاورقی بیان کرده ام.

خطه بحث: این بحث شامل یک مقدمه و سه فصل می باشد که عناوین فصول و مباحث آن قرار ذیل است:

### **فصل اول: معرفی عبد الله ابن مسعود-رضی الله عنه-منهج و نقش وی در تفسیر**

مبحث اول: زندگی، وصیت و وفات عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه-

مبحث دوم: جایگاه و مقام عبدالله بن مسعود رضی الله عنه-

مبحث سوم: نقش عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- در تفسیر

مبحث چهارم: منهج عبدالله بن مسعود در تفسیر و طرق روایت آن

### **فصل دوم: روایات تفسیری عبد الله بن مسعود در سوره فاتحه**

مبحث اول: مرویات تفسیری عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- در سوره فاتحه

مبحث دوم: مرویات تفسیری عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- در برخی آیات سوره فاتحه.

### **فصل سوم: روایات تفسیری عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- در سوره بقره**

مبحث اول: بررسی روایات عبدالله بن مسعود در مورد نزول و فضیلت سوره بقره

مبحث دوم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در باره تفسیر برخی آیات سوره بقره

**خاتمه:** شامل نتیجه گیری، پیشنهادها، فهرست آیات، فهرست احادیث و فهرست مصادر و مراجع است.

## فصل اول

### معرفی عبد الله ابن مسعود-رضی الله عنه-منهج و نقش وی در تفسیر

مبحث اول: زندگی، وصیت و وفات عبد الله بن مسعود-رضی الله عنه-

مطلب اول: تولد و زندگی شخصی عبد الله بن مسعود-رضی الله عنه:-

درطبقات ابن سعد معرفی ابن مسعود-رضی الله عنه- چنین بیان شده است: « عبد الله بن مسعود ، بن غافل ، بن حبیب ، بن شمش ، بن فآر ، بن مخزوم ، بن صاهله ، بن کاهل ، بن الحارث ، بن تمیم ، ابن سعد ، بن هذیل ، بن مدرکه ، واسم مدرکه عمرو ، ابن ایاس ، ابن مضر<sup>۱</sup> اما در کتاب «الإستیعاب فی معرفة الاصحاب» بعد از ابن هذیل بن خذیمه بن مدرکه آورده شده است<sup>۲</sup>،

کنیه عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- ابي عبد الرحمن است، این کنیه را رسول الله -صلی الله علیه وسلم- به وی گذاشته، هم چنانکه امام ذهبی<sup>۳</sup> رحمه الله ذکر کرده: «عن علقمة عن عبدالله قال: کنانی النبی -صلی الله علیه وسلم- أبا عبد الرحمن قبل ان یولد لی»<sup>۴</sup>.

---

1- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع أبو عبدالله البصری الزهری، الطبقات الكبرى، محقق: احسان عباس، ناشر: دارصادر- بیروت (ج: 3 /ص: 150)

2- ابن عبدالبر، الاستیعاب لمعرفة الاصحاب، موقع الوراق، المكتبة الشاملة، اصدار 3.32 تحقیق: علی محمد البجاوی، الناشر: دار الجبل، بیروت. (ج: 3 /ص: 987)،

3- الذهبی: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی درسال: 673هـ— بدنیآمه است و یکی از علمای بزرگ جهان اسلام و دارای تصانیف زیادی است و درسال: 748هـ— از دینا رحلت نموده است. و امام موصوف ترکمانی الاصل بوده، دمشقی المسکن والمدفن وشافعی المذهب است. زرکلی، الاعلام، ج 5 ص 362

4- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء : (ج: 1/ص: 410 - 411) تحقیق: مجموعة محققین بإشراف شعيب الارناؤوط، ناشر: مؤسسة الرسالة.

( امام ذهبی این روایت را در کتاب اش از طریق علقمه، واز عبد الله بن مسعود- رضی الله عنه-ما- روایت کرده فرمود: پیش از این که من صاحب فرزند شوم رسول الله -صلی الله علیه وسلم-کنیه ی فوق را برایم گذاشت.)

عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- به نام مادرش شناخته شده می شد، و به لقب (ابن أم عبد) خوانده میشد. وی غالباً در میان قبیله بنی زهره - هم پیمانان پدرش - تولد شده چون مسعود با قبیله بنو زهره در زمان جاهلیت هم پیمان بود، و خودی عبدالله بن مسعود -رضی الله عنه- در آغاز جوانی مسلمان شده بود، و پدرش مسعود قبل از اسلام بنا بر قول صحیح وفات کرده بود، چون در روایات ذکر نشده است که وی زمان بعثت پیامبر -صلی الله علیه وسلم- را درک کرده باشد، در حالیکه مادرش أم عبد در مصادر در جمله صحابیات ذکر شده است.<sup>۱</sup>

عبدالله بن مسعود از لحاظ پیوند قرابت و نسب اش هذلی و به نسبت هم پیمان اش زهری می باشد، قبیله هذیل نسبتش به عدنان می رسد و آن عبارت از بنو هذیل بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان. خانه هایشان در سروات بود که دشت هایشان متصل به کوه غزوان است، کوه غزوان متصل به طائف است، و در زمان حکومت اسلامی در کشورهای مختلف پراکنده شدند، و از آن هیچ قبیله منسجم در آنجا باقی نمانده است، و در افریقا یک قبیله در نواحی باجه از آن ها بود که همراهی لشکر سلطان همان وقت بودند. و یک طائفه از آنها در طوخ الجبل واقع در اخمیم که در مصر قرار دارد بودند. آنها قبل از اسلام بت مناة که در بین مکه و مدینه قرار داشت، بت سعد و بت «سواع» را که در منطقه «رهاط» قرار داشت، عبادت می کردند و در سال 8 هجری عمرو بن العاص -رضی الله عنه- آنها را منهدم کرد.<sup>۲</sup>

---

1- این مطلب را دکتر راجحی در کتاب اش عن ابن مسعود - رضی الله عنه - (ص: 10) اشاره فرموده است.

2- کحالة، عمر بن رضا بن محمد بن راغب بن عبدالغنی، معجم قبائل العرب القديمة والحديثة. (ج: 3 ص: 1213- 1214) بیروت- مؤسسة الرسالة.

مادر عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- أم عبد دختر عبدود ، بن سواء ، بن قریم ، ابن صاهله ، بن کاهل ، بن الحارث ، بن تمیم ، بن سعد ، بن هذیل ، ابن مدرکه ، بن الیاس ، بن مضر.<sup>۱</sup>

اسلام مادر عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- و صحبتش همراهی رسول الله-صلی الله علیه وسلم- ابن سعد میگوید: ام عبد در زمان پیامبر-صلی الله علیه وسلم- اسلام آورده و با ایشان بیعت کرده است.<sup>۲</sup>

همچنان روایت شده است که ام عبد از پیامبر-صلی الله علیه وسلم- روایت نموده است که وی پیامبر-صلی الله علیه وسلم- را دیده است که در نماز وتر قبل از رکوع؛ قنوت می خوانده است.<sup>۳</sup>

عمر -رضی الله عنه- در جمله زنان مهاجر بخششی را برایش تعیین کرده بود، چنانچه ابن سعد ذکر نموده است: عمر بن الخطاب -رضی الله عنه- گفت: اگر مال زیاد شد، خواه مخواه برای هر مرد چهار هزار درهم: هزار درهم برای سفرش، هزار درهم برای سلاحش، هزار درهم برای مصرف خانواده اش و هزار درهم برای اسب و قاطر؛ تعیین میکنم. همچنان برای زنان مهاجر سهمیه تعیین کرد، چنانچه برای صفیه بنت عبدالمطلب شش هزار درهم، برای اسماء بنت عمیس هزار درهم، برای ام کلثوم بنت عقبه هزار درهم و برای مادر عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه-م- هزار درهم تعیین نمود.<sup>۴</sup>

عبد الله ابن مسعود -رضی الله عنه- پسرانی داشت به نام های عبدالرحمن و عامر که هر دو از جمله راویان ثقه می باشند.<sup>۵</sup> ابن حبان-رحمه الله- آنان را در جمله ثقات ذکره نموده است، وگفته که عامر که به ابو عبیده ملقب

---

1- ذهبی، سیر اعلام النبلاء (ج: 3 / ص: 281). ابن سعد، الطبقات الكبرى (ج: 3 / ص: 150)

2- ابن سعد، الطبقات الكبرى (ج: 8 ص: 289). الیق 5

3- ابن اثیر، أبو الحسن علی بن أبی الکریم محمد بن محمد عز الدین ابن الأثیر (المتوفی: 630هـ) اسد الغابة (ج: 6 ص: 363) بیروت- دار الفکر .

4 - ابن سعد، الطبقات الكبرى (ج: 3 ص: 296).

5 - عسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج: 6 ص: 215 - 216) میزان الاعتدال (ج: 2 ص: 573)

بود، از پدرش حدیث نشنیده است.<sup>۱</sup> دار قطنی میگوید: ابوعبیده داناتر به حدیث پدرش نسبت به حنیف بن مالک و هم دوره هایش می باشد.<sup>۲</sup> ابن سعد میگوید: ابوعبیده از پدرش زیاد روایت نموده است، ولیکن از پدرش هیچ چیز نشنیده است، وی ثقه و کثیر الحدیث است.<sup>۳</sup>

عبدالله بن مسعود -رضی الله عنه- بیشتر دختران زیاد داشت، چنانچه روایتی را که ابن سعد نقل نموده است، که ابن مسعود -رضی الله عنه- در زمان وفاتش به زبیر و فرزندش عبدالله بن زبیر -رضی الله عنه- ما وصیت نمود، وگفت: هیچ یک از دخترانش بدون علم و اجازه آنها ازدواج نکند، و همسرش مانع این کار نشود.<sup>۴</sup>

### مطلب دوم: وصیت و وفات ابن مسعود -رضی الله عنه-

ابن سعد از عمار بن عبدالله بن زبیر -رضی الله عنه- ما روایت میکند که گفت: عبدالله بن مسعود به زبیر -رضی الله عنه- وصیت کرد - چون پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در میان آن دو پیمان برادری بسته کرده بود - پس به زبیر و پسرش عبدالله بن زبیر -رضی الله عنه- ما وصیت کرد، ابو ظبیة میگوید: عثمان -رضی الله عنه- عبدالله بن مسعود -رضی الله عنه- را در مرض موتش به عیادتش رفت، و برایش گفت: از چه چیز شکایت داری؟ گفت: از گناهانم! گفت: چه اشتهای داری؟ گفت: رحمت پروردگارم را! گفت: آیا برای مداویت داکتر نخواهم؟ گفت: داکتر مرا مریض ساخته! گفت: آیا امر نکنم برایت چیزی از بیت المال بدهند؟ گفت: ضرورت به آن ندارم! گفت: امر کنم برای دخترانت بدهند! گفت: آیا از فقر دختران من می ترسی؟ من به دخترانم امر کردم که هر شب سوره

---

۱ - ابن سعد، الطبقات الكبرى (ج 6 ص: 210) 1

۲ - تهذیب التهذیب (ج: 20 ص: 40)

۳ - ابن سعد، الطبقات الكبرى (ج: 6 ص: 210).

۴ - ابن سعد، الطبقات الكبرى ج: 3 ص: 159).

واقعه را قرائت کنند، چون من از رسول الله -صلی الله علیه وسلم- شنیدم میگفت: کسی در شب سوره واقعه را بخواند، هرگز دچار فقر نمی شود.<sup>۱</sup>

ابن مسعود -رضی الله عنه- در سال 32 هجری در مدینه منوره وفات کرد، که شصت و چند سال عمر داشت و در قبرستان البقیع دفن شد.<sup>۲</sup> یحیی بن عتبۀ میگوید: وی 63 سال زنده گی کرد. و در یک روایت آمده که وی در سال 33 هجری وفات کرده است، امام ذهبی -رحمه الله- میگوید: شاید در اوایل 33 هجری وفات کرده باشد. و بعضی ها میگویند: ابن مسعود -رضی الله عنه- سه سال قبل از عثمان -رضی الله عنه- وفات کرده است و امیر المؤمنین عثمان -رضی الله عنه- نماز جنازه وی را خواند<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> - أسد الغابة (ج : 3 ص: 289 - 290). سند حدیث حسن است.

<sup>۲</sup> - أسد الغابة (ج: 3 ص: 286)

<sup>۳</sup> - سیر اعلام النبلاء (ج: 3 ص: 306) .

مبحث دوم : جایگاه و مقام عبدالله بن مسعود رضی الله عنه -

مطلب اول: جایگاه عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - در نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم -:

روایات ذیل نشان دهنده جایگاه عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - در نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است:

1- عَنْ مَسْرُوقٍ، قَالَ : ذُكِرَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فَقَالَ :

ذَٰكَ رَجُلٌ لَا أَرَأَىٰ أُحِبُّهُ سَمِعْتُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ : خُذُوا الْقُرْآنَ مِنْ أَرْبَعَةٍ ، مِنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ

- رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فَبَدَأَ بِهِ، وَسَالِمٍ مَوْلَى أَبِي حُدَيْفَةَ وَمُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ وَأَبِي بِنِ كَعْبَةَ.<sup>1</sup>

( از مسروق ، روایت کرده گفت : نام عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - نزد عبد الله بن عمرو گرفته شد ،

فرمود : ومن وی را همیشه دوست داشتم، از زمانیکه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - حدیث فوق را در باره وی

گفت : که قرآن کریم را از چهار نفر بیاموزید: (عبد الله بن مسعود، سالم مولى حذیفه، معاذ بن جبل، و ابی بن

کعب - رضی الله عنهم -)

2- عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَمِعْتُ ابْنَ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - يَقُولُ : قَالَ : لِي رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَسَلَّمَ : إِذْ نَزَّ عَلَيَّ أَنْ يُرْفَعَ الْحِجَابُ وَأَنْ تَسْتَمِعَ سَوَادِي حَتَّىٰ أَنْهَاكَ.<sup>2</sup>

(عبد الرحمن بن یزید گفته است که من از ابن مسعود شنیدم که می گفت: برایم رسول خدا- صلی الله علیه

وسلم- گفت: اجازه تو بر من این است که پرده ها دور شوند و اینکه سیاهی مرا بشنوی تا اینکه من تو را نهی

کنم.)

---

1- صحیح البخاری (ج: 9 / ص: 381 / شماره حدیث : 3808 و 4999). صحیح مسلم (ج: 4 / ص: 1913 / شماره حدیث : 2464) .

المستدرک علی الصحیحین للحاکم (ج: 3 / ص: 605 / شماره حدیث : 6242).

2- صحیح مسلم (ج: 11 / ص: 140 / شماره حدیث : 4033). صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان (ج: 15 / ص: 545 / شماره حدیث :

3- عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ ، قَالَ : قَالَ أَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- : لَقَدْ رَأَيْتُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَمَا

أَرَى إِلَّا ابْنَ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - مِنْ أَهْلِهِ.»<sup>1</sup>

( از ابو اسحاق روایت است که ابوموسی الاشعری - رضی الله عنه - میفرماید: من دیدم پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و من ندیدم هیچ کس را مگر ابن مسعود - رضی الله عنه - را از جمله خانواده و اهل بیتش)

4- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مَرَّ بَيْنَ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ -

مَا وَعَبْدُ اللَّهِ يُصَلِّي ، فَافْتَتَحَ سُورَةَ النَّسَاءِ فَسَنَحَ لَهَا ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَقْرَأَ

الْقُرْآنَ غَضًّا كَمَا أَنْزَلَ فَلْيَقْرَأْهُ قِرَاءَةً ابْنِ أُمِّ عَبْدِ اللَّهِ ثُمَّ سَأَلَ ، فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ : سَلْ تُعْطَهُ

، سَلْ تُعْطَهُ فَقَالَ فِيمَا يَسْأَلُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا لَا يَرْتَدُّ ، وَنَعِيمًا لَا يَنْفَدُ ، وَمُرَافَقَةً لِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وسلم - فِي أَعْلَى جَنَّةِ الْخُلْدِ ، فَأَتَى عُمَرُ عَبْدَ اللَّهِ لِيُبَشِّرَهُ ، فَوَجَدَ أَبَا بَكْرٍ خَارِجًا قَدْ سَبَقَهُ ، فَقَالَ : إِنْ فَعَلْتَ ، إِنَّكَ

لَسَبَّاقٌ بِالْخَيْرِ.»<sup>2</sup>

(از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت می کند ، میفرماید: بتحقیق پیامبر -صلی الله علیه وسلم- آمد ،

در میان ابوبکر و عمر - رضی الله عنهما - و عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - نماز می داد ، آغاز کرد عبد

الله بن مسعود -رضی الله عنه- به سوره نساء و پیایی خوانده رفت ، پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمود : کسی

که دوست دارد قرآن کریم را نرم و زیبا بخواند ، چنانکه نازل شده ، باید بخواند به قرائت ابن ام عبد ، یعنی عبد

الله بن مسعود -رضی الله عنه- ابن مسعود -رضی الله عنه- پیش آمد و سؤال کرد ، سپس شروع کرد پیامبر -

---

- الطبقات الكبرى لابن سعد (ج: 3 / ص: 154 / شماره حدیث : 3282).<sup>1</sup>

<sup>2</sup> - سنن ابن ماجه (ج: 1 ص: 157، شماره حدیث: 135). مسند أبي يعلى الموصلي (ج: 1 / ص: 42 / شماره حدیث : 16 - 17). صحیح

ابن حبان بترتیب بان بلبان (ج: 15 / ص: 543 / شماره حدیث : 7067) المعجم الكبير للطبرانی (ج: 9 / ص: 68 / شماره حدیث : 8417).

المقصد العلی فی زوائد مسند أبي يعلى الموصلي (ج: 2 / ص: 1322). سند حدیث ضعیف است ، زیرا که در این حدیث شخصی به نام عاصم ابن

ابی النجود آمده وی را ضعیف شمرده اند، سیر اعلام النبلاء (ج 1 ص: 340).



صلی الله علیه - می فرمود : سوال بکن ای ابن ام عبد ، داده می شوی ، سوال بکن داده می شوی ، عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - آنچه که می گفت این نکات بود : ای پروردگار را سوال میکنم ترا ، ایمانی که بدور از کفر باشد ، ونعمت های که هیچ وقت تمام شدنی نباشد ، وسوال میکنم دوستی حبیب ات را ، در بلند ترین جنات نعیم ، سپس حضرت عمر -رضی الله عنه- آمد نزدی عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- تاوی را بشارت دهد، دید که ابوبکر ضی الله عنه - ازوی کرده سبقت کرده ،ابوبکر-رضی الله عنه-به عمر-رضی الله عنه- گفت : اگر این کار را تو انجام می دادی به تحقیق از جمله سبقت کنند ها بودی .

### مطلب دوم : جایگاه ابن مسعود - رضی الله عنه - در نزد صحابه کرام و تابعین شان

روایات ذیل بیان گر جایگاه ابن مسعود - رضی الله عنه - در نزد صحابه کرام و تابعین شان است:

1- عَنْ مَسْرُوقٍ، ذَكَرَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو عَبْدَ اللَّهِ بْنَ مَسْعُودٍ -رضی الله عنه- فَقَالَ: لَا أَرَأُلُ أَحِبُّهُ، سَمِعْتُ النَّبِيَّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- يَقُولُ: «خُذُوا الْقُرْآنَ مِنْ أَرْبَعَةٍ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، وَسَالِمٍ، وَمُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ، وَأَبِي بِنِ كَعْبٍ -رضی الله عنه-»<sup>1</sup>.

( مسروق گوید: پیش عبدالله بن عمرو، از عبدالله بن مسعود بحث شد، عبدالله بن عمرو گفت: عبدالله بن مسعود کسی است، از هنگامی که شنیدم پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: قرائت قرآن را از چهار نفر یاد بگیرد: اول: عبدالله بن مسعود. دوم: سالم مولی ابو حذیفه. سوم: ابی بن کعب. چهارم: معاذ بن جبل. از آن وقت هر روز بیشتر او را دوست دارم.)

2- «عَنْ حَبَّةِ الْعُرْنِيَّ، أَنَّ نَاسًا، أَتَوْا عَلِيًّا، فَأَتْنُوهُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ فَقَالَ: «أَقُولُ فِيهِ مِثْلَ مَا قَالُوا، وَأَفْضَلُ مِنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ، وَأَحَلَّ حَالَهُ، وَحَرَّمَ حَرَامَهُ، فَقِيهٌ فِي الدِّينِ، عَالِمٌ بِالسُّنَّةِ»<sup>2</sup>

- صحیح البخاری (ج: 6 /ص: 187 / شماره : 4999).<sup>1</sup>

<sup>2</sup>- المستدرک علی الصحیحین للحاکم (ج: 3 /ص: 357 / شماره حدیث : 5380) العسقلانی ، أبو الفضل احمد بن علی بن محمد بن أحمد بن

( از حبه بن جوین العرنی روایت است که می گوید: یک گروه مردم علی -رضی الله عنه- را ستایش کردند و سپس به ستایش ابن مسعود آغاز نمودند، پس او گفت: من در مورد او چنان می گویم که آنان گفته اند و افضل ترین کسی است که قرآن را خوانده، حلالش را حلال، حرامش را حرام تلقی کرده است، او فقیه دین و عالم بر سنت است.)

### مطلب سوم: جایگاه عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- در نزد ائمه

ابن مسعود-رضی الله عنه- مرجع کبار تابعین در کوفه بود و ائمه دین با وی ملاقات می نمودند، وازوی علم را می آموختند و به دیگران میرسانیدند، مسروق میفرماید: زمانیکه من با عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- نزدیک شدم وشناختم که علم اصحاب رسول الله -صلی الله علیه وسلم- درشش نفر خلاصه می شده: عمر، علی ، عبد الله ، معاذ، اُبی درداء، وزید بن ثابت -رضی الله عنه- سپس به مرور زمان شناختم که علم این شش نفر به دونفر خلاصه می شده: علی و عبد الله بن مسعود- رضی الله عنه-<sup>۱</sup>.

ابن قیّم<sup>۲</sup> - رحمه الله - می فرماید: دین، فقه ، علم که در میان امت نشر شده از اصحاب و شاگردان ابن مسعود-رضی الله عنه- و اصحاب ابن زید بن ثابت ، اصحاب عبد الله بن عمر ، اصحاب عبد الله بن عباس -رضی الله عنه-م بودند، مردم همه شان را شناخته بودند که تربیت شده اصحاب اربعه هستند.<sup>۳</sup>

---

حجر(1415هـ - 1994م) إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة (ج:11/ص: 331 /شماره حدیث : 14136). تحقیق : بإشراف د- زهیر بن ناصر الناصر . ناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف . چاپ اول .

1- ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج 2 ص 351)

2- ابن قیّم جوزی: محمد بن ابی بکر بن ایوب در سال 691 ه ق در دمشق چشم به جهان گشود او یکی از علمای بزرگ بوده که نزد شیخ الاسلام ابن تیمه -رحمه الله- اکثر علوم مروج زمان را فرا گرفته و همراه او در قلعه دمشق محبوس شد، از جمله تالیفات وی مدارج السالکین، الوابل الصیب من الکلم الطیب و طرق الکتب فی السیاسة الشرعیة می باشد، او در سال 751 هجری در شهر دمشق وفات نمود. زرکلی، الأعلام، (ج 5، ص 25).

3- ابن قیّم، محمد بن ابی بکر، اعلام الموقعین ( ج: 1 ص: 21



مبحث سوم: نقش عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - در تفسیر

مطلب اول: علم ابن مسعود - رضی الله عنه - به شان نزول

ابن مسعود - رضی الله عنه - یکی از بزرگترین مفسرین صحابه بود، از جمله صحابه ی بود که در زمان نزول قرآن زندگی کرد، و می دانیست که آیه از قرآن در کجا نازل شده ، درباره کی نازل شده؟ کدام آیت ناسخ و کدام آیت منسوخ است، ابن کثیر<sup>۱</sup> - رحمه الله - در تفسیر اش کبار مفسرین صحابه را بیان نموده و از میان شان از جمله کسانی که باید تفسیر از آنها اخذ شود، ابن مسعود - رضی الله عنه - را به شمار آورده است، ابن مسعود - رضی الله عنه - این قول مشهور اش را ذکر می کند: « قَالَ: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - وَاللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَنْزَلَتْ وَلَا أَنْزَلْتُ إِلَّا وَأَنَا أَعْلَمُ فِيهِمْ أَنْزَلْتُ وَلَوْ أَعْلَمُ أَحَدًا أَعْلَمَ مِنِّي بِكِتَابِ اللَّهِ تَبَلَّغَهُ الْإِبِلُ لَرَكِبْتُ إِلَيْهِ ».<sup>۲</sup>

(سوگند به خداییکه جز او خدایی نیست، سوره ای از کتاب خدا فرود نیامده جز اینکه من می دانم کی نازل شد؟ و آیه ای از کتاب خدا نازل نشده، مگر اینکه من می دانم در باره چه بوده؟ اگر شخصی را سراغ داشته باشم که کتاب خدا را بهتر از من می داند، و امکان سفر در آن بوده باشد، بخاطر کسب علم قرآن به سوی آن رخت سفر خواهم بست.)

جدا از این که صحابه بودن در مکتب نبوت تربیت یافتن و خیر القرون بودن، علاوه از این در همه امور شان صداقت و اخلاص کامل داشتند، همان مسئولیت را که برایشان داده می شد با صداقت و ایمان داری پیش می بردن ، یکی از آن جمله ابن

---

1- ابن کثیر: عماد الدین اسماعیل بن عمر بن ضوء بن کثیر، أبو الفداء، حافظ دمشقی، شافعی، دارای حافظه قوی و فهم عالی بود، و در سرودن شعر عربی توانایی خوبی داشت. صاحب تصانیف زیادی است که از آن جمله: تفسیر القرآن العظیم و کتاب البدایه و النهایه می باشد، در سال 774 هجری چشم از جهان بست. ببینید: (شذرات الذهب) - ابن العماد حنبلی - 8/397.

- صحیح البخاری (ج: 6/ص: 187/شماره : 5002). صحیح مسلم (ج: 7/ص: 148/شماره : 6487).<sup>2</sup>

مسعود-رضی الله عنه-بود، خدمات شایان و شاگردان زیادی در عرصه تفسیر از خود بجای گذاشت که امت به مرور زمان از خدمات و شخصیت وی استفاده زیادی نموده اند، چنانچه روایت شده است: عَنْ شَقِيقٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ ( وَمَنْ يَغْلُلُ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ) ثُمَّ قَالَ عَلَى قِرَاءَةِ مَنْ تَأْمُرُونِي أَنْ أَقْرَأَ فَلَقَدْ قَرَأْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- بَضْعًا وَسَبْعِينَ سُورَةً وَلَقَدْ عَلِمَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- أَنِّي أَعْلَمُهُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَلَوْ أَعْلَمُ أَنَّ أَحَدًا أَعْلَمُ مِنِّي لَرَحَلْتُ إِلَيْهِ. قَالَ شَقِيقٌ فَجَلَسْتُ فِي حَلْقِ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ -صلى الله عليه وسلم- فَمَا سَمِعْتُ أَحَدًا يَرُدُّ ذَلِكَ عَلَيْهِ وَلَا يَعْيبُهُ»<sup>1</sup>.

(شقیق از عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- روایت می کند که او در مورد آیه ( وَمَنْ يَغْلُلُ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ) گفت: بر قرائت چی کسی می خواهید من بخوانم، یقیناً من بر رسول خدا-صلى الله عليه وسلم- هفتاد و چند سوره را خوانده ام و اصحاب رسول خدا-صلى الله عليه وسلم- می دانند که من دانا ترین آنان به کتاب الله هستم و اگر بدانم که کسی از من دانا تر است من به سوی او سفر می کردم، شقیق گفته است: من در جلسه اصحاب محمد-صلى الله عليه وسلم- نشستم و هیچ کس را نشنیدم که این سخن را رد کند و یا بر او عیب بگیرد.)

### مطلب دوم : فهم ابن مسعود - رضی الله عنه- به مکان و زمان نزول آیات

ابن مسعود-رضی الله عنه- از جمله کسانی بود که به مکان نزول آیات علم داشت چنانچه در روایات قبلی بیان گردید و در روایت دیگر نیز آمده است: عَنْ عَلْقَمَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي غَارٍ،

---

1 - صحیح مسلم (ج: 7 ص: 148 / شماره: 6486). امام بخاری این حدیث را به شماره: (ج: 9 ص: 46-47 ، شماره: 5000) ، امام نسائی در فضائل القرآن (ص: 65 ، شماره: 22) و امام ابی داود در المصاحف به شماره: (39/ 86 و 87). و امام سعید بن منصور در تفسیرش به شماره: (ج: 1 ص: 248) تمام اینها از طریق شقیق از ابن مسعود-رضی الله عنه- نقل نموده اند.

فَنَزَلَتْ {وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا} 1 فَإِنَّا لَنَتَلَقَاهَا مِن فِيهِ، إِذْ خَرَجَتْ حَيَّةً مِّن جُحْرِهَا، فَأَبْتَدَرْنَاهَا لِنَفُتِلَهَا، فَسَبَقْتَنَا فَدَخَلَتْ جُحْرَهَا،

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «وُقِيَتْ شَرْكُمُ كَمَا وُقِيْتُمْ شَرَّهَا»<sup>۲</sup>

( از علقمه ، از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت می کند فرمود: ما همراهی رسو الله - صلی الله علیه وسلم - در غار بودیم، سوره {وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا} نازل شد وما از زبان رسول الله - صلی الله علیه وسلم - عملاً می آموختیم که ناگهان ماری از سوراخی غار برآمد ما کوشش کردیم که به قتل برسانیم مار را ، و مار از ما سبقت گرفت و در سوراخی خود در آمد، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: مار از شر شما پناه یافت، و شما از شر آن پناه یافتید.)

همچنان در روایت دیگر آمده است: «عَنْ عَلْقَمَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: " كُنْتُ أَمْشِي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَرِّ بِالْمَدِينَةِ، وَهُوَ مُتَكِيٌّ عَلَى عَسِيبٍ، قَالَ: فَمَرَّ بِقَوْمٍ مِنَ الْيَهُودِ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: سَأَلُوهُ عَنِ الرُّوحِ، قَالَ بَعْضُهُمْ: لَا تَسْأَلُوهُ فَسَأَلُوهُ عَنِ الرُّوحِ، فَقَالُوا: يَا مُحَمَّدُ مَا الرُّوحُ؟ فَقَامَ، فَتَوَكَّأَ عَلَى الْعَسِيبِ، قَالَ: فَظَنَنْتُ أَنَّهُ يُوحَى إِلَيْهِ، فَقَالَ: {وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا} [الإسراء: 85] ، قَالَ: فَقَالَ بَعْضُهُمْ: قَدْ فُلْنَا لَكُمْ: لَا تَسْأَلُوهُ. »<sup>۳</sup>

(از علقمه ، از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت می کند فرمود: من روان بودم همراهی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در یک کشت زاری و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در کنده خورمای تکیه زده بود، ابن مسعود - رضی الله عنه - فرمود: سپس رسو الله - صلی الله علیه وسلم - تیرشد به قومی از یهود، گفتند بعضی شان برای بعضی

1- المرسلات: 1

2 - صحیح البخاری (4 / 129 / شماره حدیث: 3317)

3- مسند امام احمد بن حنبل (6 / 214 / شماره : 3688) تفسیر ابن کثیر (5/113) سند حدیث صحیح است. سنن النسائی الکبری (6 / 481 / شماره : 11568).

شان سوال کنید پیامبر را از روح و بعض شان میگفتند سوال نکنید؛ سپس سوال کردند فرمودند: یا محمد روح چیست؟ پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بلند شد، و به کنده "خورما" تکیه زد، ابن مسعود - رضی الله عنه - فرمود: گمان کردم که برایش همین آیه وحی شد {وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا} ابن مسعود - رضی الله عنه - فرمود: یهود بایگ دیگرشان می گفتند: نه گفتیم که سوال نکنید.؟! از روایات فوق معلوم می شود که عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - در اکثر مکان های نزول وحی حضور داشته و چنانچه خودش گفته است به مکان نزول آیات و زمان آن ها علم داشته است.

همچنان ابن مسعود - رضی الله عنه - اکثراً به زمان و وقت نزول آیات نیز علم داشت، چنانچه در روایتی آمده است: عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: مَا كَانَ بَيْنَ إِسْلَامِنَا وَبَيْنَ أَنْ عَاتَبَنَا اللَّهُ بِهَذِهِ الْآيَةِ {أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ} 1 إِلَّا أَرْبَعُ سِنِينَ<sup>2</sup>

(از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت است که گفته است: در مابین اینکه ما اسلام را پذیرفتیم، بعد از چهار سال الله متعال به آیه فوق یعنی به این معنی: (آیا وقت آن برای مومنان فرا نرسیده است که دل‌هایشان به هنگام یاد خدا، و در برابر حق و حقیقتی که خدا فرو فرستاده است، بلرزند) ما را سرزنش و مورد عتاب قرار داد.)

### مبحث چهارم: منهج عبدالله بن مسعود در تفسیر و طرق روایت آن

#### مطلب اول: شیوه ترغیب و ترهیب وی در تفسیر

ابن مسعود - رضی الله عنه - مهارت خاصی در تفسیر و شرح آیات قرآن کریم داشت، زمانیکه آیات را شرح میکرد مثال های زنده ی را به تصویر می کشید، و تمثیل می کرد، به عنوان مثال قول ابن مسعود - رضی الله عنه - را بیان خواهیم کرد و این اسلوب و شیوه قرآن است که باید همیشه بیان شود، و این طریقه را نمی تواند مگر کسی

1- (الحدید: 16)

2 - صحیح مسلم (8/ 243 / شماره حدیث: 7735).

که عملاً زندگی کرده باشد، روحاً و عقلاً بزرگ شده باشد در زیر سایه وحی و یا در زمان نزول آیات، ابن مسعود - رضی الله عنه - روحاً و فکرماً بزرگ شد و شاگرد بالفعل رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بود از وی عملاً تفسیراً آموخت و به دیگران تفسیر کرد، چنانچه در روایتی آمده است: **عَنْ أَبِي الْأَخْوَصِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ وَالْمُنَافِقِ وَالْكَافِرِ مَثَلُ ثَلَاثَةِ نَفَرٍ انْتَهَوْا إِلَى وَادٍ، فَدَفَعَ أَحَدُهُمْ فَعَبَرَ، ثُمَّ وَقَعَ الْآخَرُ حَتَّى إِذَا أَتَى عَلَى نِصْفِ الْوَادِي نَادَاهُ الَّذِي عَلَى شَفِيرِ الْوَادِي: وَيْلَكَ. أَيْنَ تَذْهَبُ؟ إِلَى الْهَلَكَةِ؟ ارْجِعْ عَوْدَكَ عَلَى بَدْنِكَ، وَنَادَاهُ الَّذِي عَبَرَ: هَلَمْ إِلَى النَّجَاةِ. فَجَعَلَ يَنْظُرُ إِلَى هَذَا مَرَّةً وَإِلَى هَذَا مَرَّةً، قَالَ: فَجَاءَهُ سَيْلٌ فَأَغْرَقَهُ، فَالَّذِي عَبَرَ الْمُؤْمِنُ، وَالَّذِي غَرِقَ الْمُنَافِقُ: {مُذْبَذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَوْلَاءٍ وَلَا إِلَى هَوْلَاءٍ} وَالَّذِي مَكَثَ الْكَافِرُ»<sup>1</sup>.**

(از ابی الاحوص روایت است که عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - فرمود: مثال مؤمن ، منافق و کافر، مثال سه نفری را می ماند که در دره که میان دو کوه قرار دارد، یکی از آن سه نفر از دره پراز خطر عبور می کنی، دیگری آن در وسط دره بند مانده، شخصی سومی در لبه وادی، شخصی که در در لبه وادی است صدا میزند به شخصی در میان دره است، کجا می روی خود را در هلاکت میاندازی ، برگرد به عقب تا که هلاک نشوی و شخصی که عبور کرده وی را صدا میزند بیا بسوی نجات ، و این شخص یک بار به عقب نگاه می کند و یک بار به پیش روی در این هنگام سیلی میآید وی را غرق میکند، پس آن کس که نجات یافته و عبور کرده مؤمن است، و کسی که غرق شد منافق است {مُذْبَذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَوْلَاءٍ وَلَا إِلَى هَوْلَاءٍ} و آن کسی باقی ماند کافر است. این مثال منافق است که همیشه متردد سرگشته است نه این طرف است و نه آن طرف.)

همچنان در روایت دیگر آمده است: **«عَنْ مُرَّةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: يَرِدُ النَّاسَ جَمِيعًا الصَّرَاطَ، وَوَرَدَهُمْ: قِيَامُهُمْ حَوْلَ النَّارِ، ثُمَّ يَصْدُرُونَ عَنِ الصَّرَاطِ بِأَعْمَالِهِمْ، فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْرُؤٌ مِثْلَ الْبُرْقِ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْرُؤٌ مِثْلَ الرِّيحِ، وَمِنْهُمْ**

<sup>1</sup> - تفسیر ابن کثیر (2 / 440). سند حدیث حسن است



من يمر مثل الطير، ومنهم من يمر كأجود الخيل، ومنهم من يمر كأجود الإبل، ومنهم من يمر كعدو الرجل، حتى إن آخرهم  
مَرًّا: رجل نوره على موضع إبهامي قدميه، يمرّ فيتكفأ به الصراط، والصراط دَحْضٌ مزلةٌ، عليه حَسَكٌ كحسك السعدان،  
حافتاه ملائكة معهم كلاب من نار يخطفون بها الناس»<sup>1</sup>.

( از طریق ازمره ، از عبد الله بن مسعود-رضی الله عنه-نقل می کند فرمود: در فردای قیامت همه مردم به پول  
صراط رد می شوند ، و وارد شدن شان مراد استاد شدن در اطراف آتش جهنم است ، سپس هر کس عبور می کند  
از پول به واسطه اعمال اش، بعض شان مثل برق تیر می شود، بعض شان مثل حرکت باد، بعض شان مثل حرکت  
پرنده ، بعض شان مثل اسپ تیز رفتار، بعض شان مثل شتر تیز رفتار، بعض شان مثل دویدن مردی تیز رفتار، حتی  
آخری نفری که از پول عبور می کند نورش فقط همان قدر است که پیش رویش را روشنی می کند، در حال عبور  
می کند، دوطرف پول چنگک های قرار دارد که گوشت و پوست وی را خراشیده بسیار به حالت دشواری از پول  
عبور می کند).

از روایات فوق معلوم می شود که عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- فهم و روش خاصی در تفسیر داشته است و  
با بیان مثال ها شاگردانش را می فهمانده است.

### مطلب دوم : طرق روایت عبد الله بن مسعود-رضی الله عنه-.

علمای علم روایت طرق روایات عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- را در پنج مورد خلاصه نموده اند:

1: **طریق اول:** از طریق اعمش ، از ابی الضحی ، از مسروق ، از ابن مسعود-رضی الله عنه-نقل شده، این صحیح  
ترین روایت است که امام بخاری به آن اعتماد کرده، آن را روایت نموده است، در صحیح خود.

---

- التفسیر من سنن سعید بن منصور (2/ 526).<sup>1</sup>

2: **طریق دوم:** از طریق مجاهد، از ابی معمر، از ابن مسعود - رضی الله عنه- نقل شده است، امام بخاری هم از این طریق روایت دارد و به آن اعتماد کرده.

3 : **طریق سوم :** از طریق اعمش ، از ابی وائل ، از ابن مسعود-رضی الله عنه-نقل شده است و این هم همچنان روایت صحیح است، امام بخاری آن را تخریح نموده و به صحت آن شاهی داده است.

4: **طریق چهارم :** که حاکم تخریح نموده در مستدرک اش و آن را صحیح هم گفته و امام ابن جریر طبری در تفسیر اش تخریح نموده ، از طریق سدی الکبیر، از مره الهمدانی ، از ابن مسعود-رضی الله عنه-نقل شده است.

5: **طریق پنجم:** از طریق ابی روق ، از ضحاک ، از ابن مسعود-رضی الله عنه-نقل شده که از این طریق امام ابن جریر طبری در تفسیر اش روایت کرده و روایت آن منقطع آمده است، زیرا که امام ضحاک، با ابن مسعود - رضی الله عنه- ملاقات نکرده.<sup>1</sup>

شهرت مکمل طبقات فوق:

1- اعمش: نام اصلی وی سلیمان بن مهران اسدی، کاهلی (کاهل ابن اسد بن خزیمه) و کنیه وی ابامحمد الاسدی، مولایش ابومحمد الکوفی الاعمش است، و گفته شده اصلی وی از طبرستان بود، پدرش وی را به کوفه برد طفل بود و به نفری از بنی اسد وی را فروخت و آن شخص وی را آزاد کرد. اعمش حضرت انس بن مالک -رضی الله عنه- و ابابکر ثقفی رادیده است لیکن سماع وی از انس ابن مالک ثابت نشده، انس بن مالک -رضی الله عنه- در حالت نماز دیده و در حالت حناء کردن و از وی روایت ندارد. یحیی بن معین میگوید: هر آنچه را که اعمش از انس بن مالک روایت دارد مرسل است، عاصم الاحول می گوید که: قاسم بن عبد

---

1- الذهبی د محمد السید حسن، التفسیر والمفسرون (ج:1/ ص: 99) ناشر: القاهر - مکتبه وهبه. بیروت.

الرحمن به پیش روی اعمش عبور کرد وی گفت : این شیخ عالم ترین مردم است به اقوال عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه-<sup>1</sup>.

2- **أبو الضحی** : مسلم بن صبیح الهمدانی که مشهور به کنیه اش می باشد ، در سال 100 هـ در خلافت عمر بن عبد العزیز وفات نموده ، از مسروق روایت دارد و از شاگردان عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- در کوفه بود، و ابن حجر وی را ثقه گفته است، وهم چنان امام بخاری ، مسلم ، أبوداود، ترمذی ، نسائی ، و ابن ماجه از وی روایت کرده اند.<sup>2</sup>

3- **مسروق**: مسروق بن الأجدع بن عبد الرحمن بن مالك بن أمیه ، بن عبد الله ، از همدان کوفی و از اهل یمن ، تابعی ثقه است و کنیه وی أبا عایشه است. در سال (62 هـ و یا 63 هـ) وفات نموده است ، ابن تابعی جلیل القدر ، از ابوبکر صدیق ، از عثمان ، از علی و از عمر بن الخطاب ، از ابن مسعود ، از خباب الأرت ، زید بن ثابت ، از ابن عمرو ، از مغیره بن شعبه ، از عایشه -رضوان الله علیهم اجمعین- روایت دارد ، از ابن تابعی ثقه ، أبووائل ، و سلیم ابن أسود، ابن الضحی ، شعبی ، نخعی ، سبعی ، عبد الله بن مره ، عبید الله ابن عبد الله بن عقبه ، روایت دارند ، و به فضیلت ، بزرگی ، امامت ، ثقه بودن اش اتفاق دارند.<sup>3</sup>

4- **مجاهد**: مجاهد بن جبیرویا ابن جبیر گفته شده، مولی عبد الله بن سائب المخزومی بود، که از کبار تابعین است ، و کنیه وی أبا الحجاج است در سال (104 هـ) وفات نموده، از ابن عباس -رضی الله عنه- باهریره ،

---

<sup>1</sup> - عسقلانی، ابن حجر، تهذیب الکنال فی اسماء الرجال (ج: 12 / ص: 85 / شماره : 2570).

<sup>2</sup> - ابن سعد، الطبقات الکبری (ج: 6 / ص: 294 / شماره : 2330)

<sup>3</sup> - تهذیب لاسماء واللغات (ج: 2 / ص: 88).

اباسعید الخدری ، اباریحانه ، عبد الله بن عمرو غیره شنیده و روایت دارد ، مجاهد می گوید: من سی مرتبه قرآن را به ابن عباس - رضی الله عنه - پیش کردم (یعنی از وی آموختم)<sup>1</sup>

5- **أبو معمر الهذلي**: إسماعيل بن إبراهيم بن معمر بن الحسن الهذلي هروى ، سپس بغدادی ، القطیعی و در سال 150 هـ تولد شده ، امام بخاری ، مسلم ، أبوداود ، أبوزرعه ، أبوحاتم ، بقی بن مخلد ، صالح بن محمد جزره ، ابوبکر احمد بن علی المروزى ، محمد بن عبد الرحيم صاعقه ، أبویعلی الموصلى ، و عبد الله احمد بن حنبل و غیره از وی روایت کرده اند ، و محمد ابن سعد در طبقات اش گفته که آبی معمر ثقه است و دارای فضل مرتبه ای است.<sup>2</sup>

6- **شقیق**: شقیق بن سلمة أبووائل الاسدی (اسد خزیمه) الکوفی ، أبووائل زمان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را درک کرده ؛ اما وی را ندیده ، وی از عمر فاروق ، عثمان غنی ، علی ، معاذ ، ابن مسعود ، ابی درداء ، ابی موسی اشعری ، حذیفه ، خباب ، اسامه بن زید ، اشعث بن قیس ، سلمان بن ربیع ، از هم زمانان خود هم روایت دارد ، مثل : مسروق ، علقمه حمران بن أبان و غیره روایت کرده است.<sup>3</sup>

7- **سدى**: اسماعيل بن عبد الرحمن بن أبی کریمه السدى : امام و مفسر ، کوفی ، یکی از آزاد شده های موالی قریش است . امام سدى : از انس بن مالک ، ابن عباس ، از عبد بن خیر الهمدانی ، از مصعب بن مسعد ، از ابی صالح باذام ، از مره الطیب و از تعداد زیادی تقریباً روایت دارد ، امام نسائی وی را صالح الحدیث گفته ، یحیی بن سعید القطان گفته : لأبأس به ، و امام احمد بن حنبل گفته : ثقه است . و یحیی

---

1 - أبو عبد الله ، شهاب الدین ، یاقوت بن عبد الله الرومی الحموی (1414هـ - 1993) معجم الادباء و ارشاد الاریب الی معرفه الادیب (ج: 5. ص: 2272 / شماره: 936) تحقیق: احسان عباس ، ناشر: بیروت - دارالغرب الاسلامی ، چاپ اول.

2 - سیر اعلام النبلاء (ج: 11 / ص: 69 / شماره: 27). طبقات ابن سعد (ج: 7 / ص: 359) تاریخ الکبیر (ج: 1 / ص: 342) تاریخ بغداد (ج: 6 / ص: 266-267).

- سیر اعلام النبلاء (ج: 7 / ص: 177 / شماره: 59).<sup>3</sup>

بن معین گفته ضعیف است . وامام آبوزرعہ گفته ، لین الحدیث است ، وابوحاتم گفته : نوشته شود حدیث اش ، وابن عدی گفته کہ : وی نزدمن صدوق است ،ومراد ازسدی دراین جا همان سدی کبیر است،(سدی به خاطر این گفته میشود کہ درمدینہ درجای کہ می نشست به نام( سدی) یاد میشود، ومراد ازسدی کبیر دراینجا: همان اسماعیل بن عبد الرحمن بن ابی کریمۃ السدی است، شخصی دیگری به نام محمد ابن مروان سدی صغیر، مشهور است، متروک الحدیث ،چنانچہ امام بخاری - رحمه الله - در تاریخ صغیر وکبیر خود سدی کبیررا ذکر کرده، حتی به وی استدلال ہم کرده ، تابعی است از حضرت انس - رضی الله - عنه حدیث شنیده، واز بسیار تابعین روایت دارد ،ثقه است ،امام احمد ابن حنبل وی را ثقه گفته ، وهم چنان روایت شده از احمد ابن حنبل ، فرمود : یحی بن معین یک روز در نزد عبد الرحمن بن مهدی فرمود : کہ سدی ضعیف است عبد الرحمن زمانیکہ این سخن راشنید غضب شد، وچیزی را کہ گفت عبد الرحمن المهدی سخنان وی را بد پند داشت. امام عجللی ہم چنان میگوید : کہ ثقه است وعالم بالتفسیر است، روایات ازوی زیاد ذکر شده.<sup>1</sup>

8- **مره بن شراحیل همدانی:** وی کوفی وبه نام ( مره الطیب ) هم شهرت داشت ، مره الهمرانی ، از ابن مسعود، أبوموسی اشعری -رضی الله عنه- ما ، حدیث شنیده ، از مره الهمدانی ، عمرو بن مره درباره انبیاء روایت دارد، امام وکیع -رحمه الله - از ابی خالد نقل میکند کہ دیدم مره الهمدانی را کہ نماز می خواند بر بالای نمد پشمی هروزیگ هزار رکعت نماز ادا میکرد، در یکی از برآمدگی زمین کہ همانند بالشت بود

---

<sup>1</sup> - تهذیب الکمال مع حواشیه لیوسف المزی(ج: 3 / ص: 132). سیر اعلام النبلاء للذهبی (ج: 5 / ص: 265 / شماره : 124). اکمال تهذیب الکمال فی اسماء الرجال (ج: 2 / ص: 188 / شماره : 502).

تکیه میکرد، ابن سعید میگوید که: در زمان حجاج بن یوسف بعد از جماجم (موضعی است نزدیکی کوفه و واقعه ابن اشعث باحجاج در آن اتفاق افتاد) وفات نمود.<sup>۱</sup>

9- **عطیه بن الحارث**: وی أبوروق الهمدانی، الکوفی، این امام بزرگ از ابراهیم التیمی، از انس بن مالک-رضی الله عنه- از سفیان بن اللیل، از صالح بن ابی طریف، از ضاک بن مزاحم، از عمر الشعبی، از عبد الله بن مالک الهمدانی، از ابی الغریف عبید الله بن خلیفه، از عطیه بن سعد العوفی، از عکرمه مولی ابن عباس-رضی الله عنه- و محمد بن جحاده، از ابی اسحاق الشیبانی، از ابی عبد الرحمن السلمی روایت دارد، عبد الله بن احمد بن حنبل از پدرش نقل میکند که (لابأسه به) وهم چنان نسائی اسحاق بن منصور از یحیی بن معین نقل میکند که صالح است، أبو حاتم میگوید: أبو مسروق صدوق است.<sup>۲</sup>

10- **امام ضحاک**: نام اصلی اش، احنف (و به احنف مشهور شده، زیرا که پاهایش کج بود) بن قیس بن معاویه بن حصین التیمی (سیادت تمیم را به عهده داشت)، امیر بزرگ، عالم خردمند به نام أبو بحر التیمی کسی که به حلم برد بارش و سیادت اش ضرب المثل های است سری زبان ها، در حیات پیامبر-صلی الله علیه وسلم- ایمان آورده بود، در رأس یگ هیأت به نزد امیر المؤمنین وارد شد، از عمر، علی، ابی ذر، عباس، ابن مسعود، عثمان بن عفان-رضوان الله علیه اجمعین- و از عده دیگر هم حدیث بیان کرده است.<sup>۳</sup>

---

- رجال صحیح البخاری (ج: 2/ص: 732/ شماره: 1219).<sup>1</sup>

<sup>2</sup>- تهذیب الکمال فی اسماء الرجال (ج: 20 / ص: 143/ شماره: 3955). الطبقات الکبری (369/6). مصنف ابن ابی شیبیه (ص: 13/ شماره: 15783).

- سیر اعلام النبلاء (ج: 7/ص: 29/93).<sup>3</sup>



## فصل دوم

### مرویات تفسیری عبد الله بن مسعود در سوره فاتحه

مبحث اول: مرویات تفسیری عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- در سوره فاتحه

مطلب اول: مرویات عبدالله بن مسعود درباره استعاذه: (أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ)

1- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: " اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَهَمْزُهُ وَنَفْخِهِ

وَنَفْثِهِ ، قَالَ: هَمْزُهُ: الْمَوْتَةُ، وَنَفْثُهُ: الشَّعْرُ، وَنَفْخُهُ: الْكِبْرُ »<sup>1</sup>.

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نقل می کند: وقتیکه پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در نماز داخل می شد، این دعا را می خواند، و در روایت و رقاء که در دیگر کتب آمده<sup>۲</sup> که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- مارا این دعا را یاد می داد که چنین بگوید: ای بارخدا یا! پناه میبرم به تو، از شر شیطان رانده شده، از وسواس شیطان که به دل ها ی مردم می اندازد، و به تحقیر و تعظیم کردن دیگران، و از کبر شیطان.)

**حکم این روایت:** امام ابن ماجه -رحمه الله- در کتاب اش نقل کرده، عطاء بن سائب در آخر عمرش مختلط شده و محمد ابن فضیل بعد از اختلاط اش حدیث را شنیده، و در سماع ابي عبد الرحمن سلمی، از ابن مسعود -رضی الله عنه- کلام است. امام شعبه که از ائمه جرح تعدیل است، میگوید که: عبد الرحمن سلمی از ابن مسعود -رضی

---

1- أبو عبد الله، محمد بن یزید القزوينی (—) سنن ابن ماجه للقزوينی (ج: 1 / ص: 266 / شماره: 808) سند حدیث صحیح. تفسیر القرآن العظیم

ابن کثیر (ج: 1 / ص: 111).



الله عنه- نشنیده ، ولیکن امام احمد میگوید که درقول شعبه وهم است. واین حدیث را أبوداود ، ترمذی، و نسائی ، از ابی سعید خدری -رضی الله عنه- نقل کرده اند. و ابن حبان در صحیح اش ازجیبیرین مطعم نقل کرده است.<sup>۱</sup> مفهوم واژه های اساسی:

1- همزه : وسوسه های که شیطان بردل انسان میفکند، ویا نوع مرگ ناگهانی (به معنی صرع) گفته شده.

2- نفثه: به معنی شعر، اصل معنی نفث: انداختن باد دهن همراهی کمی لعاب آن است، ومشابهت به پوف

کردن دارد ، تعبیر به شعرشده ، زیراکه شیطان شعراء را زیاد وسوسه میکند ، به مدح ، و ذم دیگران ، وبه تحقیر وتعظیم کردن دیگران.

3- نفخه: اصل معنی نفخ، با دهان خود باد بیرون کردن. دراینجا به کبر تعبیر شده ، زیراکه کبر نوع از

وسوسه های شیطان است که شخص نفس خود را بزرگ شمرد، ودیگران را حقیر، وپست می بیند.

طرق این روایت:

1- امام علی البیهقی این حدیث را، ازطریق أبوعبد الله ، از محمد بن یعقوب شیبانی ، ازابراهیم بن عبد الله

سعدی ، از احمد بن أبی ظیبه ، ازورقاء ، از عطاء بن سائب ، ازأبی عبد الرحمن سلمی ، ازعبد الله بن

مسعود -رضی الله عنه- ازپیامبر -صلی الله علیه وسلم- عین عبارت فوق آورده شده.<sup>۲</sup>

---

1 - البانی، ناصر الدین، السلسلة الضعیفة (ج 2 ص: 880)

2 - أبوبکر أحمد بن الحسین بن علی البیهقی ، ومؤلف الجوهر النقی :علاء الدین علی بن عثمان الماردینی ، الشهیرباین الترمذانی. (1344هـ -)

السنن الکبری وفي ذیله الجوهر النقی (2 / 36 / شماره حدیث : 2452) الناشر : حیدرآباد - مجلس دائرة المعارف النظامیه ، الکاننه فی الهند.

چاپ اول.

- 2- امام ابن خزیمه در صحیح خود در " باب استعاذه در نماز پیش از قرائت " عین عبارت فوق را نقل کرده ، از ابوطاهر ، از ابوبکر ، از یوسف بن عیسی المروری ، از محمد بن فضیل ، از عطاء بن السائب ، از آبی عبد الرحمن ، از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- از رسول الله -صلی الله علیه وسلم- روایت کرده است.<sup>1</sup>
- 3- امام حاکم در مستدرک اش در " کتاب امامه و نماز جماعت " از طریق عبد الله بن محمد بن موسی ، از محمد بن ایوب ، از ابوبکر بن ابی شیبه ، از محمد بن فضیل ، از عطاء بن سائب ، از ابی عبد الرحمن سلمی ، از ابن مسعود -رضی الله عنه- از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- عین عبارت فوق نقل شده. و امام حاکم گفته سند این حدیث صحیح است و امام بخاری استشهاد کرده به عطاء بن سائب.<sup>2</sup>
- 4- امام موصلی حدیث فوق را ، از طریق محمد بن فضیل از عطاء بن سائب ، از ابی عبد الرحمن ، از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نقل کرده.<sup>3</sup>
- 5- امام ابوبکر البیهقی در شعب الایمان در فصل " البكاء عند قرائت القرآن " حدیث فوق را ، با عین عبارت ، از طریق ابوعبد الله الشبانی ، از ابراهیم بن عبد الله سعدی ، از احمد بن ابی طیبه ، از زورقاء ، از عطاء بن سائب ، از عبد الرحمن السلمی ، از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نقل کرده.<sup>4</sup>

---

<sup>1</sup> - ابوبکر السلمی ، محمد بن اسحاق بن خزیمه النسیسابوری ( 1390 هـ - 1970 م ) صحیح بن خزیمه لمحمد النسیسابوری ( 1 / 240 / 472 ). تحقیق : محمد مصطفی الاعظمی . ناشر : بیروت - المکتب الاسلامی .

<sup>2</sup> - ابوعبد الله الحاکم بن عبد الله بن محمد بن حمدویه ، بن نعیم بن الحکم ، الضبی ، طهمانی ، نسیابوری ( 1411 هـ - 1990 م ) المستدرک علی الصحیحین للحاکم ( 1 / 325 / 749 ). تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا . ناشر : بیروت - دار الکتب العلمیه . چاپ اول.

<sup>3</sup> - ابویعلی الموصلی ، أحمد بن علی بن المثنی التمیمی ( 1404 هـ - 1984 م ) مسند ابی یعلی لاحمد الموصلی ( 8 / 411 / شماره حدیث : 4994 ). تحقیق : حسین سلیم أسد . ناشر : دمشق - دار المأمون للتراث . چاپ اول . سند حدیث ضعیف است

<sup>4</sup> - ابوبکر أحمد بن الحسن البیهقی ( 1410 هـ ). شعب لایمان للبیهقی ( 2 / 366 / شماره حدیث : 2066 ). تحقیق : محمد السعید بسیونی

6- امام احمد بن حنبل از طریق عبد الله بن محمد بن أبي شيبه ، از محمد بن فضيل ، از عطاء بن سائب ، از أبي عبد الرحمن ، از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- از پیامبر -صلى الله عليه وسلم- نقل کرده عین حدیث را آورده <sup>1</sup>.

مطلب دوم: مرویات عبدالله بن مسعود در باره بسمله: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

1- عن ابن مسعود -رضى الله عنه- و قال كنا لا نعلم فصل ما بين السورتين حتى تنزل: {بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ} <sup>2</sup>.

(از ابن مسعود -رضى الله عنه- روایت است که گفته است: ما بودیم نمیدانستیم جدای ویا فصل بین دوسوره را

تا اینکه ، این آیه نازل شد: {بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ}

2- عن ابن مسعود -رضى الله عنه- قال: من أراد أن ينجيهِ اللهُ من الزبانية التسعة عشر ، فليقرأ {بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ}

ليجعل اللهُ له بكل حرفٍ منها جنةً من كل واحد <sup>3</sup>.

(از ابن مسعود -رضى الله عنه- روایت میکنند، فرمود: کسیکه بخواهد، الله -جل جلاله- آنرا نجات دهد،

از دست نگبانان جهنم که تعداد آنها: نوزده تا هست ، یعنی : (فرشته های که الله -جل جلاله- آنها را

مسلط ساخته به کیفر رساندن انسانهای کافر، منافق ، و گنهگار) پس باید: بخواند، (بسم الله الرحمن

الرحيم) هر حرف این جمله برایش ، در روز قیامت سپری قرار خواهد گرفت.)

3- عن ابن مسعود -رضى الله عنه- قال: قال رسول الله -صلى الله عليه وسلم- من قرأ {بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ}

---

زغلول. ناشر: بيروت - دار الكتب العلمية. چاپ اول.

1 - أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني ( 1416هـ - 1995م ) مسند امام احمد بن حنبل ( 4 / 52 / 3830).

محقق : احمد شاکر. ناشر: القاهرة - دار الحديث. چاپ اول .

2- شعب الایمان لأبویکر البیهقی ( 2 / 439 شماره : 2333).

3- أبو جعفر لإ محمد بن جریر بن یزید، بن کثیر بن غالباًلمی ، الطبری (1420هـ - 2000م ) جامع البيان في تأويل القرآن للطبری ( 1 / 121 /

شماره : 140) تحقيق : أحمد محمد شاکر. ناشر: مؤسسة الرساله . چاپ اول. تفسير القرآن العظيم ابن کثیر، ( 1 / 119).

كتب له بكل حرف أربعة آلاف حسنة ومحي عنه أربعة آلاف سيئة ورفع له أربعة آلاف درجة».<sup>1</sup>

( ابن مسعود -رضى الله عنه-روایت میکند، فرمود: فرموده ، رسول الله - صلى الله عليه - کسی که بخواند:

"{بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ}" نوشته میشود برای همین شخص در بدل هر حرف آن ، چهار هزار حسنه،

ونیکی ، وچهارهزاربدی هایش محو میشود، وچهار هزاردرجه ومقام اش بلند می شود.)

مبحث دوم: مرویات تفسیری عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- در برخی آیات سوره فاتحه.

مطلب اول: مرویات در باره آیت «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

در مورد این آیت چنین روایت شده است: عن عبد الله - یعنی ابن مسعود -رضى الله عنه- أنه قرأ على رسول الله -

صلى الله عليه وسلم: {مالك يوم الدين} بالألف {غير المغضوب عليهم} خفض»<sup>2</sup>

(از عبد الله یعنی ابن مسعود -رضى الله عنه-خواند ، بررسول الله -صلى الله عليه وسلم- - { مالك يوم الدين } {

یعنی : به الف «غير المغضوب عليهم» به كسره خواند.)

این حدیث را امام طبرانی ،وامام هیثمی مرفوع روایت نموده ، ازطریق علی بن سعید الرازی ، ازمحمد بن نباتة

الرازی ، از عبد الصمد بن عبد العزيزالمقرئ ، فرمود: من خواندم قرآن را برطلحه بن سلیمان که برادرإسحاق بن

سلیمان است ، میفرمایدکه : گفت برای من طلحه ، من خواندم قرآن برفیاض بن غزاون ، وفیاض فرمود: من

خواندم برطلحه بن مصرف الیامی ، وطلحه فرمود: خواندم من قرآن بریحیی بن وثاب ، ویحیی بن وثاب خواند

برعلقمه بن قیس ، وعلقمه بن قیس برعبد الله بن مسعود -رضى الله عنه آن را رسانیده است.

<sup>1</sup> - عبد الرحمن بن أبی بکر، جلال الدین سیوطی ( -- ) الدر المنثور فی تفسیر المأثور للسیوطی (ج: 1 / ص: 26) ناشر: بیروت -دارالفکر.

<sup>2</sup> - نورالدین علی بن أبی بکرالهیثمی ( 1412هـ - 1992 م ) مجمع الزوائد ومبع الفوائد الیهیثمی (ج: 6 / ص: 339 / شماره : 10811 ). ناشر:

بیروت - دارالفکر. أبوالقاسم ، سلیمان بن أحمد بن أبیوب ، الطبرانی ( 1404هـ - 1983 م ) المعجم الكبير للطبرانی (ج: 10 / ص: 95 / شماره

حدیث : 10067). محقق : حمدی بن عبد المجید السلفی. ناشر: الموصل - مكتبة العلوم والحكم. چاپ اول. سند حدیث حسن است

1- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- وَأَنَسٍ مِنَ الصَّحَابَةِ فِي قَوْلِهِ {مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ} قَالَ: هُوَ يَوْمُ الْحِسَابِ»<sup>1</sup>.

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- و تعداد از اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- - روایت است که : مراد از (مالک

یوم الدین) در آیه : یوم الحساب است (یعنی روز محاسبه و جزا است از سوی پروردگار سبحان برای بندگان)

2- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَعَنْ أَنَسٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (مَلِكِ يَوْمَ الدِّينِ) قَالَ:

«هُوَ يَوْمُ الْحِسَابِ»<sup>2</sup>.

( از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- و از تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نقل کرده اند: { مالک یوم

الدین} : هو یوم الحساب . (یعنی روز محاسبه و جزا است از سوی پروردگار سبحان برای بندگان).

این حدیث صحیح بر شرط مسلم برابر است ولی مسلم این حدیث را تخریج نکرده ، سند حدیث حسن است.

از جهت کلام به اسماعیل بن عبد الرحمن سدی.

بررسی حال روایان حدیث: در حدیث فوق اسناد و رجال این یک مقدار به تحقیق نیاز دارد ، ائمه حدیث بالای

این کلام دارند.

1 - موسی ابن هارون الهمدانی: وی شیخ طبری است ، احمد شاکر میگوید که : آنچه که در نزد من مراجع

و منابع که وجود داشت معرفی کامل موسی بن هارون الهمدانی را پیدا نکردم ، جزاینکه امام طبری در تفسیر خود

و در تاریخ طبری در دو جزء اول و دوم حدود پنجاه بار، نام وی را ذکر کرده ، اما این تفسیر که روایت شده از عمر

---

<sup>1</sup> - المستدرک علی الصحیحین للحاکم ( 2 / 284 / شماره : 3022). الدر المأثور فی تفسیر المأثور، ( 1 / 38 ). سند حدیث صحیح است

<sup>2</sup> - جامع البیان فی تأویل القرآن ( 1 / 156 / شماره حدیث 168 ). سند حدیث صحیح است.

وبن حماد ، که معروف است در نزد اهل علم به روایت حدیث.<sup>1</sup> امام دارقطنی در رجال الحدیث موسی بن هارون بن اسحاق الهمدانی را گفته کوفی وثقه است.<sup>2</sup> امام أبوحاتم موسی ابن هارون بن اسحاق، را صدوق گفته.<sup>3</sup>

2 - عمرو بن حماد القناد : وی عمرو بن حماد بن طلحه القناد ، بعضی وقت نسبت اش به طرف جدّش میشود، گفته شده است، عمرو بن طلحه، وهم چنان کنی دیگری وی: أبامحمد، صاحب تفسیر أسباط بن نصر از سدی است، ودر کوفه وفات نموده واصل آن از اصبهان ایران است ودر خلافت ابی اسحاق وفات نموده ، ثقه است، امام مسلم در صحیح خود از این روایت کرده ، وهم چنان ابن سعد در طبقات اش وی را به معرفی گرفته ، همه این ها میگویند که عمر ابن حماده القناد ثقه است.<sup>4</sup>

3 - اسباط ابن نصر الهمدانی : مختلف فیه است ، وامام احمد - رحمه الله - سدی را ضعیف شمرده ، امام ذهبی وی را صدوق گفته ، ابن حبان - رحمه الله - وی را در ثقات آورده ، امام بخاری - رحمه الله - در تراجم خود وی را جرح نکرده ، ویحی ابن معین وی را ثقه گفته ، أبونعیم الملائئی وی را ضعیف گفته ، وامام نسائی گفته

---

<sup>1</sup> - أكرم بن محمد زيادة الفالوجي الأثرى ( \_ ) المعجم الصغير لرواة الإمام ابن جرير الطبري (2ج: / ص: 586 / شماره : 4572). ناشر: الأردن - الدارالآثرية ، القاهرة - دار ابن عفان .

<sup>2</sup> - مجموعة من المؤلفين : محمد مهدي المسلمي ، ومنصور عبد الرحمن ، عصام عبد الهادي محمود - احمد عبد الرزاق عيد - أيمن ابراهيم الزاملی - محمود محمد خليل. (2001م ) موسوعة أقول أبي الحسن الدارقطني في رجال الحديث وعلمه. ( ج: 2 / ص: 673 / 3637). ناشر: عالم الكتب للنشر والتوزيع - بيروت - لبنان. چاپ اول .

<sup>3</sup> - أبوالحجاج ، يوسف بن عبدالرحمن بن يوسف ، جمال الدين ابن ابی الزکی أبی محمد القضاعی الکلبی ، المزی ( 1400هـ - 1980م ). تهذیب الکمال فی اسماء الرجال (ج: 30 / ص: 77 ) تحقیق : د - بشار عواد معروف . ناشر: ناشر: بیروت - مؤسسة الرسالة ، چاپ اول.

<sup>4</sup> - الطبقات الكبرى لابن سعد (ج: 6 / ص: 408). أبوعبد الله ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي ( 1382هـ - 1963م ) ميزان الاعتدال في نقد الرجال (ج: 3 / ص: 254 / شماره : 6353). تحقیق : علی محمد البجاوی ، ناشر: بیروت - لبنان ، دار المعرفة للطباعة والنشر. أبوعبد الله ، شمس الدين محمد بن أحمد، بن عثمان ، بن قايماز الذهبي ( 2003م ) تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والاعلام (ج: 5 / ص: 644 / شماره : 303). تحقیق : بشار عواد معروف . ناشر: دار الغرب الإسلامي . چاپ اول.

: لیس بقوی ، واحمد ابن شاکر که تفسیر طبری را تحقیق نموده میگوید که : اسباط ابن نصر الهمدانی ثقه است.<sup>۱</sup>

4 – اسماعیل بن عبد الرحمن بن اَبی کریمه السدی : امام ومفسر، کوفی ، یکی از آزاد شده های موالی قریش است . امام سدی : از انس بن مالک ، ابن عباس ، از عبد بن خیر الهمدانی ، از مصعب بن مسعد ، از اَبی صالح باذام ، از مره الطیب و از تعداد زیادی تقریبا روایت دارد ، امام نسائی وی را صالح الحدیث گفته ، یحیی بن سعید القطان گفته : لَبَّاسُ به ، و امام احمد بن حنبل گفته : ثقه است . و یحیی بن معین گفته : ضعیف است . و امام أبوزرعه گفته : لین الحدیث است ، و ابوحاتم گفته : نوشته شود حدیث اش ، و ابن عدی گفته که : وی نزد من صدوق است ، و مراد از سدی در این جا همان سدی کبیر است ، (سدی به خاطر این گفته میشود که در مدینه در جای که می نشست به نام ( سدی ) یاد میشود ، و مراد از سدی کبیر در اینجا : همان اسماعیل بن عبد الرحمن بن اَبی کریمه السدی است ، شخصی دیگری به نام محمد ابن مروان سدی صغیر ، مشهور است ، متروک الحدیث ، چنانچه امام بخاری – رحمه الله – در تاریخ صغیر و کبیر خود سدی کبیر را ذکر کرده ، حتی به وی استدلال هم کرده ، تابعی است از حضرت انس – رضی الله – عنه حدیث شنیده ، و از بسیار تابعین روایت دارد ، ثقه است ، امام احمد ابن حنبل وی را ثقه گفته ، و هم چنان روایت شده از احمد ابن حنبل ، فرمود : یحیی بن معین یک روز در نزد عبد الرحمن بن مهدی فرمود : سدی ضعیف است عبد الرحمن زمانیکه این سخن را شنید غضب شد ، و چیزی را که

---

<sup>1</sup> - تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام (ج: 4 /ص: 304 شماره: 13). أبو عبد الله ، مغلطای بن قلیج بن عبد الله البکجری ، المصری ، الحکری ، الحنفی ، علاء الدین ( 1422 هـ - 2001 م ) إكمال تهذیب الكمال فی أسماء الرجال (ج: 2 /ص: 64 شماره: 372 ). تحقیق: أبو عبد الرحمن عادل بن محمد – أبو محمد أسامه بن آبرهیم. ناشر: فاروق الحدیث للطباعة والنشر. أبو عبد الله ، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز الذهبی ( 1387 هـ - 1967 م ) دیوان الضعفاء والمتروکین وخلق من المجهولین وثقات فیهم لین (ج: 1 /ص: 25 / شماره: 306 ) تحقیق : حماد بن محمد الانصاری . ناشر: مکه – مکتبة النهضة الحدیثة . چاپ دوم.

گفت عبد الرحمن المهدی سخنان وی را بد پند داشت. امام عجلای هم چنان میگوید : که ثقه است وعالم بالتفسیر است، روایات از وی زیاد ذکر شده.<sup>۱</sup>

5 – **ابومالک** : کنیه اش الغفاری ، و نام اش غزوان ، تابعی، کوفی ثقه است، امام بخاری وی را در تاریخ الکبیر، ویحی بن معین وی را ثقه گفته اند.<sup>۲</sup>

6 – **ابوصالح**: آزاد شده ، ام هانی بنت ابی طالب است و نام اصلی اش باذام است ، تابعی ، وثقه است، امام بخاری در تاریخ کبیر وی را آورده ، وابن ابی حاتم در جرح تعدیل وی را ثقه گفته ، رتبه اش نزد ابن حجر : مقبول است . کتب حدیث از ابوصالح روایت دارمثل: ابوداود ، ترمذی ، نسائی ، ابن ماجه.<sup>۳</sup>

7 – **مره** : به نام شراحیل الهمدانی الکوفی است ، و به نام مره الطیب نیز یاد شده وهم چنان " مره الخیر " هم گفته شده ، از جهت کثرت عبادت و علم اش ، از کبار تابعین وثقه است، دارای شأن بزرگی است . و از صحابه های متعدد روایت دارد ، مثل : ابی بکر صدیق ، عمر، ابی ذر ، ابن مسعود ، ابی موسی الاشعری – رضوان الله علیهم اجمعین ، و از جماعه دیگری هم روایت کرده.<sup>۴</sup>

### مطلب دوم: مرویات در باره آیت «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»<sup>۵</sup>

در آیه فوق تعداد روایات از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- نقل شده که قرار ذیل است.

---

<sup>1</sup> - تهذیب الکمال مع حواشیه لیوسف المزی (ج: 3 ص: 132). سیر اعلام النبلاء للذهبی (ج: 5 ص: 265 / شماره: 124). اکمال تهذیب الکمال فی اسماء الرجال (ج: 2 ص: 188 / شماره: 502).

<sup>2</sup> - تاریخ الکبیر، حواشی محمود خلیل (ج: 7 شماره: 108) وابن سعد در طبقات (ج: 6 ص: 206) و ابن ابی حاتم در جرح و تعدیل (ج: 2 ص: 55).

- رواة التهذیب (ج: 1 ص: 7036)<sup>3</sup>

- سیر اعلام النبلاء للذهبی (ج: 4 ص: 75 / شماره: 21).<sup>4</sup>

<sup>5</sup>- الفاتحة: 5



1- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- قَالَ: «الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ: الَّذِي تَرَكْنَا عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»<sup>1</sup>

(از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- موقوف روایت شی‌ده : که مراد از راه راست ، همان راه ی است که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- مارا برآن گذاشته است.)

وامام بیهقی در شعب الایمان ، از طریق سلیمان بن الاشعث ، از ابراهیم بن مهدی ، از ابن ابی زائد ، از اعمش ، از ابی وائل ، از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- عین عبارت را نقل کرده.<sup>2</sup>

2- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- قَالَ: " إِنَّ هَذَا الصِّرَاطَ مُحْتَضَرٌ تَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ يَقُولُونَ: يَا عِبَادَ اللَّهِ هَذَا الطَّرِيقُ فَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ فَإِنَّ الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ كِتَابُ اللَّهِ. »<sup>3</sup>

( از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- یقینا در این راه به خاطر سوسه و بیراه کردن افراد و اشخاص شیاطین حاضر می شوند، ابن مسعود -رضی الله عنه- می گفت : ای بندگان الله -جل جلاله- پس شما به این راه و به دین الله -جل جلاله- چنگ بزنید که مراد از راه مستقیم کتاب الله -جل جلاله- یعنی : قرآن کریم است.)  
امام هیثمی این حدیث را نقل کرده در کتاب اش و وی را حواله داده به امام طبرانی فرموده : این حدیث را امام طبرانی از شیخ خود، عبد الله بن محمد بن سعید بن ابی مریم روایت کرده ، ولی ضعیف است.<sup>4</sup>

3- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: {الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ} قَالَ: «هُوَ كِتَابُ اللَّهِ».<sup>5</sup>

---

- المعجم الكبير للطبرانی (ج: 9 ص: 212 / 9031) سند حدیث صحیح است<sup>1</sup>

- شعب لایمان لابی بکر البیهقی (ج: 2 ص: 226 / شماره: 1596) سند حدیث صحیح است<sup>2</sup>

<sup>3</sup> - المعجم الكبير للطبرانی (ج: 9 ص: 212 / شماره: 9031 / 10 و 199 / شماره: 10454)..ترتیب لامالی الخمیسية للشجرى (ج: 1 ص: 99 / شماره: 380). الدر المنثور فی تفسیر المأثور (ج: 1 ص: 39). سند حدیث صحیح است

- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد (ج: 6 ص: 326 شماره: 10891).<sup>4</sup>

<sup>5</sup> - المستدرک علی الصحیحین للحاکم (ج: 2 ص: 284 / شماره: 3023). أبو عبد الله محمد بن نصر بن الحجاج المروزی (1408) السنة

(از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- در این قول الله متعال «اهدنا الصراط المستقيم» گفته است که مراد از راه مستقیم ( کتاب الله است).

امام بیهقی در کتاب اش عین حدیث را از طریق : أبوالحسین بن فضل ، از أبوجعفر محمد بن یحیی بن عمر بن علی بن حرب ، از علی بن حرب ، از أبوداود حفری ، از سفیان ، از منصور ، از آبی وائل ، از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده.<sup>1</sup>

4- عن ابن مسعود -وعن ناس من أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم: (اهدنا الصراط المستقيم) قال: هو الإسلام.<sup>2</sup>  
( از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز تعداد از اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- روایت شده است که مراد از اهدنا الصراط المستقیم ) اسلام است.

5- عَنْ مُسْلِمِ بْنِ أَبِي عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ، أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ آتَى عَبْدَ اللَّهِ بْنَ مَسْعُودٍ -رضی الله عنه- وَهُوَ قَائِمٌ يَقْضِي عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ مَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ؟ قَالَ: تَرَكْنَا مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي أَدْنَاهُ وَطَرَفُهُ فِي الْجَنَّةِ، وَعَنْ يَمِينِهِ جَوَادٌ، وَعَنْ يَسَارِهِ جَوَادٌ، وَعَلَيْهَا رِجَالٌ يَدْعُونَ مَنْ مَرَّ بِهِمْ هَلُمَّ لَكَ هَلُمَّ لَكَ ، فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُمْ فِي تِلْكَ الطَّرِيقِ انْتَهَتْ بِهِ إِلَى النَّارِ، وَمَنْ اسْتَقَامَ عَلَى الطَّرِيقِ الْأَعْظَمِ انْتَهَى بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ، ثُمَّ تَلَا ابْنُ مَسْعُودٍ -رضی الله عنه- هَذِهِ الْآيَةُ: {وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا}.<sup>3</sup>

---

للمروزی (ج:1 ص: 12 شماره: 24) تحقیق : سالم أحمد السلفی . ناشر: بیروت - مؤسسة الكتب الثقافية . چاپ اول.

<sup>1</sup> - شعب الإيمان لابی بكر البهقی ( ج:3 ص: 337 شماره:1790).

<sup>2</sup> - جامع البيان فی تأویل القرآن، الطبری (ج:1 ص: 175 / شماره: 182) تفسیر القرآن العظیم لابن کثیر (ج:1 ص: 8:13) سند حدیث حسن است

<sup>3</sup> - أبوعبد الله محمد بن وضاح بن بزيع المرواني القرطبي (1416هـ) البدع والنهي عنها لابن وضاح (ج:2 ص: 71 شماره : 77). تحقیق : عمرو عبد المنعم سليم . ناشر: قاهره - مكتبة ابن تيمية مصر ومكتبة العلم - جدة ، السعوديه . چاپ اول. شعب الإيمان لابی بكر البهقی (ج: 3 ص: 153 شماره:1487). صحیح ابن حبان (ج: 1 ص: 15 شماره : 7) سند حدیث حسن است

(از مسلم بن ابی عمران الاشعری که عبد الله بن عمر -رضی الله عنه- آمد نزد عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- در حالیکه وی استاد بود و قصه میکرد به اصحابش ، عبد الله بن عمر -رضی الله عنه- گفت : ای اباعبد الرحمن معنی ومفهوم صراط المستقیم چیست؟ عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- فرمود: صراط المستقیم آن است که گذاشته باشد ، رسول الله -صلی الله علیه وسلم- ما را در ابتدای آن و در طرف آن جنت باشد ، در این مسیر مستقیم از طرف راست و چپ آن مردان وداعیان وجود دارد که دیگران را بسوی خود میکشانند، اگر کسی دعوت این ها را قبول کند، مسیر غلطی را اینتخاب نموده نتیجه آن جهنم است ، و اگر کسی که همان مسیر مستقیم را اینتخاب نمود ، شک نیست که خود را به جنت رسانیده ، سپس ابن مسعود -رضی الله عنه- این آیه را تلاوت نمود: {وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا}.

ابن اثیر-رحمه الله- حدیث فوق را در کتاب خود که به نام جامع الاصول فی احادیث الرسول نقل کرده ولی بدون سند آن را از ابن مسعود -رضی الله عنه- آورده است.<sup>1</sup> همچنان امام ابوبکر البیهقی در کتاب اش شعب الایمان حدیث فوق را نقل کرده ، کمی از لفظ حدیث را آورده «الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ تَرَكْنَا رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَلَى طَرَفِهِ، وَالطَّرْفُ الْآخَرُ الْجَنَّةُ.» و این حدیث را از طریق حسین بن فضل قطان ، از اسماعیل بن محمد صفار ، از عباس بن محمد ، از سلیمان بن الاشعث ، از ابراهیم بن مهدی ، از ابن ابی زائده ، از اعمش ، از ابی وائل ، از عبد الله عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده است. و امام سیوطی در الدر المنثور حدیث را از طریق بن مردویه نقل کرده است.<sup>2</sup>

مطلب سوم: روایتی در باره آیت { صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ }<sup>3</sup>

<sup>1</sup> - جامع لاصول فی احادیث الرسول لابن اثیر(ج: 9 ص: 371 شماره : 7016). البیهقی فی شعب الایمان (ج: 2 ص: 226). والطبرانی فی الکبیر(ج: 10 ص : 245- شماره: 10454).

<sup>2</sup> - سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المآثور ( ج : 1 ص : 29)

<sup>3</sup> - الفاتحة: 7

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ، وَعَنْ أَنَسٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: {غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ} هُمُ الْيَهُودُ، {وَالضَّالِّينَ} هُمُ النَّصَارَى»<sup>1</sup>.

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز تعداد اصحاب پیامبر-صلی الله علیه وسلم-چنین نقل شده ، در تفسیر {غیر المغضوب علیهم} که مراد یهود است. ودر {والضالین} که مراد نصاری است.)

---

<sup>1</sup> - تفسیر القرآن العظیم ، ابن کثیر، (ج: 1 ص: 142) جامع البیان فی تأویل القرآن، الطبری (ج: 1 ص: 188) شماره حدیث : 201 و 203.

سند این حدیث حسن است

## فصل سوم

### مرویات تفسیری عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - در سوره بقره

مبحث اول: بررسی روایات عبد الله بن مسعود در مورد نزول و فضیلت سوره بقره

مطلب اول: در باره مکان نزول سوره بقره

1- عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ يَزِيدَ، قَالَ: رَمَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - مِنْ بَطْنِ الْوَادِي، فَقُلْتُ: يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ، إِنَّ نَاسًا يَرْمُونَهَا مِنْ فَوْقِهَا، فَقَالَ: وَالَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، هَذَا مَقَامُ الَّذِي أَنْزَلَتْ عَلَيْهِ سُورَةُ الْبَقَرَةِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -<sup>1</sup>.

( عبد الرحمن بن یزید گفته است: ابن مسعود - رضی الله عنه - جمره را، از بطن وادی رمی کرد، عبد الرحمن بن یزید میگوید: ای ابا عبد الرحمن، بعضی از مردم رمی جمره را از بالای زندقه، ابن مسعود - رضی الله عنه - فرمود: قسم است به آن ذاتیکه غیر آن کسی دیگری نیست، این جای که من قرار دارم، همان جای است به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - سوره بقره نازل شده است.)

به عین عبارت از طریق: عبد الله بن الولید، از سفیان، از اعمش روایت شده. (وتمام کتاب های که این حدیث را نقل کرده اند، سلسله اسناد شان به عبد الرحمن بن یزید می رسد، با کمی تفاوت الفاظ، یعنی: عبد الرحمن بن یزید می گوید که دیدم، زمانیکه ابن مسعود - رضی الله عنه - رمی جمرات کرد، منی را از جانب راست خود قرار

---

<sup>1</sup> - صحیح البخاری (ج:4 ص:341 / شماره: 1747). و صحیح مسلم (ج:2 ص:943 / شماره: 1296) المعجم الكبير للطبرانی (ج:10 ص:206 شماره: 10502). مصنف ابن ابی شیبہ (ج:8 ص:688 شماره: 15624). مسند احمد بن حنبل (ج:4 ص:93 شماره: 3939). سند حدیث صحیح است.

داد و مکه را از طرف چپ خود و به هفت سنگ ریزه زد آن را ( «رمى الجمره فجعل منى عن يمينه ومكة عن يساره فرماها بسبع حصيات.»

2- عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ يَزِيدَ، أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ مَسْعُودٍ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- اسْتَبْطَنَ الْوَادِيَّ، وَاعْتَرَضَ الْجِمَارَ اغْتِرَاضًا، وَجَعَلَ

الْجَبَلَ فَوْقَ ظَهْرِهِ، ثُمَّ رَمَى، وَقَالَ: " هَذَا مَقَامُ الَّذِي أُنزِلَتْ عَلَيْهِ سُورَةُ الْبَقَرَةِ. »<sup>1</sup>

( از عبد الرحمن بن یزید روایت است: زمانیکه ابن مسعود -رضی الله عنه- به بطن الوادی رسید ، و سنگ های خود را به زدن پیش کرد، کوه منی را پشت سری خود قرار داد، سپس رمی کرد، فرمود: این همان مقام است که سوره بقره به رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نازل شده.)

مطلب دوم : مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در مورد فضیلت سوره بقره

1- عن عبد الله -رضی الله عنه- قال : قرأ رجل عند عبد الله البقرة وآل عمران فقال قرأت سورتين فيهما اسم الله الأعظم

الذي إذا دعي به أجاب وإذا سئل به أعطي .»<sup>2</sup>

(از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- روایت است که گفته است: شخصی نزد ابن مسعود -رضی الله عنه- سوره بقره و آل عمران را تلاوت کرد، فرمود : خواندی تو، دوسوره را که ، در این دوسوره ، اسم اعظم وجود دارد، اگر به این اسم اعظم چیزی از الله خواسته شود ، اجابت می شود، و اگر چیزی سوال شود ، الله نصیب اش میگرداند.) ولی سند این حدیث ضعیف است ، زیرا که در سند حدیث شخصی به نام جابر بن یزید جعفی آمده ضعیف است. چنانچه امام أبوعبد الله علاء الدین در تهذیب ال کمال به روایت ابن سعد می گوید: جابر بن یزید الجعفی مدلس است در نظریات و رأى خود خیلی ضعیف است ، أبی محمد بن الجارود می گوید که هیچ چیز نیست دروغ گواست ،

---

<sup>1</sup> - مسند امام احمد بن حنبل (ج: 4 ص: 93 شماره: 3942). سند این حدیث صحیح است.

<sup>2</sup> - سنن الدارمی (ج: 3 ص: 139 شماره: 921) الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (ج: 1 ص: 48). سند این حدیث ضعیف است.

وحدیث اش را نوشته نمی کردن.<sup>۱</sup> امام ذهبی-رحمه الله- گفته که جابر بن یزید الجعفی ، از جمله شیعه های غالی است ولی امام شعبه وسفیان ثوری - رحمهم الله - وی را ثقه می گویند ، وامام أبوداود می گوید که نزد من قوی نیست ، وامام نسائی می گوید که متروک الحدیث است.<sup>۲</sup>

2- عَنْ مَسْرُوقٍ، عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا خَيَّبَ اللهُ عَبْدًا

قَامَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ، فَافْتَتَحَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ وَآلَ عِمْرَانَ، وَنَعِمَ كُنْزُ الْمَرْءِ الْبَقْرَةُ، وَآلُ عِمْرَانَ».<sup>3</sup>

( مسروق ، از ابن مسعود -رضی الله عنه-روایت میکند که گفته است: رسول الله -صلی الله علیه وسلم- گفت: الله -جل جلاله-هرگز ناامید نمیکند، شخصی را که ، درنیمه شب بلند شود ، وبه سوره بقره ، وآل عمران آغاز کند ،بهترین کنز و خزانه یک شخص در زندگی اش، سوره بقره ، وآل عمران است.)

این حدیث را روایت نکرده شعبی مگرازلیث ، وازلیث روایت نکرده مگرفضیل بن عیاض ،امام هیثمی این حدیث را بدون سند ذکر کرده ، وبه طبرانی حواله داده ولی گفته که : درلیث بن ابی سلیم کلام است وی ثقه ومدلس است ،امام اصبهانی این حدیث را نقل کرده در کتاب خود حلیة الالیاء و گفته حدیث غریب است فقط از طریق : فضیل بن عیاض ولیث بن ابی سلیم روایت شده ، تنها از طریق بشر بن حیی روایت شده.<sup>۴</sup>

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بن مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - : مَا خَيَّبَ اللهُ بَيْتًا أَوْى إِلَيْهِ امْرُؤٌ بِسُورَةِ الْبَقَرَةِ ، أَوْ آلِ عِمْرَانَ ، أَوْ بَعْضِ

صَوَاحِبِهِنَّ .»

---

1 - إكمال تهذيب الكمال في أسماء الرجال (ج: 3 ص: 139 شماره : 921).

2 - ديوان الضعفاء والمتروكين للذهبي (ج: 1 ص: 59 شماره: 714).

3 - المعجم الاوسط للامام طبرانی (ج: 2 ص: 214 / شماره حدیث: 1772). مجمع الزوائد ومنبع الفوائد للهيثمی (ج: 2 ص: 300 شماره: 3531).

4 - حلية الأولياء وطبقات الأصفياء للاصهانی (ج: 8 ص: 129).

امام جوزجانی این حدیث را از طریق سعید ، از سفیان ، از مسعر ، از معن ، از ابن مسعود -رضی الله عنه- با کمی تفاوت الفاظ روایت کرده ، الله -جل جلاله- ناامید نمی کند آن خانواده را که رجوع کند آن شخص به سوره بقره یا آل عمران ، یا بعضی از اجزای آنرا تلاوت کند.

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لَا أَلْفِينَ أَحَدَكُمْ يَضَعُ إِحْدَى رِجْلَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى ، ثُمَّ يَتَغْنَى وَيُدْعَى أَنْ يَقْرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْفِرُ مِنَ الْبَيْتِ الَّذِي يَقْرَأُ فِيهِ سُورَةَ الْبَقَرَةِ»<sup>1</sup>.

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- روایت میکند، فرمود: فرموده رسول الله -صلی الله علیه وسلم- زمانی می آید که من میابم یکی از شما را، گذاشته است پای خود را بر بالای پای دیگرش، آواز میخاند، واینکه خواندن سوره بقره را ترک میکند، در هر خانه که سوره بقره خوانده شود، شیطان از آن خانه فرار میکند. امام نسائی این حدیث را آورده با کمی تفاوت الفاظ : یعنی شیطان فرار میکند از خانه که خوانده شود سوره بقره در آن خانه ، و فقیر مستمند ترین خانه ، خانه ای است که از خواندن سوره بقره خالی باشد.<sup>2</sup>

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لِقِيَةِ الشَّيْطَانِ فَاتَّخَذَ ، فَاصْطَرَعَا ، فَصَرَعَهُ الَّذِي مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ ، فَقَالَ الشَّيْطَانُ: أُرْسِلْنِي أَحَدَثَكَ حَدِيثًا ، فَأَرْسَلَهُ قَالَ: لَا ، فَاتَّخَذَ الثَّانِيَةَ فَاصْطَرَعَا ، فَصَرَعَهُ الَّذِي مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ: أُرْسِلْنِي فَلَأُحَدِّثَكَ حَدِيثًا يُعْجِبُكَ فَأَرْسَلَهُ فَقَالَ: حَدَّثَنِي قَالَ: لَا . فَاتَّخَذَ الثَّلَاثَةَ فَصَرَعَهُ الَّذِي مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - ثُمَّ جَلَسَ عَلَى صَدْرِهِ وَأَخَذَ بِإِبْهَامِهِ يَلُوكُهَا فَقَالَ: أُرْسِلْنِي ، فَقَالَ: لَا أُرْسِلُكَ حَتَّى تُحَدِّثَنِي قَالَ: سُورَةُ الْبَقَرَةِ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ آيَةٍ مِنْهَا تَقْرَأُ فِي وَسْطِ الشَّيَاطِينِ إِلَّا تَفَرَّقُوا ، أَوْ لَا تَقْرَأُ فِي بَيْتِ

---

<sup>1</sup> - المعجم الاوسط - الطبرانی. (ج: 7 ص: 374) . تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد ، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني. الناشر: دار الحرمين - القاهرة . شعب الايمان (ج: 2 ص: 453) . تحقيق: محمد السعيد بسيوني زغلول. الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت. ترقيم: شعيب الانزاوط. المعجم الصغير للطبراني (ج: 1 ص: 102 شماره حديث: 141) ، تحقيق: محمد شكور محمود الحاج أمرير. الناشر: المكتب الاسلامي ، دارعمار - بيروت ، عمان. سند حديث ضعيف است

- سنن النسائي الكبرى ، (ج: 6 ص: 240 / شماره حديث: 10733)<sup>2</sup>



فَيَدْخُلُ ذَلِكَ الْبَيْتَ شَيْطَانٌ قَالُوا: يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ، فَمَنْ ذَلِكَ الرَّجُلُ؟ قَالَ: فَمَنْ تَرَوْنَهُ إِلَّا عَمْرَ بْنَ الْخَطَّابِ»<sup>1</sup>.

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- آورده ، فرمود: روزی از روزها یکی از اصحاب رسول الله -صلی الله علیه وسلم- از خانه بیرون شد ،شیطان به صورت شخص پیش روی وی آشکار شد، شیطان از وی تقاضای پهلوانی کرد ، هردوی آنها پهلوانی گرفتند، صحابه ای رسول الله -صلی الله علیه وسلم- وی را انداخت ، شیطان گفت : مرا بگذار، برایت سخنی را خواهم گفت: زمانی که آن را رها کرد، شیطان گفت: نه خیر، چیزی نخواهم گفت. باز دوباره با وی پهلوانی گرفت، وی را زیرپاهای خود انداخت ، عین کلمات را دوباره تکرار کرد ، که مرا رها کن ، سخنی را خواهم گفت : باز رهایش کرد، باز از سخن گفتن ابا کرد، سوم باربهم پهلوان گرفتند، که وی را زیرپاهای خود انداخت ، و بر بالای سینه اش نشست، برای بار سوم عذر کرد، واصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- گفت: تورا نخواهم گذاشت، تا وقتی که سخن ات را نگویم، شیطان گفت : در سوره بقره هیچ آیه آن نیست که در وسط شیاطین خوانده نشود ، مگر اینکه شیطان ، از آنجا فرار خواهد کرد، یا این که در خانه که سوره بقره خوانده میشود، شیطان از آنجا فرار میکند. گفت شد، ای ابا عبد الرحمن، این مرد کی بود؟ فرمود: جز عمر بن الخطاب کسی وی را ندیده.)

روایت فوق را در کتب حدیثی پیدا نکردم تا از صحت و سقم حدیث آگاه شوم.

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ -رَضِيَ اللهُ عَنْهُ- قَالَ: مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ فَقَدْ أَكْثَرَ وَأَطَابَ»<sup>2</sup>.

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- روایت میکند، فرموده : کسیکه قرائت کند سوره بقره را ، پس کاری زیادی انجام داده ، و خیلی کارنیک کرده است.)

---

<sup>1</sup> - مکائد الشيطان.(ج:1 ص: 85). الدر المنثور في التفسير بالمأثور (ج:1 ص:52).

<sup>2</sup> - المعجم الكبير للطبرانی (ص:9 ص: 136).

امام هیثمی این حدیث را نقل کرده ، نسبت اش را به طبرانی داده ، فرموده که : در این حدیث یحیی بن عمرو بن سلمه آمده که مجهول است، امام هیثمی می گوید که معرفی وشهرت وی را در کتب رجال حدیث پیدا نکردم ، وبقیه رجال این حدیث صحیح است.<sup>1</sup>

عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - أَنَّ امْرَأَةً أَتَتْ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - - رَأَيْتِي فِي رَأْيِكَ الْحَدِيثِ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَعْنِي لِلَّذِي خَطَبَهَا : « فَهَلْ تَقْرَأُ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْئًا » . قَالَ : نَعَمْ سُورَةَ الْبَقَرَةِ وَسُورَةَ الْمُنْفَصِلِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : « قَدْ أَنْكَحْتُكَهَا عَلَيَّ أَنْ تُقْرَأَهَا وَتُعَلِّمَهَا وَإِذَا رَزَقَكَ اللَّهُ عَوَّضَتْهَا » . فَتَزَوَّجَهَا الرَّجُلُ عَلَيَّ ذَلِكَ»<sup>2</sup>

( از ابن مسعود -رضی الله عنه-روایت است که زنی نزد پیامبر -صلی الله علیه وسلم-آمد،واین زن فرمود: ای رسول خدا؟ نظر من در نظر شماست، پس فرمود، رسول الله -صلی الله علیه وسلم-: برای کسی که وی را به نکاح میداد: آیا از قرآن چیزی خوانده ای؟ فرمود: بلی! سوره بقره و یکی از سوره های مفصل قرآن را یاد دارم ، سپس فرمود: رسول الله -صلی الله علیه وسلم-: این زن را به نکاح تو میاورم ، به شرطی که به وی این سوره ها را بخوانی و به وی تعلیم بدهی، زمانیکه الله -جل جلاله-برایت مال داد مهرش را اداء کن، سپس آن مرد به همین شرط با وی ازدواج کرد.)

امام طبرانی میفرماید:روایت فوق ضعیف است. در این حدیث شخصی به نام عتبه بن سکن آمده که وی متروک الحدیث است، بعضی نسبت وضع داده به وی ، ولی امام طبرانی آن را سخت رد کرده گفته اصالت ندارد ، دروغ است. دارقطنی فرموده که : عتبه بن السکن منکر الحدیث است.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> - مجمع الزوائد ومنبع الفوائد (ج: 2 ص: 318 / شماره: 3625).سند حدیث صحیح است

<sup>2</sup> - سنن البیهقی الکبری (ج: 7 ص: 243/ شماره حدیث: 14181). تحقیق : محمد عبد القادر عطا. الناشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة.

<sup>3</sup> - دیوان الضعفاء للذهبی (ج: 1 ص: 268 شماره: 2741).

عن عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- قال: إن لكل شيء سناما و سنام القرآن سورة البقرة و إن الشيطان إذا سمع سورة

البقرة تقرأ خرج من البيت الذي تقرأ فيه سورة البقرة»<sup>1</sup>.

(از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- روایت است که میفرماید: بدون شک ، برای هر چیزی کوهانی می باشد، و کوهان قرآن کریم سوره بقره است ، یقینا شیطان فرار می ازخانه که در آن خوانده شود سوره بقره.

و حاکم این حدیث را نقل کرده فرموده که : سند این حدیث صحیح است ، وهم چنان مرفوع روایت شده از طریق : عمرو بن آبی قیس ، از عاصم ، از ابی الاحوص ، از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- از پیامبر -صلى الله عليه وسلم-<sup>2</sup>

امام بهیقى این حدیث با کمی تفاوت الفاظ نقل کرده از طریق : از احمد ابن یونس ، از ابوبکر بن عیاش ، از عاصم ، از ابی الاحوص ، از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- روایت شده : «وَأَنَّ سَنَامَ الْقُرْآنِ الْبَقْرَةُ، وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ لُبَابًا، وَإِنَّ لُبَابَ الْقُرْآنِ الْمُفَصَّلُ.» برای هر چیزی کوهانی می باشد و کوهان قرآن سوره بقره است ، برای هر چیزی خالص می باشد ، و خالص قرآن سوره مفصل است که مراد سوره بقره است.<sup>3</sup>

---

1 - المعجم الكبير للطبراني (ج: 9 ص: 129 / شماره حدیث: 8644). سنن الدارمی (ج: 2 ص: 451). شعب الإيمان لآبوبکر البيهقي (ج: 2

ص: 452 / شماره حدیث : 2376). سند حدیث صحیح است

- المستدرک على الصحيحين للحاكم (ج: 1 ص: 746 شماره : 2060). صحیح است<sup>2</sup>

- شعب الإيمان للبيهقي (ج: 4 ص: 109 شماره: 2258). سند حدیث حسن است<sup>3</sup>

مبحث دوم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در باره تفسیر برخی آیات سوره بقره

مطلب اول: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در در مورد تفسیر آیات اول الی ششم

الف: آیه «الم ذلک الکتاب لا ریب فیہ...»<sup>1</sup>

1- عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ. وَعَنْ نَاسٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (الم). قَالَ: أَمَّا (الم) : فَهِيَ حُرُوفٌ اسْتُفْتِحَتْ

مِنْ حُرُوفٍ هِجَاءِ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى.»<sup>2</sup>

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- - روایت شده است که {الم ذلک

الْكِتَابُ} هرچه الف لام حرف است، اشتقاق شده از حروف هجاء است، از جمله نام های الله - عزوجل - است.)

2- عن ابن مسعود - رضي الله عنه : { الم ذلک الکتاب } قال : { الم } حرف اسم الله و { الکتاب } القرآن { لا

ریب فیہ } لا شک فیہ»<sup>3</sup>

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- چنین روایت شده است که گفته است: مراد ازالم : نام الله -جل جلاله- است.

ومراد از کتاب : قرآن است . ومراد از: {لاریب فیہ } هیچ شکی نیست درقرآن کریم روایت شده.)

ب: در باره تفسیر {هُدًى لِلْمُتَّقِينَ...}

عن ابن مسعود، وعن ناس من أصحاب النبي -صلى الله عليه وسلم- "هدى للمتقين"، يقول: نور للمتقين و المتقين"،

---

1- البقره (1)

2 - تفسير القرآن العظيم ابن كثير،(ج:1ص:158). تاريخ بغداد.(ج: 1ص:397/ شماره حديث: 133). تحقيق: مطفي عبد القادر "عطا".

الناشر: موقع يحسوب. الاسماء والصفات للبيهقي (ج:1ص: 232 / شماره: 168). جامع البيان في تأويل القرآن الطبري، (ج:1ص: 208) سند

حديث حسن است

3 - المستدرک علی الصحیحین للحاکم (ج:3ص: 81/ شماره: 3032) سند حديث صحيح است. وسند این حديث صحيح است ویر شرط امام

مسلم برابر است ولی حديث را تخريج نکرده

قال: هم المؤمنون»<sup>1</sup>.

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- ، واز تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله عنه- روایت شده است که "هدی

اللمتقين" مراد از "هدی" نور برای متقیان است و متقین همان مومنان است.)

ج: در باره آیت {الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ.....} <sup>2</sup>

1- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ -رضی الله عنه- قَالَ: ذَكَرُوا أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَإِيمَانَهُمْ، فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ: -

رضی الله عنه- - " إِنَّ أَمْرَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ بَيْنَنَا لِمَنْ رَأَاهُ، وَالَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، مَا آمَنَ مُؤْمِنٌ أَفْضَلَ

مِنْ إِيْمَانِ بَعْضٍ» ثُمَّ قَرَأَ: {الْم، ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ} <sup>3</sup>.

(از عبدالله بن مسعود -رضی الله عنه- روایت است که گفته است: اصحاب رسول خدا -صلی الله علیه وسلم-

و سبقت گرفتن در ایمان شان را بیاد آوردیم. ابن مسعود گفت: داستان محمد -صلی الله علیه وسلم- و کسانی

که او را دیده اند واضح و روشن است، سوگند به معبود برحقى که معبودى جز او نیست! هیچ کس ایمانى بهتر

از ایمان به غیب نیاورده است. و سپس آیات: {الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ} ... را تلاوت کرد.)

---

<sup>1</sup> جامع البيان فى تأويل القرآن الطبرى، (ج: 1 ص: 230 و 233/ شماره حدیث: 26) المحقق: احمد محمد شاکر، الناشر: مؤسسة الرسالة. سند

حدیث حسن است

2- البقره: 3

<sup>3</sup> - المستدرک على الصحيحين للحاكم (ج: 2 ص: 286 شماره حدیث: 3033). أبو عثمان ، سعيد بن منصور بن شعبة الخراسانى ، الجوزجاني (

1417هـ - 1997). التفسير من سنن سعيد بن منصور. تحقيق: د- سعد بن عبد الله بن عبد العزيز آل حميد. ناشر: دارالشمس للنشر والتوزيع.

چاپ اول. تفسير القرآن العظيم لابن ابى حاتم الرازى (ج: 1 ص: 36/شماره: 66). (الزيعلى ، أبو محمد جمال الدين عبد الله بن يوسف بن محمد

(1414). تخريج الأحاديث والآثار الواقعة فى تفسير الكشاف للزمخشري . تحقيق: عبد الله بن عبد الرحمن السعد. ناشر: دارابن خزيمة - رياض ،

چاپ اول. سند حدیث صحیح است. سند این حدیث صحیح است و به شرط شیخین برابر است ولی تخريج نکردند ، و امام ذهبی هم موافقه دارد، امام

حاکم هم گفته که این حدیث به شرط شیخین برابر است ولی حدیث را تخريج نکرده اند و رجال این حدیث صحیح است ، امام سیوطی در تفسیر

الدر المنثور، از حارث بن قیس از ابن مسعود -رضی الله عنه- روایت نموده است. الدر المنثور فى تفسير المأثور (ج: 1 ص: 65).

2- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - وَعَنْ نَاسٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَمَّا الْغَيْبُ: فَمَا غَابَ عَنِ الْعِبَادِ مِنْ أَمْرِ الْجَنَّةِ، وَأَمْرِ النَّارِ، وَمَا ذُكِرَ فِي الْقُرْآنِ»<sup>1</sup>.

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نقل است که معنای غیب: آنچه که غایب و پوشیده باشد، از چشم بنده ها، مثل: جنت، دوزخ، و آن واقعات غیبی که در قرآن ذکر شده است.)

3- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فِي قَوْلِهِ {الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ} قَالَ: هُمُ الْمُؤْمِنُونَ مِنَ الْعَرَبِ قَالَ: وَ {الْإِيمَانِ} التَّصَدِيقُ وَ {الْغَيْبِ} مَا غَابَ عَنِ الْعِبَادِ مِنْ أَمْرِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَمَا ذَكَرَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَمْ يَكُنْ تَصَدِيقَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ قَبْلِ أَصْحَابِ الْكِتَابِ أَوْ عِلْمَ كَانَتْ عِنْدَهُمْ»<sup>2</sup>.

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل میکند: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» فرمود: ایشان مسلمان های از عرب هستند، فرمود: «الْإِيمَانِ» به معنی: تصدیق، باور داشتن. و «الْغَيْبِ» معنی غیب: آنچه که غایب، یا پنهان باشد، از چشم بنده ها، مثل: امور که مربوط به جنة، و دوزخ باشد، و آن حوادث که در قرآن بیان شده، قبل از اسلام به امور غیبی تصدیق و باور نداشتند.)

عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - وَعَنْ أَنَسٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: {وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ} قَالَ: هِيَ نَفَقَةُ الرَّجُلِ عَلَى أَهْلِهِ، وَهَذَا قَبْلَ أَنْ تُنَزَّلَ الرِّكَاهُ»<sup>3</sup>.

---

<sup>1</sup> - تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر(ج: 1 ص: 165). سند حدیث حسن است

<sup>2</sup> - الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (ج: 1 ص: 64). فتح القدر للشوکانی (ج: 1 ص: 44). سند حدیث حسن است

<sup>3</sup> - تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر (ج: 1 ص: 168). جامع البیان فی تأویل القرآن للطبری(ج: 1 ص: 244 / شماره حدیث: 288). سند حدیث

(از ابن مسعود - رضی الله عنه - و گروهی از اصحاب رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت می کنند که در تفسیر: {وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ} می گویند: منظور مخارج و نفقه ای است که مرد برای خانواده اش خرج می کند، گفتنی است که این تا قبل از نزول حکم زکات بوده است.)

د: در باره آیت {وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ .....} <sup>۱</sup>.

عن ابن مسعود - رضی الله عنه - وعن ناس من أصحاب رسول الله - صلی الله علیه وسلم، "والذين يؤمنون بما أنزل

إليك وما أنزل من قبلك وبالآخرة هم يوفون": هؤلاء المؤمنون من أهل الكتاب» <sup>2</sup>.

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- وازجماعه اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم- چنین نقل شده است که گفته اند: « کسانیکه ایمان می آورند، به آنچه که به تونازل شده (مراد قرآن کریم است)، و آنچه که قبل از تونازل شده (دیگرپیامبران)، و به آخرت یقین دارند»، این جماعه مؤمنین از اهل کتاب اند، که هم پیامبران، قبل از خود وهم به پیامبر آخرالزمان ایمان آورده باشد.)

ه: در باره آیت {أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًىٰ مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.....} <sup>۳</sup>

عن ابن مسعود - رضی الله عنه - وعن ناس من أصحاب النبي - صلی الله علیه وسلم، أما "الذين يؤمنون بالغيب"، فهم

المؤمنون من العرب، "والذين يؤمنون بما أنزل إليك"، المؤمنون من أهل الكتاب. ثم جمع الفريقين فقال: (أولئك على هدى من ربهم وأولئك هم المفلحون) <sup>4</sup>.

---

1- البقرة: 2

2 - جامع البيان في تأويل القرآن طبری (ج: 1 ص: 245) سند حدیث حسن است

3- البقرة: 3

4 - تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر (ج: 1 ص: 172). جامع البيان في تأويل القرآن للطبری (ج: 1 ص: 247). تفسیر القرآن العظیم لابن أبی حاتم،

(ج: 1 ص: 111) الدر المنثور في التاويل بالمأثور (ج: 1 ص: 64). سند حدیث حسن است

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- وازجماعه اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم-چنین نقل شده است که گفته اند: مراد از مومنین به غیب مسلمان های عرب هستند و مراد از "والذین یؤمنون بما أنزل إلیک" که مومنین اهل کتاب اند ، باز هردو فریقین را جمع کردند ، گفتند : هردو این جماعه کامبیاب هستند ، {أولئک علی هدی من ربهم وأولئک هم المفلحون }

مطلب دوم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در در مورد تفسیر آیات ششم الی بیست و یکم

الف: در باره آیت { خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ .. }<sup>۱</sup>

عن ابن مسعود-رضی الله عنه - وعن أناسٍ من أصحابِ رسولِ الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي قَوْلِهِ: { خَتَمَ اللَّهُ

عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ } يَقُولُ: فَلَا يَعْقِلُونَ وَلَا يَسْمَعُونَ كَذَا يَقُولُ أَعْيُنُهُمْ غَشَاوَةٌ فَلَا يَبْصُرُونَ».<sup>2</sup>

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- وازجماعه اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم-چنین نقل شده است که در

تفسیر آیه { خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ } گفته اند: الله متال برچشم های و قلب های شان مهرلگنده

، نه می بینند، نه عقل دارند، و نه می شنوند)

ب: در باره تفسیر آیت { ومن الناس من يقول آمنا بالله وبالیوم الآخر..... }<sup>۳</sup>

عن ابن مسعود -رضی الله عنه - وعن ناسٍ من أصحابِ النبي - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (ومن الناس من يقول آمنا بالله

1- البقرة: 7

2 - تفسیر القرآن العظیم لابن أبی حاتم (ج: 11 ص: 17) الیمنی ، الشوکانی ، محمد بن علی بن محمد بن عبد الله. (: 1414 هـ) فتح القدر، (ج: 1 ص: 47). ناشر: دارابن کثیر، دار الکلم الطیب بیروت - دمشق ، چاپ اول جامع البیان فی تأویل القرآن الطبری ، (ج: 1 ص: 267). سند حدیث

حسن

3- البقرة: 8



وباليوم الآخر وما هم بمؤمنين) هم المنافقون».<sup>1</sup>

(از ابن مسعود -رضى الله عنه- ، وازجماعه اصحاب پیامبر -رضى الله عنه-نقل کرده که مراد این آیه: منافقین است.)

ب: در باره تفسیر { فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا... }<sup>2</sup>

عن ابن مسعود -رضى الله عنه- وعن ناس من أصحاب النبي -صلى الله عليه وسلم: "في قلوبهم مرض" يقول: في

قلوبهم شك. و في رواية يقول: " فزادهم الله ريباً وشكاً" .<sup>3</sup>

(از ابن مسعود -رضى الله عنه- وازجماعه اصحاب پیامبر -صلى الله عليه وسلم-چنین نقل شده است که گفته اند: "فی قلوبهم مرض" منظور از مرض: بیماری ، شک و شبهه ، و نفاق است. و دروایت دیگری گفته است: خداوند بر بیماری و شک آنان افزود.)

ج: در باره تفسیر { وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ }<sup>4</sup>

عن ابن مسعود-رضى الله عنه- وعن ناس من أصحاب النبي -صلى الله عليه وسلم: (وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي

الأرض ) ،هم المنافقون . أما "لا تفسدوا في الأرض" ، فإن الفساد: هو الكفر والعمل بالمعصية».<sup>5</sup>

(از ابن مسعود -رضى الله عنه- وازجماعه اصحاب پیامبر -صلى الله عليه وسلم-چنین نقل شده است که گفته اند: که منظور از: {وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ} منافقان هستند و مراد کفر و عمل کردن به گناه و معصیت است. که از عمل کرده منافقین بود.)

---

- جامع البيان فى تأويل القرآن الطبرى (ج: 1ص: 270).سند حدیث حسن است <sup>1</sup>

2- البقره : 10

-جامع البيان تفسیر الطبرى (ج: 1ص: 280) سند حدیث حسن است <sup>3</sup>

4- البقره : 11

- جامع البيان فى تأويل القرآن للطبرى ( 1 / 288). سند حدیث حسن است <sup>5</sup>

د: در باره آیت { وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ آمَنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ ..... }<sup>۱</sup>

عن ابن مسعود - رضي الله عنه - وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم: (قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ)

، يعنون أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم .<sup>2</sup>

((از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز جماعه اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- چنین نقل شده است که گفته

اند: (قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ) یعنی : هر گاه به منافقین گفته شود: ایمان بیاورید، همان گونه که دیگران

ایمان آورده اند، میگویند : آیا مانند بی خردان(العیاذ بالله). ایمان بیاوریم ، هدف شان ومقصد شان ،اصحاب -

پیامبر- -صلی الله علیه وسلم- بود.)

ه: در باره آیت { وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ }<sup>۳</sup>

عن ابن مسعود - رضي الله عنه - وعن ناس من أصحاب رسول الله - صلى الله عليه وسلم: (وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ)

، أما شياطينهم، فهم رءوسهم في الكفر.<sup>4</sup>

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز جماعه اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- چنین نقل شده است که گفته

اند: (وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ) منظور از شياطين در آیه: همان سردم داران و بزرگان شان که احبار (ملاهای

یهودی و سران شرک و نفاق است، می باشد.)

و: در باره آیت { وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ..... }<sup>۵</sup>

---

1- البقرة : 13

- جامع البيان في تأويل القرآن للطبري ( 1 294).سند حديث حسن است <sup>2</sup>

3- البقرة: 14

4 - جامع البيان في تأويل القرآن للطبري (ج: 1 ص: 397).سند حديث حسن است

5- البقرة: 15

عن ابن مسعود - رضي الله عنه - وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم: "يَمُدُّهُمْ" يَمَلِي لَهُمْ " في طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ"، يَتِمَادُونَ فِي كَفْرِهِمْ .»

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- وازجماعه اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نقل شده است که گفته اند: منظور از «یمدهم» این است که به آنان مهلت می دهد، و «فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» یعنی: در کفر شان ادامه می دهند.)

ز: در باره آیت {أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى...} <sup>1</sup>

عن ابن مسعود- رضي الله عنه -وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم: (أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى) ، يقول: أخذوا الضلالة وتركوا الهدى...<sup>2</sup>

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- وازجماعه اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نقل شده است که گفته اند: منظور از آن ها) کسانی هستند که گمراهی را در برابر هدایت خریدند) این است که گمراهی را گرفتند و هدایت را رها کردند.)

ح: در باره آیت { صُمُّ بَكْمٌ عُمِيٌّ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ.....} <sup>3</sup>

عن ابن مسعود - رضي الله عنه - وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم: "بكم"، هم الخرس. "فهم لا يَرْجِعُونَ" فهم لا يرجعون إلى الإسلام.<sup>4</sup>

---

1- البقرة: 16

- جامع البيان في تأويل القرآن للطبري (ج: 1 ص: 312) سند حديث حسن است <sup>2</sup>

3- البقرة: 18

- طبري، جامع البيان في تأويل القرآن، (ج: 1 ص: 322). سند حديث حسن است <sup>4</sup>

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- روایت شده که گفته اند: " بکم " یعنی گنگ هستند ، حق را نمی گویند. "فهم لا يرجعون": پس ایشان براه اسلام باز نمی گردند.)

ط: در باره آیت {أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ.....} <sup>1</sup>

عن ابن مسعود، -رضی الله عنه- - وعن ناس من أصحاب النبي - صلی الله علیه وسلم- {أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ

ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ} إلى " إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، أما الصيب فالمطر. » <sup>2</sup>

(ابن عباس -رضی الله عنه- وابن مسعود -رضی الله عنه- و تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می گویند که مراد از صیب باران است.)

مطلب سوم: مرویات ابن مسعود -رضی الله عنه- از آیت بیست و یکم الی سی و یکم

الف: در باره آیت {يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي.....}. (بقره : 21).

1- عن عبد الله - رضی الله تعالی عنه - قال : ما كان يا "أيها الذين آمنوا" أنزل بالمدينة وما كان " يا أيها الناس "

فيمكة. <sup>3</sup>

(از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- نقل شده که گفته است: آنچه که به لفظ "أيها الذين آمنوا" آمده در مدینه

منوره نازل شده ، و آنچه که به لفظ " يا أيها الناس " آمده در مکه نازل شده است.)

2- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ : قَرَأْنَا الْمُفْصَّلَ حُجْبًا وَنَحْنُ بِمَكَّةَ لَيْسَ فِيهَا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا. »

---

1- البقرة: 19

2- طبری، جامع البيان فی تأویل القرآن، (ج: 1ص: 346) سند حدیث حسن است

3 - مستدرک حاکم (ج: 5 ص: 25 شماره حدیث : 429) . المستدرک حاکم (ج: 3ص: 18 شماره حدیث: 4295).

(از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- نقل شده که گفته است: ما درمکه بودیم این سوره مفصل را خواندیم و در آین « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا » وجود نداشت.<sup>1</sup>

3- عن ابن مسعود -رضي الله عنه- وعن ناس من أصحاب النبي -صلى الله عليه وسلم: { يا أيها الناس اعبدوا ربكم

الذي خلقكم والذين من قبلكم } يقول: خلقكم وخلق الذين من قبلكم»<sup>2</sup>

(از ابن مسعود -رضى الله عنه- واز تعداد اصحاب -پیامبر -صلى الله عليه وسلم- در تفسیر آیه فوق نقل می کند : آن ذاتیکه شما را آفریده ، و آفریده کسانی را قبل از شما بوده است.)

ب: در باره آیت { الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً..... }<sup>3</sup>

1- عن ابن مسعود، رضي الله تعالى عنه - وعن ناس من أصحاب النبي -صلى الله عليه وسلم-: "الذي جعل لكم

الأرض فراشاً" فهي فراشٌ يمشى عليها، وهي المهاد والقرار.»<sup>4</sup>

(از ابن مسعود -رضى الله عنه- واز تعداد اصحاب پیامبر -صلى الله عليه وسلم- نقل شده است که گفته اند: زمین برای تان فرش قرار داد که بر بالای آن قدم زده می شود، و این زمین را مهد و جای بود باش برای شما گردانید.)

2- عن ابن مسعود- رضي الله عنه - وعن ناس من أصحاب النبي -صلى الله عليه وسلم: " فلا تجعلوا لله أنداداً"، قال:

أكفأء من الرجال تطيعونهم في معصية الله.»<sup>5</sup>

---

<sup>1</sup> - مصنف ابن ابى شيبه : (ج: 10 ص: 522 شماره حديث : 30769). سند حديث حسن است

<sup>2</sup> - طبرى، جامع البيان فى تأويل القرآن، (ج: 1 ص: 363).

<sup>3</sup> - البقرة: 22

- مصنف ابن ابى شيبه : (ج: 10 ص: 454). سند حديث حسن است <sup>4</sup>

- جامع البيان فى تأويل القرآن للطبرى (ج: 1 ص: 365 - 367 و 368). <sup>5</sup>

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نقل شده است که گفته اند: با خداوند شریک نسازید! یعنی: مردانی را کفو قرار ندهید که از آن ها در معصیت الله اطاعت می کرده باشید.)

3- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ سَأَلْتُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَيُّ الذَّنْبِ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدَاءً وَهُوَ خَلَقَكَ، قُلْتُ إِنَّ ذَلِكَ لَعَظِيمٌ! قُلْتُ ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: وَأَنْ تَقْتُلَ وَلَدَكَ تَخَافُ أَنْ يَطْعَمَ مَعَكَ، قُلْتُ ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: أَنْ تُزَانِيَ حَلِيلَةَ جَارِكَ»<sup>1</sup>

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- روایت شده است که گفت: از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- پرسان کردم که کدام گناه بزرگتر است فرمود: اول این که کسی با خدا شریک بیاورد، فرمودم سپس؟ فرمود: کسیکه

ج: در باره آیت { فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ }<sup>2</sup>

1- عَنْ زَيْدِ بْنِ وَهْبٍ، قَالَ: قَالَ: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - : «إِنَّ نَارَكُمْ هَذِهِ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ تِلْكَ النَّارِ، وَلَوْلَا أَنَّهَا ضُرِبَتْ فِي الْبَحْرِ مَرَّتَيْنِ مَا انْتَفَعْتُمْ مِنْهَا بِشَيْءٍ»<sup>3</sup>

(از زید بن وهب روایت است که ابن مسعود -رضی الله عنه- گفته است: این آتش شما (مراد آتش دنیا است) جزء از هفتادم حصه آتش جهنم است، اگر حصه از آتش جهنم، دوبار در دریا برخورد کند، کسی از آب آن نفع برده نمی تواند.)

2- عن الشعبي، قال: قال: عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- إذا مر أحدكم في الصلاة، بذكر النار فليستعبد بالله

---

1- صحیح البخاری (ج: 10 ص: 581 شماره حدیث: 4477). السنن الكبرى، للنسائي (ج: 10 ص: 9 شماره حدیث: 10920). تهذیب

الکمال (ج: 3 ص: 5 شماره حدیث: 1319 و 68619).. سند حدیث صحیح است

2- البقرة: 25

3- البعث والنشور للبيهقي (ج: 1 ص: 285 شماره حدیث: 499) سند حدیث صحیح است

من النار! وإذا مر بذكر الجنة فليسأل الجنة.»<sup>1</sup>

(از شعبی روایت است که عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - گفته است: وقتیکه در نماز ذکر از دوزخ آمد ، به الله - جل جلاله - پناه ببرید ، از سختی ها و دهشت جهنم ، واگرد ز جنت آمد ، پس از الله - جل جلاله - جنت را مطالبه کنید.)

3- عن ابن مسعود - رضي الله عنه - وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم : { اتقوا النار التي وقودها

الناس والحجارة } ، أما الحجارة ، فهي حجارة في النار من كبريت أسود ، يُعذبون به مع النار .»<sup>2</sup>

(از ابن مسعود - رضی الله عنه - واز تعداد اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نقل شده است که در تفسیر آیه «فاتقوا النار..» گفته اند: مراد از حجارة سنگی است در جهنم که از گوگرد سیاه ساخته شده و در پهلوی آتش با آن عذاب داده می شوند.)

4- عن عبد الله بن مسعود - رضي الله عنه - قال: حجارة من الكبريت خلقها الله عنده كيف شاء وكما شاء.»<sup>3</sup>

(عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - گفته است: سنگی از گوگرد است که خداوند متعال آن را قسمی که خواسته و به گونه ای که خواسته است پیدا کرده است.)

این حدیث را امام ابن جریر طبری - رحمه الله - از چهار طریق و از چهارسند نقل نموده ، با کمی زیادت لفظ در احادیث که شرح آن قرار ذیل می آید:

1 - از طریق ابوکریب ، از ابومعاویه ، از مسعربن میسره الزراد ، از عبد الرحمن بن سابط ، از عمرو بن میمون ، از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت نموده است.

---

1 - مصنف ابن ابی شیبیه فی الاحادیث والآثار (ج: 15 ص: 174) . الدر المنثور فی تفسیر المأثور (ج: 1 ص: 89)

- جامع البیان فی تأویل القرآن (ج: 1 ص: 380) سند حدیث حسن است<sup>2</sup>

- طبری ، جامع البیان فی تأویل القرآن ، ( 1 / 381) . سند حدیث حسن است<sup>3</sup>

2- از طریق حسین بن یحیی ، از عبد الرزاق ، از ابن عیینه ، از مسعر ، از عبد الملک الزراد، از عمرو بن میمون ، از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت نموده، بازیدت این لفظ در حدیث : «هی حجارة من کبریت، خلقها الله یومَ خلق السموات والأرض فی السماء الدنيا، یُعدها للكافرين.»

3 - از طریق موسی بن هارون ، از عمرو بن حماد ، از اسباط ، از سدی که در خیردیگر، آمده از ابی مالک ، از ابی صالح ، از ابن عباس - رضی الله عنه - از مرة ، از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - واز تعداد اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت شده ، با زیادت این لفظ «أما الحجارة، فهي حجارة فی النار من کبریت أسود، یُعذبون به مع النار.»

4 - از طریق سفیان ابن وکیع ، از پدرش ، از مسعر ، از عبد الملک بن میسره ، از عبد الرحمن بن سابط ، از عمرو بن میمون ، از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده ، با این لفظ «حجارة من الكبریت خلقها الله عنده کیف شاء وكما شاء.»

وهم چنان ابن ابی دنیا و امام سیوطی - رحمه الله - در تفسیر خود حدیثی دیگری را آورده ، از طریق : عبد الرزاق وسعيد بن منصور، و فریابی ، وهناد بن السری در کتاب الزهد ، تخریج نموده ، و عبد بن حمید و ابن جبریطبری ، از طریق اسباط بن نصر ، و ابن المنذر ، و ابن ابی حاتم رازی ، و طبرانی در معجم الکبیر ، و حاکم در مستدرک اش ، این حدیث را صحیح دانسته ، و بیهقی در شعب الایمان ، از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت نموده است، فرموده : «إِنَّ الْحِجَارَةَ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ فِي قَوْلِهِ {وَقُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ} حِجَارَةٌ مِنْ كَبْرِيتِ خَلَقَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ كَيْفَ شَاءَ.»<sup>1</sup>

---

1 - الدر المنثور فی تفسیر المأثور (ج: 1 ص: 90 مجمع الزوائد ومنبع الفوائد (ج: 7 ص: 35). المعجم الکبیر - الطبرانی (9 / 210 / شماره حدیث: 9026) الجامع الصحیح للسنن والمسائید (3 / 342) أبو بكر، عبد الله بن محمد، بن عبید، بن سفیان، بن قیس؛ البغدادی، الأموی، القرشی، المعروف: بابن أبی الدنيا (1417هـ - 1997م) صفة النار لابن أبی دنیا (ج: 1 ص: 145 شماره حدیث: 231 / 232). تحقیق: محمد خیر رمضان



د: در باره آیت {أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ .....} <sup>1</sup>

1- عن مسروق ، قال : قال عبد الله : « أنهار الجنة تفجر من جبل مسك . » <sup>2</sup>

(از مسروق روایت شده است که عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- گفته است : نهرهای جنت از جبل مسک بیرون می آید.)

2- عن ابن مسعود - رضي الله عنه - وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم - : { قالوا هذا الذي رزقنا من

قبل } ، قال : إنهم أتوا بالثمرة في الجنة، فلما نظروا إليها قالوا: هذا الذي رزقنا من قبل في الدنيا. <sup>3</sup>

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- و از تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- روایت است که فرموده اند: {هذا الذي رزقنا من قبل} یعنی: زمانیکه برای ایشان میوه از جنت آورده شود ، می بینند و میگویند : این همان میوهای است که قبلا در دنیا داده شده بود مارا ، از همین روایت فوق از ابن مسعود -رضی الله عنه- روایت شده ، {وأتوا به متشابها} مراد در رنگ ، و در دید، باهم مشابهت دارد ، نه در طعم و لذت ، وهم چنان : {أزواج مطهرة} زنانیکه نه حیض می بینند، ونه بول و غایط دارند، که به اثر عرق از بین می رود، ونه آب بینی شان می آید.)

---

یوسف ، ناشر: دار ابن حزم - لبنان - بیروت، چاپ اول. تفسیر ابن ابی حاتم (ج: 1 ص: 64 شماره: 244). امام ابن ابی حاتم گفته حدیث صحیح است و به شرط شیخین برابر است. سند حدیث صحیح است

1- البقرة: 25

2- تفسیر ابن ابی حاتم (ج: 1 ص: 66 شماره حدیث: 254). تفسیر القرآن العظیم لابن کثیر (ج: 1 ص: 204). البعث والنشور للبيهقي (ج: 1 ص: 184 / شماره حدیث: 268) . این کثیر هم از عین اسناد و عین روایت را آورده. امام ابوبکر بیهقی عین روایت را از طریق ابی معاویه ، از اعمش از عمرو بن مره ، از مسروق از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- آورده و حدیث را صحیح گفته. امام ابن ابی حاتم هم از طریق وکیع روایت کرده است. و امام ابن کثیر هم این حدیث را از طریق امام سدی ، از ابن مسعود -رضی الله عنه- روایت نموده است. تفسیر القرآن العظیم لابن کثیر (ج: 1 ص: 204). تفسیر ابن ابی حاتم (ج: 1 ص: 254).

- - المعجم الكبير للطبراني، (ج: 10 ص: 179 شماره: 10384). سند حیث حسن است <sup>3</sup>

3- عن عبد الله ابن مسعود - رضي الله عنه - قال : قال رسول الله - صلى الله عليه و سلم : لو قيل لأهل النار : إنكم

ماكنون في النار عدد كل حصاة في الدنيا لفرحوا بها ولو قيل لأهل الجنة : إنكم ماكنون في الجنة عدد كل حصاة في

الدنيا لحزنوا "ولكن جعل لهم الأبد"<sup>1</sup>

( از عبد الله بن مسعود - رضي الله عنه - روایت است ، که رسول الله -صلى الله عليه وسلم- فرموده است:

اگر گفته شود ، برای اهل دوزخ : شما در دوزخ به اندازه دانه کل ریگها دنیای وقت سپری میکنید ، خوامخواه

خوشحال خواهند شد، اگر گفته شود، برای اهل جنت : شما در جنت به اندازه کل ریگ های دنیا وقت سپری

خواهید کرد ، خوامخواه خفه خواهند شد، لکن ! همیشه در جنت باقی خواهند ماند.)

ه: در باره آیت {إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً...}<sup>2</sup>

عن ابن مسعود- رضي الله عنه- - وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم: لما ضرب الله هذين المثليين

للمنافقين - يعني قوله : "مثلهم كمثل الذي استوقد ناراً" وقوله : "أو كصيب من السماء"، الآيات الثلاث - قال المنافقون:

الله أعلى وأجلّ من أن يضرب هذه الأمثال، فأنزل الله : "إن الله لا يستحي أن يضرب مثلاً ما بعوضة" إلى قوله : "وأولئك هم

الخناسرون .»

(از ابن مسعود - رضي الله عنه - و از جمعی از صحابه - رضي الله عنهم - روایت است که گفته اند: آنگاه که

خداوند برای معرفی منافقین دو مثال: {مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا} و {أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ} مثال داد

---

1 - المعجم الكبير للطبراني، (ج: 10 ص: 179 شماره: 10384، شيخ الباني -رحمه الله- هم این حدیث را در کتاب صحیح و ضعیف خود آورده ،

و آنرا موضوعی گفته است. صحیح و ضعیف الجامع للشيخ الالباني (ج: 3 ص: 382 شماره حدیث : 4830. امام جلال الدین سیوطی این حدیث

را در کتاب خود آورده ، ونسبت داده به امام طبرانی وهیثمی وبه ضعف بودن وی اجماع کردند. جمع الجوامع او الجامع الكبير للسيوطي (ج: 1 ص:

16979 شماره حدیث : 860).

2- البقرة: 26

منافقان گفتند: الله بالاتر و بزرگتر از آن است که چنین مثل‌هایی بزند، خداوند این آیه را {إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي} تا {هُمْ الْخَاسِرُونَ} نازل فرمود. معمر از امام قتاده - رحمه الله - روایت می‌کند که: منظور از آیه این است که خداوند از بیان حق، چه کم باشد یا زیاد ابایی ندارد. و آنگاه که خداوند نام مگس و عنکبوت را در کتابش نازل فرمود، منحرفان و کج‌اندیشان گفتند: منظور خداوند از ذکر اینها چیست؟ خداوند در پاسخ آنان فرمود: براستی (الله از این که به پشه ای یا بزرگتر از آن مثل زند ابایی ندارد)

این حدیث را امام ابن ابی حاتم از طریق اسباط، از سدی روایت کرده و امام سیوطی در الدر المنثور این حدیث را آورده و به ابن ابی حاتم نسبت داده است.<sup>1</sup>

و: در باره آیت { يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ... }

1- عن ابن مسعود -رضى الله عنه- وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم : { يضلُّ به كثيرًا } يعني :

المنافقين، { ويهدي به كثيرًا } يعني : المؤمنين.<sup>2</sup>

(از ابن مسعود -رضى الله عنه- وگروهی از صحابه -رضى الله عنه- روایت است که گفته اند: منظور از ( بوسیله آن بسیاری را گمراه می‌کند) مراد منافقین اند ( و بوسیله آن بسیاری هدایت می‌کند) مراد مؤمنین هستند، و این مثل‌ها بر گمراهی منافقان می‌افزاید.)

2- عن ابن مسعود -رضى الله عنه- فى قوله تعالى: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ» اقروا به ثم كفروا فنقضوه»<sup>3</sup>

(از ابن مسعود -رضى الله عنه- روایت است که در آیه «الذين ينقضون...» گفته است: آنان اولاً به به عهد خداوند -جل جلاله- اقرار کرده و متابعت آن را گردن نهاده‌اند، ولی بعد کافر شده و عهد خویش را شکستند)

1 - تفسير القرآن العظيم لابن ابى حاتم (ج: 1 ص: 68 شماره : 273). الدر المنثور(ج: 1 ص: 103).

2- تفسير القرآن العظيم لابن ابى حاتم (ج 1 ص : 69)

3- تفسير ابن كثير(ج: 1 ص : 115) الدر المنثور(ج: 1 ص: 104) سند حدیث حسن است.

ه: در باره آیت کَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أََمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ...<sup>1</sup>

عن عبد الله ابن مسعود -رضى الله عنه- : { قالوا ربنا أمتنا اثنتین وأحییتنا اثنتین } : قال : هی التي فی البقرة : { کنتم

أمواتا فأحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم }.<sup>2</sup>

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل میکند که : شما قبل از آن که آفریده شوید خاک بودید ؛ و این خود یک مرگ است ، آنگاه که شما را خداوند آفرید وزنده گردانید ، و این حیات است ، باز شما را می میراند ، و به قبرهایتان می روید ، و این خود مرگ دوم است ، باز شما را در روز قیامت زنده می گرداند ؛ پس این حیات دیگری است ، بنا براین در اینجا دومرگ و دو زندگی است . آیه کریمه (11) از سوره غافر نیز مؤید این معنی است. { قالوا ربنا أمتنا اثنتین وأحییتنا اثنتین } گفتن پرودگارا ! مارا دوبار میرانده ی ودوبار زنده کرده ای.

عین عبارت را امام طبرانی در معجم الکبیر خود از طریق عبد الله بن محمد بن سعید بن ابی مریم ، از یوسف الفریابی ، از اسرائیل ، از ابی اسحاق ، از ابی الضحی ، از ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل میکند: فی قوله {ربنا أمتنا اثنتین وأحییتنا اثنتین} قال : هی مثل التي فی البقرة { کنتم أمواتا فأحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون } .

ومحمد ابن یوسف الفریابی ، از طریق قیس بن الربیع ، از ابی اسحاق ، از ابی الاحوص ، از ابن مسعود -رضی الله عنه- مثل حدیث اسرائیل نقل شده ۳.

همچنان امام نیسابوری در حاکم خود عین عبارت را از ابوعبد الله محمد بن عبد الله الزاهد ، از احمد بن مهرا ن ، از عبیدالله بن موسی ، از اسرائیل ، از ابواسحاق ، از ابی الأحوص ، از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده

---

1- البقرة : 28

- تفسیر القرآن العظیم لابن ابی حاتم (ج: 1 ص: 73 شماره حدیث : 300). سند حدیث حسن است <sup>2</sup>

- المعجم الکبیر للطبرانی (ج: 9 ص: 214 شماره حدیث : 9044 - 9045). سند حدیث صحیح است <sup>3</sup>

{ رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَبْنَا اثْنَتَيْنِ } قَالَ: هِيَ مِثْلُ الَّتِي فِي الْبَقَرَةِ { كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ }<sup>1</sup>.

امام حافظ الهيثمي در کتاب خود المجمع الزوائد ، از امام طبرانی در اوسط روایت می کند، ودرسند آن شخصی به نام عبد الله بن احمد بن شويه ، که وی مستورالحال است ، وبقیه رجال آن ثقات هستند، این حدیث را امام طبرانی ، در اوسط روایت می کند ، در این روایت شخصی به نام عبد الله بن محمد بن سعید بن ابی مریم می آید ، وی ضعیف است.<sup>2</sup>

امام طبری در تفسیر خود، از ابی مالک ، از ابی صالح ، از ابن عباس -رضی الله عنه- از مره ، از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز جماعه اصحاب پیامبر - صلی الله علیه - عین تفسیر نقل کرده است. واز طریق همین اسناد امام طبری در تفسیر خود از ابن مسعود -رضی الله عنه- با تغییر الفاظ چنین نقل کرده: { كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ } يقول: « لم تكونوا شيئاً فخلقكم، ثم يميتكم، ثم يحييكم يوم القيامة. »<sup>3</sup> (یعنی شما چیزی نبودید پس شما را خلق کرد، سپس شما را می میراند و سپس در روز قیامت شما را زنده می کند.)

و: در باره آیت { هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ... }<sup>4</sup>

1- عن ابن مسعود -رضی الله عنه- - وعن ناس من أصحاب النبي - صلی الله علیه وسلم - : { هو الذي خلق لكم

1- المستدرک علی الصحیح للحاکم ( 2 / 475 / شماره حدیث : 3636) سند حدیث صحیح است. این حدیث صحیح است و به شرط شیخین برابر است ، ولی شیخین این حدیث را تخریح نکرده اند.

- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ( 7 / 5 / شماره حدیث : 11320). سند حدیث ضعیف است<sup>2</sup>

- جامع البیان فی تأویل القرآن ( 1 / 418 / شماره حدیث : 574).<sup>3</sup>

4- البقرة: 29

ما في الأرض جميعاً ثم استوى إلى السماء...}. قال: إن الله تبارك وتعالى كان عرشه على الماء، ولم يخلق شيئاً غير ما خلق قبل الماء. فلما أراد أن يخلق الخلق، أخرج من الماء دخاناً، فارتفع فوق الماء فسماه عليه، فسماه سماء».

1

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در تفسیر این آیه چنین نقل شده: {هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ}. ابن مسعود -رضی الله عنه- فرمود: عرش الله -جل جلاله- برآب بود، هیچ چیز را قبل از آب نیافریده بود، الله -جل جلاله- زمانیکه اراده پیدایش مخلوقات را کرد، از آب دودی بلند شد، به طرف بالا، نام گذاشته شد آسمان.)

عین لفظ را ابن جریر طبری در تفسیر خود از ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده است<sup>۲</sup> و امام ابن کثیر در تفسیر خود از ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده، بازیدت بعضی الفاظ. و امام سیوطی در تفسیرش از ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده و گفته است سند آن حدیث حسن است.<sup>۳</sup>

{.....}

اثر دیگری از ابن مسعود -رضی الله عنه- در مورد آیه « فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ » باروایت های متعدد بیان شده این روایت است: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ مَسِيرَةُ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ، ثُمَّ مَا بَيْنَ كُلِّ سَمَاءٍ مَسِيرَةُ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ، وَغَلَطَ كُلُّ سَمَاءٍ مَسِيرَةُ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ، ثُمَّ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ

---

1- السلمی، النیسابوری، أبوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه بن المغیره بن صالح بن بکر (-) کتاب التوحید لابن خزیمه واثبات صفات الرب عزوجل (ج: 2 ص: 886) تحقیق: عبد العزیز بن ابراهیم الشهوان، الناشر: مکتبه الرشد - السعودیه - الرياض. سند حدیث حسن است

- جامع البیان فی تأویل القرآن للطری (ج: 1 ص: 435).<sup>2</sup>

- تفسیر القرآن العظیم لابن کثیر (1 / 214). تفسیر القرآن العظیم للسیوطی (1 / 106).<sup>3</sup>

وَيَنْ الْكُرْسِيِّ خَمْسِمِائَةَ عَامٍ، وَمَا بَيْنَ الْكُرْسِيِّ وَبَيْنَ الْمَاءِ خَمْسِمِائَةَ عَامٍ، وَالْكُرْسِيُّ فَوْقَ الْمَاءِ، وَاللَّهُ تَعَالَى فَوْقَ الْعَرْشِ، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْءٌ.»<sup>1</sup>

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده است ، می فرماید : مابین آسمان وزمین به فاصله (500) ساله راه است ، باز میان هرآسمان به پنج صدساله راه است ومین هرآسمان به همین اندازه مصافه است ، باز میان آسمان هفتم وکرسی ، الله -جل جلاله- پنج صد ساله راه است ، میان کرسی ومیان آب پنج صدساله راه است ، وکرسی پروردگار بالای آب است ، والله متعال بالای عرش است ، هیچ چیزی از اعمال وکردار شما از الله -جل جلاله- پنهان نمی ماند.)

این حدیث را امام ابن الاثیر در کتاب خود از طریق ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده است، امام بن خزیمه هم در کتاب خود به نام التوحید، از طریق : حماد ، از عاصم ، از زر ، از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده. در روایت دیگری از طریق عاصم ، از مسیب بن رافع از وائل بن ربیع از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه - روایت شده ، عین عبارت را امام سجستانی در کتاب خود ، به نام الرد علی الجهمیه ، در باب : ( استواء الرب تبارک وتعالی علی العرش) از ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده ، امام عبد الله الأندلسی در کتاب " اصول السنة " این حدیث را به عین عبارت وازعین اسناد از ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده است .<sup>2</sup>

---

- العظمة (ص 82 شماره : 205 و ص: 196 شماره : 567)<sup>1</sup>

- أبو عبد الله ، الأندلسی ، محمد ابن عبد الله ، ابن أبي زمينين (1415هـ) رياض الجنة بتخریج أصول السنة (ج: 1 ص: 104 شماره حدیث: 39104). تحقیق: عبد الله بن محمد عبد الرحيم بن حسين البخاری ، الناشر: مكتبة الغرباء الأثرية - المدينة المنورة ، چاپ اول<sup>2</sup>

امام ابن بطة العكبري اين حديث را در كتاب اش، به نام " الإبانة الكبرى " باسند تغير از طريق يزيد بن هارون ، از أبوالنضر هاشم بن القاسم ، از مسعودي ، از عاصم ، از زر بن الجيش ، از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- عين عبارت را نقل کرده است . اين حديث ضعيف از جهت مسعودي ، زيرا که در آخر عمر اش مختلط شده.<sup>1</sup>

امام ابن قدامه المقدسي در كتاب اش به نام : " أثبات صفة العلو " در باب اقوال الصحابه " اين حديث را به عين عبارت از طريق ابن مسعود -رضى الله عنه- نقل کرده است ، امام الهيثمي در كتاب اش به نام " مجمع الزوائد " عين عبارت را ، از طريق ابن مسعود -رضى الله عنه- نقل کرده است ، امام طبراني در كتاب اش المعجم الكبير از طريق المسيب بن رافع ، از وائل بن ربيعة از ابن مسعود -رضى الله عنه- عين عبارت حديث را نقل کرده است .<sup>2</sup>

- التهذيب ( ج 2: ص: 523).<sup>1</sup>

<sup>2</sup>- أبو محمد الأصبهاني ، محمد عبد الله بن محمد بن جعفر، بن حيان الأنصاري (1408 هـ) العظمة (ج: 2 ص: 688). تحقيق : رضاء الله بن محمد إدريس المباركفوري ، الناشر: دار العصمة - الرياض، چاپ اول. الأسماء والصفات للبيهقي (ج: 2 ص: 291). جامع الأصول في احاديث الرسول (ج: 4 ص: 21). التوحيد لابن خزيمة (ج: 1 ص: 243) (أبوسعيد، الدارمي ، السجستاني عثمان بن سعيد بن خالد بن سعيد(1416هـ - 1995 م) الرد على الجهمية ، باب استواء الرب تبارك وتعالى على العرش(ج: 1 ص: 55) تحقيق : بدر بن عبد الله البدر، الناشر: دار ابن الأثير - الكويت، چاپ دوم ( أبو عبد الله ، العكبري ، عبيد الله بن محمد بن محمد بن حمدان ، المعروف : بابن بطة ( -- ) الإبانة الكبرى لابن بطة (ج: 7 ص: 171 شماره حديث: 128) تحقيق : رضا معطي ، وعثمان الأنبيوي ، ويوسف الوابل ، والوليد بن سيف النصر، وحمد التويجري ، الناشر: دار الراية للنشر والتوزيع - الرياض ( أبو عمرو الداني ، عثمان بن سعيد ، بن عمر، الرسالة الوافية لمذهب اهل السنة في الاعتقادات واصول الديات) در فصل في العرض والكرسى ،(ج: 1 ص: 141 شماره حديث: 23) تحقيق: دغش بن شيب العجمي ، الناشر: دار الإمام احمد - الكويت ، چاپ اول: (1421 هـ - 2000 م ) ( أبو محمد ، المقدسي ، محمد موفق الدين عبد الله بن احمد ، بن محمد، الشهير بابن قدامة ( -- ) أثبات صفة العلو) در باب اقوال الصحابة - رضى الله عنه - (ج: 1 ص: 152) تحقيق: احمد بن عطية بن على الغامدي ، الناشر: مكتبة العلوم والحكم ، المدينة المنورة ، المملكة العربية السعودية . چاپ اول: (1409 هـ - 1988 م ). مجمع الزوائد ومنبع الفوائد للهيثمي (ج: 1 ص: 169) المعجم الكبير للطبراني (ج: 24 ص: 287 شماره حديث : 8986).



مطلب چهارم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- مورد آیات سی ام الی چهل و هفتم

الف: در باره آیت {وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً..} <sup>1</sup>

1- «عن ابن مسعود، وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم: أن الله جل ثناؤه قال للملائكة: {إني جاعل

في الأرض خليفة} قالوا: ربنا وما يكون ذلك الخليفة؟ قال: يكون له ذرية يفسدون في الأرض ويتحاسدون ويقتل

بعضهم بعضاً» <sup>2</sup>

( از ابن مسعود -رضی الله عنه-از تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نقل شده که : الله متعال برای

فرشتگان گفت : ( من در زمین خلیفه خواهم گماشت ) فرشتگان گفتند پروردگارا ! این خلیفه کیست؟ پروردگار

فرمود : این جانشین کسی می باشد که ، از وی ذریه باقی می ماند وفساد می کنند درزمین ، وباهم حسد می

ورزند ، وبعضی ، بعضی دیگرشان را به قتل می رساند.)

2- عن ابن مسعود -رضی الله عنه- وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم: " لما فرغ الله من خلق ما

أحبّ، استوى على العرش، فجعل إبليس على مُلْك سماء الدنيا، وكان من قبيلة من الملائكة يقال لهم الجنّ -" وإنما

سموا الجنّ لأنهم خزّان الجنة" وكان إبليس مع مُلكه خازنا، فوقع في صدره كبر، وقال: ما أعطاني الله هذا إلا لمزية

لي» <sup>3</sup>

---

1- البقرة: 31

2- جامع البيان في تأويل القرآن للطبري (ج: 1 ص: 451 و 458)

3- . وامام ابن جرير طبري درصحيح وضعيف تاريخ خود به به رقم (ج: 6 ص: 51 شماره حديث : 105) این حديث را نقل کرده ، تحقيق :

محمد بن طاهر البرزنجي ، ناشر: دارابن كثير - دمشق - بيروت، چاپ اول. سند حديث حسن گفته شده است.

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- روایت شده است که گفته اند: زمانیکه پروردگار آنچه که مناسب بود، از پیدایش مخلوقات اش فارغ شد و برعرش اش غلبه کرد، و ابلیس که در آن وقت فرماندهی آسمان را میکرد، از جمله ملایکه بود، و به نام " جن " یاد می شد، و جن را به خاطر این جن میگویند که خزانه دار جنت بود، و ابلیس باوجود فرمانده بود، و خازن جنت هم بود؛ سپس درقلب اش کبروغرورخطورکرد، وگفت: این همان خصوصیات و مزایای است که الله برایم نصیب گردانید.)

3- عن ابن مسعود -رضی الله عنه- وعن ناس من أصحاب النبي - صلی الله علیه وسلم : { وَتُقَدِّسُ لَكَ } قال: يقولون:

نصلي لك.<sup>1</sup>

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- روایت شده است که گفته اند: ملائکه ها گفتن پروردگارا ما پاکی تورا بیان می کنیم) ، به معنی این که خاص برای تونماز می خوانیم.)

ب: در باره آیت {وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ... }<sup>2</sup>

1- عن ابن مسعود -رضی الله عنه- - وعن ناس من أصحاب النبي - صلی الله علیه وسلم : {ثم عرضهم} ثم عرض

الخلق على الملائكة.<sup>3</sup>

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- روایت است که گفته اند: الله -جل جلاله- نام تمام اشیاء را به آدم -علیه السلام- تعلیم داد، سپس نام های مخلوقات را پیش کرد، بر ملائکه ها)

2- عن ابن مسعود -رضی الله عنه- - وعن ناس من أصحاب النبي - صلی الله علیه وسلم : {إن كنتم صادقين} أن بني

- جامع البيان في تأويل القرآن للطبري (ج: 1 ص: 474). سند حديث حسن است <sup>1</sup>

<sup>2</sup>- البقرة: 31

- طبري، جامع البيان في تأويل القرآن، ( 1 / 487 ) سند حديث حسن است <sup>3</sup>

آدم يفسدون في الأرض ويسفكون الدماء»<sup>1</sup>

(از ابن مسعود -رضي الله عنه- و از تعداد اصحاب پیامبر -صلى الله عليه وسلم- روایت است که در مورد آیه «ان كنتم صادقين» گفته اند: به تحقیق اولادهای آدم فساد می کنند در زمین ،خون می ریزانند.)

ج: در باره آیه {وَأَعْلَمُ مَا تَبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ...}<sup>2</sup>

عن ابن مسعود- رضي الله عنه - وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم : {وَأَعْلَمُ مَا تَبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ} قال: قولهم: {أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا}، فهذا الذي أبدؤا {وما كنتم تكتمون} يعني ما أسر إبليس في نفسه من الكبر.<sup>3</sup>

(از ابن مسعود -رضي الله عنه- و از تعداد اصحاب پیامبر -صلى الله عليه وسلم- روایت است که گفته اند: زمانیکه الله -جل جلاله- گفت برای ملائکه : و آنچه را که شما آشکار می سازید و آنچه را پنهان می دارید، من می دانم ، این در جواب قول ایشان است ، گفتند: آیا در آن کسی را می گماری که آن فساد می کند و خون ها را می ریزانند. این آنچیزی است که آنها آشکار کردن ، {وما كنتم تكتمون} یعنی : آنچه را که شیطان در نفس اش کتمان کرده بود، از سجده کردن به آدم - علیه السلام - به سبب کبر و غرور که داشت، إيا ورزید.)

د: در باره آیه {وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ...}<sup>4</sup>

1- عن ابن مسعود- رضي الله عنه - وعن أناسٍ من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم : لَمَّا فَرَعَ اللَّهُ مِنْ خَلْقِ مَا

<sup>1</sup>- طبری، جامع البيان في تأويل القرآن، ( 1 / 487).

<sup>2</sup>- سورة بقره آیه ( 32 )

<sup>3</sup>- جامع البيان في تأويل القرآن للطبري ( 1 / 498 ) تفسير القرآن العظيم لابن كثير ( 1 / 226 ) وامام سيوطي در تفسير اش ( الدر المنثور في

تفسير المأثور ) ( 1 / 122 ).

<sup>4</sup> - سورة بقره آیه (34)

أَحَبَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ، فَجَعَلَ إِبْلِيسَ عَلَى مُلْكِ السَّمَاءِ الدُّنْيَا، وَكَانَ مِنْ قَبِيلَةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يُقَالُ لَهُمْ : الْجِنُّ، وَإِنَّمَا سُمُّوا الْجِنَّ لِأَنَّهُمْ خُرَانُ الْجَنَّةِ، وَكَانَ إِبْلِيسُ مَعَ مُلْكِهِ خَازِنًا، فَوَقَعَ فِي صَدْرِهِ كِبْرٌ وَقَالَ: مَا أَعْطَانِي اللَّهُ هَذَا إِلَّا لِمَزِيَّةٍ لِي عَلَى الْمَلَائِكَةِ، فَلَمَّا وَقَعَ ذَلِكَ الْكِبْرُ فِي نَفْسِهِ اطَّلَعَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ مِنْهُ، فَقَالَ اللَّهُ لِلْمَلَائِكَةِ : {إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً} قَالُوا : رَبَّنَا! وَمَا يُكُونُ ذَلِكَ الْخَلِيفَةُ ؟ قَالَ: يُكُونُ لَهُ ذُرِّيَّةٌ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَيَتَحَاسَدُونَ وَيَقْتُلُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا. قَالُوا: رَبَّنَا، {أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ} قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ { يَعْنِي: مِنْ شَأْنِ إِبْلِيسَ. فَبَعَثَ اللَّهُ جِبْرِيلَ إِلَى الْأَرْضِ لِيَأْتِيَهُ بِطِينٍ مِنْهَا، فَقَالَتِ الْأَرْضُ: إِنِّي أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْكَ أَنْ تَقْبِضَ مِنِّي أَوْ تَشِينَنِي فَرَجَعَ وَلَمْ يَأْخُذْ، وَقَالَ: رَبِّ مَنِي عَادَتِ بكَ فَأَعَدْتَهَا، فَبَعَثَ مِيكَائِيلَ، فَعَادَتِ مِنْهُ فَأَعَادَهَا، فَرَجَعَ فَقَالَ كَمَا قَالَ جِبْرِيلَ، فَبَعَثَ مَلَكَ الْمَوْتِ فَعَادَتِ مِنْهُ. فَقَالَ: وَأَنَا أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَرْجِعَ وَلَمْ أَنْفِذْ أَمْرَهُ، فَأَخَذَ مِنْ وَجْهِ الْأَرْضِ، وَخَلَطَ وَلَمْ يَأْخُذْ مِنْ مَكَانٍ وَاحِدٍ، وَأَخَذَ مِنْ تَرْتِيبِ حَمْرَاءَ وَبَيْضَاءَ وَسُودَاءَ، فَلِذَلِكَ خَرَجَ بَنُو آدَمَ مُخْتَلِفِينَ }<sup>1</sup>

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- روایت شده است که گفته اند: ملائکه ها گفتند : پروردگارا ! کسی را در زمین جای نشین ما می آوری که ، فساد می کنند ، خون می ریزانند، وماتسبیح وتقديس تورا بیان می کنیم ، پروردگار فرمود: چیزی من میدانم شما نمیدانید) سپس پروردگار حضرت جبریل را به زمین روان کرد ، تامقدار از گل را از زمین بردارد ، زمین گفت به حضرت جبریل : که من پناه می برم به الله ! از این که چیزی از من را کم کنی ، وحضرت جبریل رفت چیزی از خاک باخود نبرد ، وبه الله -جل جلاله- - خبرداد که زمین پناه خواست به شما ، از کم کردن خاکش ، الله -جل جلاله-میکائیل را روان کرد، بازهم زمین از دادن خاک معذرت خواست ، ومکاتل - علیه السلام - بدون خاک برگشت ، حکایت خود را

<sup>1</sup>- تاریخ الطبری (ج: 1 ص: 58) تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر (ج: 1 ص: 229)

به الله -جل جلاله- کرد.الله -جل جلاله- - ملك الموت را روان کرد، بازهم زمین پناه خواست، از دادن خاک اش ،ملك الموت پناه خواست به الله ، ازاین که واپس شوم ، ولی امرالله -جل جلاله- نافذ نکنم ، وسپس ملك الموت در زمین گشت زد واز جاهای مختلف خاک برداشت ، از خاک سیاه ، سرخ ، سفید ، واین خاک را ملك الموت به پرودگار اش انتقال داد ، به همین خاطر انسانها از گل بدبوی که باهم مخلوط شده بود ، به طبیعت های مختلف آفریده شدند.)

امام ابوبکر البیهقی در کتاب اسماء وصفات خود ، دردو جای جداگانه این روایت را ، از طریق ابوعبد الله الحافظ ، از ابواحمد محمد بن محمد بن اسحاق الصفار ، از احمد بن محمد بن نصر اللباد ، از عمر و بن حماد بن طلحه ، از اسباط ابن نصر ، از سدی ، از ابی مالک ، از ابی صالح ، از ابن عباس -رضی الله عنه- ، از مره الهمدانی ، از ابن مسعود - رضی الله عنه در قصه خلق آدم - علیه السلام - این روایت را ذکر کرده است.<sup>1</sup>

2- عن ابن مسعود- -رضی الله عنه- - وعن ناس من أصحاب النبي - صلی الله علیه وسلم : أن عدو الله إبليس أقسم

بعزة الله لِيُغْوِيَنَّ آدم وذريته وزوجه، إلا عباده المخلصين منهم، بعد أن لعنه الله، وبعد أن أخرج من الجنة، وقبل أن

يهبط إلى الأرض.»

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- واز تعداد اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- روایت شده است که گفته اند: دشمن الله -جل جلاله- شیطان قسم یاد کرده گفت: قسم می یاد می کنم به عزت الله که خواهم خواه گمراه می کنم آدم و اولادهای وی را ، مگر بندهای مخلص اش را نمی توانم ، این درحالت بود که از درگاهی الله -جل جلاله- رانده شده بود ، وبعد از اینکه از جنت اخراج کردید ، وپیش از پائین شدنش به زمین.)

---

<sup>1</sup>- الأسماء والصفات للبيهقي ، این حدیث را درباب ماجاء فی تفسیر الروح وقوله عزوجل ، به رقم : (ج: 2 ص: 210 شماره حدیث : 773 / و جای دیگری درباب فبعث ملك الموت فعادت منه فأعادها فرجع ، به رقم : (ج: 2 ص: 313 شماره حدیث : 747).

ه: در باره آیت (وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ)<sup>1</sup>

عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ - رضي الله عنه - وَعَنْ أَنَسٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالُوا: أُخْرِجَ إِبْلِيسُ مِنَ الْجَنَّةِ  
وُلِعِنَ وَأُسْكِنَ آدَمَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - حِينَ قَالَ لَهُ: {اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ} فَكَانَ يَمْشِي فِيهَا وَخَشِيًّا لَيْسَ لَهُ زَوْجٌ يَسْكُنُ  
إِلَيْهَا، فَتَامَ نَوْمَهُ فَاسْتَيْقَظَ وَإِذَا عِنْدَ رَأْسِهِ امْرَأَةٌ قَاعِدَةٌ خَلَقَهَا اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - مِنْ ضِلْعِهِ، فَسَأَلَهَا مَا أَنْتِ؟ قَالَتْ: امْرَأَةٌ،  
قَالَ: وَلِمَ خُلِقْتِ؟ قَالَتْ: لِتَسْكُنَ إِلَيَّ، فَقَالَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - يَنْظُرُونَ مَا بَلَّغَ عِلْمُهُ: مَا اسْمُهَا يَا آدَمُ؟ قَالَ:  
حَوَاءُ، قَالُوا: لِمَ سُمِّيَتْ حَوَاءُ؟ قَالَ: لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِنْ شَيْءٍ حَيٍّ، فَقَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - لَهُ: {يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ  
الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا} وَالرَّغْدُ، الْهَيْئَةُ {وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ}، ثُمَّ إِنَّ إِبْلِيسَ حَلَفَ لَهُمَا:  
وَاللَّهِ إِنِّي لَكُمْ لِمَنْ النَّاصِحِينَ وَقَالَ: «يَا آدَمُ أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَى»<sup>2</sup> وَعَلِمَ أَنَّ لَهُمَا سَوْءَةً وَإِنَّمَا أَرَادَ أَنْ  
يُبْدِيَ لَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا مَا تَوَارَى عَنْهُمَا وَيَهْتِكَ لِبَاسَهُمَا، فَتَقَدَّمَتْ حَوَاءُ، فَأَكَلَتْ، ثُمَّ قَالَتْ: يَا آدَمُ! كُلْ؛ فَإِنِّي قَدْ أَكَلْتُ؛  
فَلَمْ يَضُرِّي، فَلَمَّا أَكَلَ آدَمُ؛ {بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ} {وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ  
تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْنَا لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ}<sup>3</sup> فَقَالَ آدَمُ: إِنَّهُ حَلَفَ لِي بِكَ وَلَمْ أَكُنْ أَظُنُّ أَنَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ يَخْلِفُ  
بِكَ كَاذِبًا، {وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ}<sup>4</sup> (قَالَ: اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ، فَأَهْبِطْهُم إِلَى الْأَرْضِ، آدَمُ وَحَوَاءُ  
وَإِبْلِيسُ وَالْحَيَّةُ {وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ} <sup>5</sup>»<sup>6</sup>

1- البقرة: 35

2- ( طه: 123 )

4- الاعراف: 23

5- البقرة: 26

6- الاسماء والصفات للبيهقي (ج: 2 ص: 259 شماره حديث: 820) التوحيد ومعرفة أسماء الله عز وجل وصفاته على الاتفاق والتفرد لابن منده

(ج: 1 ص: 213 شماره حديث: 76) (أبو القاسم، الملقب بقوام السنة، إسماعيل بن محمد بن الفضل، بن علي القرشي الطليحي التيمي الحجة في

(از ابن مسعود - رضی الله عنه - واز تعداد اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - این روایت را نقل شده است که شیطان زمانیکه بیرون رانده شد از جنت ، مورد لعنت الله - جل جلاله - قرار گرفت ، و آدم - علیه السلام - به امر پروردگار در جنت سکونت اختیار کرد ، برایش گفته شد: { **اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ** } آدم - علیه السلام - در جنت تنها گشت و گذار می کرد ، ناگهان خوابش برد ، واز خواب بیدار شد ، دید که بالای سرش زنی نشسته است ، زنی که در روایت ها آمده که از قبرغه چپ آدم - علیه السلام آفریده شده ، آدم - علیه السلام - سوال کرد کی هستی تو؟ حواء گفت : من زن هستم ، آدم - علیه السلام - گفت برای چه آفریده شدی ؟ حواء گفت : تا تو بامن یگ جا زندگی کنی ، ملائکه ها سوال کردن از آدم - علیه السلام - نام این چیست ؟ آدم - علیه السلام - گفت : نام اش حواء است ، باز ملائکه ها گفتند : چرا حواء نامیده شده ، آدم - علیه السلام - گفت : زیرا که آفریده شده ، از چیزی زنده ، بناءً الله - جل جلاله - برایش گفت : ای آدم { **يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا** } رغداً " یعنی : گوارا ، (یا آنچه که بدون زحمت بدست آید ) اما ! { **وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ** } ای آدم ، به این درخت نزدیک نشوی ، سپس إبلیس قسم یاد کرد برای شان گفت : { **وَاللَّهِ إِنِّي لَكُمْ لِمَنِ النَّاصِحِينَ** } قسم است به الله که من خیر خواه شما هستم ، و شیطان گفت : ای آدم ، آیا شما را دلالت نکنم به درخت که ، اگر شما از آن استفاده کنید ، همیشه در جنت باقی خواهید ماند ، شیطان گفت : { **يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى** } و شیطان به وسیله سوگندهای دروغ

---

بیان المحجة وشرح عقيدة أهل السنة (ج: 1 ص: 410 شماره حدیث : 216) تحقیق : محمد بن ربیع بن هادی عمیر المدخلی ، الناشر: دار الراهة - السعودية - الرياض ، چاپ دوم ( جامع البیان فی تاویل القرآن (ج: 1 ص: 513). تفسیر القرآن العظیم لابن آبی حاتم (ج: 1 ص: 85 / شماره حدیث : 372 / و جای دیگری به رقم ج: 5 ص: 1448 شماره حدیث : 8276) تفسیر القرآن العظیم لابن کثیر (ج: 1 ص: 234) الدرالمأثور فی تفسیر المأثور للسیوطی (ج: 1 ص: 119) صحیح وضعیف تاریخ الطبری ، در باب : فی خلق آدم - علیه السلام - (ج: 6 ص: 64 شماره حدیث : 132). آبوالقاسم ، علی بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساکر تاریخ دمشق لابن عساکر (ج: 7 ص: 402) تحقیق : عمرو بن غرامة العمروی ، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع. سند حدیث حسن است.

و فریبنده خواست که آدم و حواء را از مرتبه بلندی و برتری که همان مرتبه اطاعت و کرامت است به پستی کشاند که این کار را کرد ، زمانیکه از آن درخت چشیدن عورت های شان بر آنان آشکار شد ، الله متعال در این آیه چنین اشاره کرده : { فلما ذاق الشجرة بدت لهما سوءا لهما ، وطفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة وناداهما ربهما ألم أنهكما عن تلكم الشجرة وأقل لكم إن الشيطان لكم عدو مبين } آدم - علیه السلام - گفت : پرودگارا ! شیطان قسم یاد کرد به من و من گمان نمی‌کردم که مخلوقات ات به تو به دروغ قسم یاد کنند، و به الله پناه خواست فرمود: { قالاً ربنا ظلمنا أنفسنا وإن لم نغفر لنا وترحمنا لنكونن من الخاسرين } پرودگار فرمود: پایین شوید، بعض تان برای بعض تان دشمن هستید، پس پایین شدن ، آدم ؛ حواء ، شیطان ، ومار ، پرودگار فرمود : { ولکم فی الارض مستقر و متاع إلی حین } (و برای شما در زمین قرارگاه و بهره بردن است تا یک زمان معین).

این روایت را مسلم بن الحجاج ، ازمره ، از سدی ، از عمر بن حماد ، از اسباط بن نصر در کتاب اش ، و سند این حدیث هم ثابت است . امام طبری در کتاب اش به نام " صحیح وضعیف تاریخ الطبری " در باب " القول فی باب خلق آدم - علیه السلام - این حدیث را آورده و گفته : این حدیث صحیح نیست . و امام بیهقی در کتاب الاسماء والصفات اش ، از طریق اسباط ، از سدی ، از ابی مالک ، از ابی صالح ، از ابن عباس - رضی الله عنه - از مره الهمدانی ، از ابن مسعود - رضی الله عنه - و از تعداد اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - عین واقعه را بیان کرده و امام طبری در تفسیر اش ، از طریق موسی ابن هارون این واقعه را نقل کرده است ، ابن ابی حاتم رازی از طریق اسباط ، از عبد الرحمن السدی ، که سلسله اسنادش را به عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - نرسیده جزئی این واقعه را بیان کرده ، و امام اسماعیل بن محمد الأصبهانی ، ابوالقاسم ، الملقب بقوام السنه ، در کتاب اش به نام " الحجة فی بیان المحجة و شرح عقیده اهل السنه " این حدیث را از طریق ابن مسعود - رضی الله عنه - نقل کرده ، امام ناصر الدین البانی هم این حدیث را در کتاب اش به نام " سلسله الأحادیث الضعیفة والموضوعة " از طریق ابن مسعود - رضی الله عنه - نقل کرده ، ابن کثیر هم در تفسیر اش این حدیث را از طریق ابن مسعود - رضی الله



عنه - نقل کرده، امام جلال الدین "السیوطی" این تفسیر را نقل کرده، و نسبت داده آنرا به ابن جریر طبری، و ابن ابی حاتم رازی، که سند این حدیث را تا عبد الرحمن السدی رسانیده و جزاز تفسیر را از وی نقل کرده و بیهقی، ابن عساکر و تمام اینها این حدیث را از طریق عبد الرحمن السدی نقل کرده است.<sup>1</sup>

3- عن ابن مسعود - رضي الله عنه - وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم - {وكلا منها رغدا} قال:

الرغد، الهنيء. <sup>2</sup>

(از ابن مسعود - رضی الله عنه - در تفسیر این آیه نقل شده است که بخورید از نعمتهای فراوان و گوارا "رغداً" یعنی: گوارا، (یا آنچه که بدون زحمت بدست آید)

امام سیوطی این حدیث را نقل کرده، نسبت داده به ابن جریر طبری و ابن عساکر، از ابن مسعود - رضی الله عنه - و از تعداد اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - عین ترجمه نقل شده، ابن جریر طبری این حدیث را نسبت داده به ابن ابی حاتم، از ابن عباس - رضی الله عنه - در تفسیر این آیه می فرماید: " قَالَ: الرغد سَعَةُ العيشة " یعنی: زندگی واسع و فراخ.<sup>3</sup>

4- عن ابن مسعود- رضي الله عنه - وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم: { ولا تقرّبا هذه الشجرة }

---

<sup>1</sup> - جامع البيان في تأويل القرآن (ج: 1 ص: 513). تفسير القرآن العظيم لابن أبي حاتم (ج: 1 ص: 85 / شماره حدیث: 372 / و جای دیگری به رقم: ج: 5 ص: 1448 شماره حدیث: 8276) تفسير القرآن العظيم لابن كثير (ج: 1 ص: 234) الدرالمأثور في تفسير المأثور للسيوطي (ج: 1 ص: 119) صحيح وضعيف تاريخ الطبري، در باب: في خلق آدم - عليه السلام - (ج: 6 ص: 64 شماره حدیث: 132). أبو القاسم، علی بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساکر تاريخ دمشق لابن عساکر (ج: 7 ص: 402) تحقيق: عمرو بن غرامة العمري، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع. سند حدیث حسن است.

- جامع البيان في تأويل القرآن للطبري (ج: 1 ص: 515) <sup>2</sup>

- الدر المنثور في تفسير المأثور (ج: 1 ص: 129) <sup>3</sup>

قال: هي الكرمة، وتزعم اليهود أنها الحنطة.<sup>1</sup>

(از ابن مسعود - رضی الله عنه - واز تعداد اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نقل شده که ، الله متعال به آدم - علیه السلام - گفت: " به این درخت نزدیک نشوی " مراد از این درخت ، درخت انگور است ، ولی یهود گمان می کردند که درخت گندم است.)

و: در باره آیت { فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ... }<sup>2</sup>

1- عن ابن مسعود - رضي الله عنه - وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم : لما قال الله عز وجل لآدم : { اسكن أنت وزوجك الجنة وكلا منها رغداً حيث شئتما ولا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين } أراد إبليس أن يدخل عليهما الجنة، فمنعته الخنزرة، فأتى الحية وهي دابة لها أربع قوائم كأنها البعير، وهي كأحسن الدواب ، فكلمها أن تدخله في فمها حتى تدخل به إلى آدم، فأدخلته في فمها ، قال أبو جعفر: والفقم جانب الشدق ، فمرت الحية على الخنزرة فدخلت ولا يعلمون لما أراد الله من الأمر<sup>3</sup>

( ابن مسعود - رضی الله عنه - نقل کرده اند: زمانیکه پروردگار برای آدم - علیه السلام - گفت : " آی آدم ! تووهمسرت در بهشت سکونت کنی ، واز نعمتهای فراوان این جنت دره رجای یش که دل تان می شود بخورید ، ولی به این درخت نزدیک نشوید که میگردید از جمله ستمکاران " شیطان خواست که داخل جنت شود ، خزانه دار جنت وی را مانع شد، سپس مار آمد و این یگ جنبنده برزگ و دارای چهار پا بود ، مانند: شتر و به یک هیئت

---

1 - طبری، جامع البيان في تأويل القرآن، (ج: 1 ص: 519) تفسير القرآن العظيم لابن كثير (ج: 1 ص: 234). صحيح وضعيف تاريخ الطبري (ج: 6 ص: 65 / شماره حديث : 136).

2- البقرة: (36)

3 - تفسير القرآن العظيم لابن كثير (ج: 1 ص: 236). جامع البيان في تأويل القرآن للطبري (ج: 1 ص: 526). فتح القدير (ج: 1 ص: 83). الدر المنثور في تفسير بالمأثور (ج: 1 ص: 131). تاريخ دمشق لابن عساکر (ج: 7 ص: 403). سند حديث حسن است

زیبا و قشنگ ، شیطان از مار خواست تا او را داخل دهنش کرده ، تاین که خود را به آدم - علیه السلام - رسانید گفت : { يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى } (طه: 120) اگر از این استفاده کنی و برای همیشه و جاویدان این جا باقی خواهید ماند ، هرگیز مرگ سراغ شما نخواهد آمد ، برای شان مثال داد ، وجود الله - جل جلاله - و برای شان قسم یاد کرد که من خیر خواه و کمک گار شما هستم ، آدم - علیه السلام - مواصلت نکرد و همسرش پیش شد از درخت ممنوعه خورد ، سپس به آدم - علیه السلام - اشاره کرد که من خوردم توهم بخور که برای من کدام ضرری نکرد ، و زمانیکه خورد آدم - علیه السلام - و لباس های بدن شان از جان شان افتید ، برهنه شدن و شروع کردند به چسپانیدن عورت های شان توسط برگ های درختان جنت.

مفسیرین از سلف مانند : عبد الرحمن السدی ، ابی العالیه ، و وهب بن منبه و غیره ... که اخبار اسرائیلی در باره قصه " مار " و " شیطان " و اینکه چطور داخل جنت شد و وسوسه کرد به آدم - علیه السلام - روایت های مختلف ذکر شده ، از آن جمله : امام طبری ، جلال الدین سیوطی در تفسیرش با کمی اختلافات الفاظ این حدیث را نقل کرده ، امام شوکانی ، ابن عساکر در تاریخ اش و ابن کثیر در تفاسیر خود این قصه را از طریق ابن مسعود - رضی الله عنه - نقل کرده اند.<sup>1</sup>

2- عن سفیان الثوری - رحمه الله - كَانَ أَصْحَابُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - يَقْرَأُونَهَا : { فَأَزْلَهُمَا

الشَّيَاطِينُ }<sup>2</sup>

(امام سفیان ثوری در تفسیرش نقل می کند که : یاران عبد الله ابن مسعود - رضی الله عنه - این آیه را چنین قرائت می کردند : به جای شیطان ، شیاطین تلاوت می کردند ، { فَأَزْلَهُمَا الشَّيَاطِينُ } .

<sup>1</sup> - تاریخ دمشق لابن عساکر (ج: 7 ص: 402)

<sup>2</sup> - الثوری ، الکوفی أبو عبد الله سفیان بن سعید ، بن مسروق (1403 هـ - 1983 م) تفسیر الثوری (ج: 1 ص: 44) ناشر: دار الکتب العلمیة ، بیروت - لبنان چاپ اول.

3- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فِي قَوْلِهِ {وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ} فَوْقَ الْأَرْضِ وَمُسْتَقَرٌّ تَحْتَ الْأَرْضِ قَالَ {وَمَتَاعٌ

إِلَى حِينٍ} حَتَّى يَصِيرَ إِلَى الْجَنَّةِ أَوْ إِلَى النَّارِ.<sup>1</sup>

(از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت است که در تفسیر این آیه چنین بیان می کند: زمانیکه پروردگار دستوری به آدم و حواء به بیرون آمدن از بهشت برین به سوی زمین داد و فرمود: {وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ} ابن مسعود - رضی الله عنه - میگوید: برای شما تاملتی در بالای زمین مسکن و قرارگاهی قراردادیم " و مستقر " در زیر زمین ، {وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ} تا وقت معین یعنی: تا پایان اجل هایتان از دنیا بهرمنند می شوید و سپس برمیگردید به سوی ما، یا به جنت و یا به دوزخ.)

مطلب پنجم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در مورد آیات چهل هفتم الی شصت و یکم

الف: در باره آیت {يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا...}.<sup>2</sup>

1- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: إِسْرَائِيلُ هُوَ يَعْقُوبُ.<sup>3</sup>

(از ابن مسعود - رضی الله عنه - نقل شده است که گفته است: مراد از اسرائیل یعقوب - علیه السلام - است.

2- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: إِسْرَائِيلُ هُوَ يَعْقُوبُ وَإِلْيَاسُ هُوَ إِدْرِيسُ.<sup>4</sup>

(از ابن مسعود - رضی الله عنه - نقل شده است که گفته است: مراد از اسرائیل یعقوب - علیه السلام - و مراد از الیاس ادريس عليه السلام - است.)

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فِي قَوْلِهِ {وَأَوْفُوا بِعَهْدِي} يَقُولُ: مَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ مِنْ طَاعَتِي وَنَهَيْتُكُمْ عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِي فِي

---

1 - الدر المنثور في التفسير بالمأثور (ج:1ص: 135).

2- البقرة: 47

3- الدر المنثور في التفسير بالمأثور (ج:1ص: 153)

4 - تفسير القرطبي ( ج : 15 ص: 115).<sup>4</sup>

النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : وَغَيْرِهِ {أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ} يَقُولُ: أَرْضِ عَنْكُمْ وَأَدْخِلْكُمْ الْجَنَّةَ»<sup>1</sup>.

(از ابن مسعود - رضی الله عنه - در این قول الله - جل جلاله - {وَأَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ} نقل کرده اند که معنی آن این است: آنچه که من امر کردم شمار را به آن از من اطاعت کنید ، واز آن چه که شمارا منع کردم از نافرمانی به پیامبر - صلی الله علیه - پس اگر از آن منع شدید ، {أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ} از شما راضی خواهم شد ، و شمار را داخل جنت خواهم کرد.)

ب: در باره آیت {وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ} <sup>2</sup>

عَنْ عَلْقَمَةَ، قَالَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ: رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - الصَّبْرُ نِصْفُ الْإِيمَانِ، وَالْيَقِينُ الْإِيمَانُ كُلُّهُ»<sup>3</sup>

(از علقمه روایت است که ابن مسعود - رضی الله عنه - گفته است: صبر نصف ایمان است، و یقین کل ایمان است.)

امام بیهقی بازم در کتاب اش از طریق یعقوب بن حمید، از محمد بن خالد المخزومی، از سفیان الثوری از زبید از ابی وائل از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - این حدیث را نقل کرده، امام سیوطی این حدیث را در تفسیرش از طریق ابن مسعود - رضی الله عنه - آورده، و به کتاب بیهقی حواله داده است.<sup>4</sup>

---

<sup>1</sup> - الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (ج: 1 ص: 154). سند حدیث حسن است.

<sup>2</sup> - (بقره : 45)

<sup>3</sup> - مجمع الزوائد ومنبع الفوائد (ج: 1 ص: 64 شماره حدیث : 188). أبو بكر أحمد بن محمد بن هارون بن يزيد الخلال البغدادي الحنبلي (المتوفى: 311هـ) السنة لابی بكر بن الخلال (ج: 5 ص: 22 شماره: 1509) تحقیق : د - عطية الزهراني ، ناشر - رياض - دار الراية ، چاپ اول . جامع الكبير للسيوطي در باب حرف صاد (ج: 1 ص: 13916) حلية الأولياء وطبقات الأصفياء للصبهاني (ج: 5 ص: 34) الدر المنثور فی تفسیر المأثور (ج: 1 ص: 160)

<sup>4</sup> - شعب الايمان للبيهقي (ج: 1 ص: 150 شماره حدیث : 47) رقم : (ج: 12 ص: 193 و 194 / شماره حدیث : 9265 و 9266) الدر المنثور فی تفسیر المأثور (ج: 1 ص: 160).

ج: در باره آیت { وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى... }<sup>1</sup>

1- عن ابن مسعود ، وعن ناس من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم : السلوى طير يشبه السُّماني»<sup>2</sup>

( از ابن مسعود - رضی الله عنه - واز تعداد اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در تفسیر " السلوی " نقل شده است که گفته اند: نوع از پرنده که مشابهت به سمانی (بلدرچین) دارد.)

د: در باره آیت { وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا... }<sup>3</sup>

1- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - رضي الله عنه - قَالَ: قِيلَ لَهُمْ: ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا، فَدْخَلُوا مُقْنَعِي رُؤُسِهِمْ»<sup>4</sup>

( از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - نقل شده است که گفت: زمانیکه برای بنی اسرائیل گفته شد: { ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا } سجد کنان داخل شوید، بنی اسرائیل زمانیکه به بیت المقدس داخل شدن، سرهای خود را بالا گرفته بودند)

2- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - رضي الله عنه - وَقِيلَ لَهُمْ: { ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا... } فَدَخَلُوا مُقْنَعِي رُؤُسِهِمْ، أَي: رَافِعِي

رُؤُسِهِمْ خِلَافَ مَا أُمِرُوا. }<sup>5</sup>

از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - نقل شده است که گفت: زمانیکه برای بنی اسرائیل گفته شد: { ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا } سجد کنان داخل شوید، بنی اسرائیل زمانیکه به بیت المقدس داخل شدن، سرهای خود را شیخ گرفته بودند یعنی برعکس دستور و فرمان الهی عمل کردند و سرهای شان بالا بود)

---

1- ( البقره : 57 )

- جامع البيان في تأويل القرآن للطبري (ج: 2 ص: 96) الدر المنثور في تفسير المأثور (ج: 1 ص: 170) سند حديث حسن است. 2

3- البقرة : 58

- تفسير القرآن العظيم لابن ابي حاتم (ج: 1 ص: 118 شماره حديث : 579) 4

- تفسير القرآن العظيم لابن كثير (ج: 1 ص: 274) تفسير القرآن العظيم لابن حاتم (ج: 5 ص: 54 شماره : 6211). 5

3- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: قِيلَ لَهُمْ: {ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا} فَدَخَلُوا مَقْنَعِي رُؤُوسِهِمْ وَقَالُوا حِنطَةً. حَبَّةٌ

حَمْرَاءُ فِيهَا شَعِيرَةٌ»

(از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - نقل شده است که گفت: زمانیکه برای بنی اسرائیل گفته شد: {ادخلوا الباب سجدا} گرفته بودند و گفتند: گندم، دانه سرخ که در آن جو است.)

امام سیوطی این تفسیر را تخریج نموده، از ابن جریر طبری، از طبرانی، از ابوالشیخ، از حاکم، از ابن مسعود - رضی الله عنه - که سند اش حسن است، نقل کرده، امام ابن کثیر حدیث را آورده با عبارت تغییر (أی: رَافِعِي رُؤُوسِهِمْ خِلَافَ مَا أَمَرُوا) خلاف آنچه که امر شده بودند عمل کردن، باید سجده کنان داخل می شدند، ولی سرهای خود را بلند گرفتن و داخل بیت المقدس شدند، امام شوکانی هم این حدیث را آورده، و فرموده که بنی اسرائیل خلاف آنچه که الله - جل جلاله - برای شان دستور داده بود عمل کردن و به جای " حطه " حنطه گفتن دانه سرخ مراد جواست، امام ابی حاتم در تفسیر این آیه از طریق مقاتل بن محمد، از وکیع، از سفیان، از سدی، از ابی سعد الأزدی، از ابی الکنود، از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - نقل کرده، و هم چنان امام ابی حاتم، از طریق ابوزرعۀ، از عمر بن حماد بن طلحة، از اسباط، از سدی، از مره الهمدانی، از ابن مسعود - رضی الله عنه - عین عبارت امام سیوطی را نقل کرده.<sup>1</sup>

امام طبرانی تفسیر آیه فوق را از طریق عبد الله بن محمد بن سعید ابن ابی مریم، از محمد بن یوسف الفریابی، از سفیان، از سدی، از ابوسعد الأزدی، از ابی الکنود، از ابن مسعود - رضی الله عنه - نقل کرده، در این قول الله

---

- تفسیر القرآن العظيم لابن حاتم (ج: 1 ص: 119 شماره حدیث: 589). - المصاحف لابن ابی داود (ج: 1 ص: 172) <sup>1</sup>

متعال {وقولوا حطه} به جای این گفتند: « حنطة حبة حمراء فيها شعيرة» این قول الله متعال را تبدیل

کردن { فبدل الذين ظلموا قولا غير الذي قيل لهم }<sup>1</sup>

امام ذهبی این حدیث را در تفسیر سورة الاعراف تخریج نموده، از طریق ابواحمد محمد بن إسحاق العدل ، از أحمد بن نصر، از عمر بن طلحه ، از أسباط بن نصر الهمدانی ، از إسماعیل بن عبد الرحمن السدی ، از مرة الهمدانی ، از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- آورده ، و گفته این حدیث صحیح است و به شرط مسلم برابر است.<sup>2</sup>

ه: در باره آیت {مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا.....}<sup>3</sup>

1- عن ابن عباس -رضی الله عنه - قال : قراءتي قراءة زيد وأنا آخذ ، ببضعة عشر حرفا من قراءة ابن مسعود -رضی

الله عنه - هذا أحدها « { من بقلها ، وقثائها وثومها وعدسها وبصلها }<sup>4</sup>

(از ابن عباس -رضی الله عنه - نقل شده است که گفت: قرائت من قرائت زید است، تقریبا از ده بالا حرف های

است که از قرائت ابن مسعود -رضی الله عنه- استفاده می کنم ، یکی آن همین قرائت است ، که در اینجا ذکر شده:

{ من بقلها وقثائها وثومها " بدل فومها وعدسها وبصلها } می باشد.)

---

1. المعجم الكبير للطبرانی (ج: 9 ص: 159 شماره حدیث : 9027). سند حدیث حسن است.<sup>1</sup>

2 - المستدرک علی الصحیحین للحاکم مع تعلیقات (ج: 3 ص: 157 شماره حدیث : 3252). جامع البیان فی تأویل القرآن للطبری ( 2 / 114).

سند حدیث صحیح است.

3- البقرة : 63

4 - أبوبکر، بن آبی داود السجستانی عبد الله بن سليمان بن الأشعث ( -- ) المصاحف لابن أبي داود (ج: 1 ص: 172 شماره حدیث : 141).

تحقیق : محمد بن عبده ، ناشر: الفاروق الحديثة - القاهرة - مصر ) أبو عثمان سعید بن منصور بن شعبة الخراسانی الجوزجانی التفسیر من سنن سعید

بن منصور (ج: 2 ص: 563 شماره : 191) تحقیق د سعد بن عبد الله بن عبد العزيز آل حميد ، چاپ اول. سند حدیث ضعیف است.



امام سیوطی - رحمه الله - این روایت را از طریق ابن المنذر، از ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده است و گفته است: سند این حدیث ضعیف است، از جهت جهالت شیخ هارون در این روایت، زیرا که هارون، ابن مسعود -رضی الله عنه - را ملاقات نکرده.<sup>1</sup>

امام ابن جریری طبری هم این قرائت را نقل کرده از ابن مسعود -رضی الله عنه- فرموده: "و ثومها" بالثاء. اگر این صحیح باشد، پس این از حروف مبدله است.<sup>2</sup>

{أَهْبَطُوا مِصْرًا...}

2- عن أبي بن كعب -رضی الله عنه- وعبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- أنهما قرءا "اهبطوا مصر" بغير ألف...<sup>3</sup>

(از ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- روایت است که آنان {اهبطوا مصرًا} را بدون الف خواندند. یعنی: {اهبطوا مصر} )

3- عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ -رضی الله عنه- قَالَ: كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ فِي الْيَوْمِ تَقْتُلُ ثَلَاثِينَ نَبِيًّا ، ثُمَّ تَقُومُ بِقُلُوبِهِمْ مِنْ

آخِرِ النَّهَارِ...<sup>4</sup>

(از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- فرمود: بنی اسرائیل در یک روز سه صد (300) پیامبر را به ناحق به شهادت می رساندند، سپس در آخر روز به کشت زارها، و یا به کاروبار خود برمی گشتند.)

عین عبارت را امام ابن کثیر از طریق أبوداود الطیالسی از ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده است.<sup>5</sup>

---

- الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور للسیوطی (ج: 1 ص: 177).<sup>1</sup>

- جامع البیان فی تأویل القرآن للطبری (ج: 2 ص: 230).<sup>2</sup>

- جامع البیان فی تأویل القرآن للطبری (ج: 2 ص: 230).<sup>3</sup>

- تفسیر ابن ابی حاتم (ج: 1 ص: 126 شماره حدیث: 632) سند حدیث صحیح است.<sup>4</sup>

- تفسیر القرآن العظیم لابن کثیر (ج: 1 ص: 182).<sup>5</sup>

4- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ يَعْنِي ابْنَ مَسْعُودٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، رَجُلٌ قَتَلَهُ نَبِيٌّ ، أَوْ قَتَلَ نَبِيًّا وَإِمَامًا ضَلَالَةً وَمُمْتَلًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.»<sup>1</sup>

( از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- یقیناً پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمود : سخت ترین مردم از روی عذاب در روز قیامت ، شخصی است که قتل کرده آنرا پیامبر، و یا اینکه قتل کرده پیامبر را و پادشاه گمراه ، و شخص تمثیل کننده.)

مطلب ششم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- از آیت شصت و دوم الی آیت یک صد و دوم

الف: در باره آیت {إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ...} <sup>2</sup>

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ -رضی الله عنه- قَالَ : نَحْنُ أَغْلَمُ مِنْ حَيْثُ تَسَمَّتِ الْيَهُودُ بِالْيَهُودِيَّةِ ، مِنْهُمْ كَلِمَةُ مُوسَى - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : {إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ ..} وَلَمْ تَسَمَّتِ النَّصَارَى بِالنَّصْرَانِيَّةِ ؟ كَلِمَةُ عِيسَى - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ»<sup>3</sup>

(از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- روایت است که گفت: ما آگاه تر هستیم از این نگاه که چرا یهود به این نام مسمی شد؟ از این کلام موسی - علیه الصلاة والسلام - {إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ ..} و چرا نصاری را نصارا نام نهاده شده ؟ زیرا که این کلمه عیسی - علیه الصلاة والسلام - که فرمود: {کونوا أنصار الله...} و سند این حدیث ضعیف است ، زیرا که المسعودی ( اصلی نام اش عبد الرحمن بن عبد الله بن عتبه است )، درحافظه وی اختلاط صورت گرفته که سماع اَبی نصر از مسعودی بعد از اختلاط صورت گرفته.<sup>4</sup>

- مسند امام احمد ابن حنبل (ج: 6 ص: 413 شماره حدیث : 3868). سند حدیث صحیح است <sup>1</sup>

<sup>2</sup>- البقرة : 62

<sup>3</sup> - تفسیر ابن اَبی حاتم (ج: 5 ص: 1577 و 9043).

- تهذیب التهذیب ( ج : 2 ص 523- و 524 ) <sup>4</sup>

عین عبارت را امام سیوطی در تفسیراش نقل کرده از ابن مسعود -رضی الله عنه- به اضافه این عبارت نقل کرده است: « فَلَمَّا مَاتَ، قَالُوا: هَذِهِ الْكَلِمَةُ كَأَنَّتَ تَعْجِبُهُ فَتَسْمَعُوا بِالْيَهُودِ وَإِنَّمَا تَسْمَتِ النَّصَارَىٰ بِالنَّصْرَانِيَّةِ، لِكَلِمَةٍ قَالَهَا عِيسَىٰ: مِنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ الْخَوَارِيُّونَ: نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ، فَتَسْمَعُوا بِالنَّصْرَانِيَّةِ.»<sup>1</sup>

(زمانیکه حضرت موسی - علیه الصلاة والسلام - وفات نمود: این کلمه خوش یهود آمد، وبه همین نام مسمی شدند، و نصاری که به این نام مسمی شدند، قول عیسی - علیه الصلاة والسلام - که فرمود: کیست کمک کننده من خاص به رضای الله؟ خواریون گفتند: ما یان انصار الله هستیم، فلماذا، به این نهاده شدند.)

ب: در باره آیت { فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ... }<sup>2</sup>

عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ -رضی الله عنه- قَالَ: « وَوَيْلٌ: وَادٍ فِي جَهَنَّمَ يَسِيلُ فِيهِ صَدِيدُ أَهْلِ النَّارِ جُعِلَ لِلْمُكَدِّيِّينَ »<sup>3</sup>

( از ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل شده است که گفت: وویل: وادی است در جهنم که فرومیریزد در آن زردآب اهل جهنم قرار داده شده و یاتهییه شده، برای دروغ گوین.)

این حدیث روایت شده سند اش ضعیف است، بنابراین دروغ است:

1 - یکی این که خلف بن خلیفه صدوق است و در آخر عمرش مختلط شده است.<sup>4</sup>

1- الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (ج: 1 ص: 182). سند حدیث ضعیف گفته شده است.

2- البقرة: 79

- البعث والنشور للبيهقي (ج: 1 ص: 272 شماره: 467). سند این حدیث ضعیف است.<sup>3</sup>

4- رواة التهذیبین (ج: 1 ص: 1731). امام ذهبی از ابن سعد در سیر اش نقل کرده فرموده: (تغیر قبل موته و اختلط) پیش از مرگ اش تغییر کرده و اختلاط صورت گرفته در آخر عمرش (سیر اعلام النبلاء (8 / 342)). و ابن سعد در طبقات اش فرموده: (وكان ثقة ثم أصابه الفالج قبل أن يموت حتى ضعف وتغير لونه و اختلط) و خلف ابن خلیفه ثقة بود، در آخر عمر اش قبل از مرگ اش فلج اش رسید که ضعیف شده بود، و رنگ اش تغییر کرده بود، و ذهن اش خلط شده بود. (الطبقات الكبرى (ج: 7 ص: 227). میزان الاعتدال فی نقد الرجال (ج: 1 ص: 659 شماره حدیث: 2537).

2 - أبو عبید بن عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - از پدرش نشنیده این حدیث را ، شعبه از عمرو بن مرة گفت :

که من سوال کردم ابا عبیده را آیا چیزی از پدرت به یاد داری ، گفت : نه خیر.<sup>1</sup>

امام سیوطی هم این حدیث را در تفسیر «الدر المنثور» از طریق طبرانی و بیهقی ، از ابن منذر از ابن مسعود -

رضی الله عنه - نقل کرده.<sup>2</sup> و امام طبرانی نیز هم این حدیث را در المعجم الكبير آورده است.<sup>3</sup>

ج: در باره آیت { لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... }<sup>4</sup>

1- حُكِي عَنْ أَبِي ابْنِ كَعْبٍ وَابْنِ مَسْعُودٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّهُمَا قَرَأَهَا : { لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ }<sup>5</sup>

(از ابی ابن کعب و ابن مسعود - رضی الله عنهما - حکایت شده است که آنان به عوض «لا تعبدون»، { لَا تَعْبُدُوا } قرائت کرده اند.)

2- عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ سُلَيْمَانَ، أَنَّ زَيْدَ ابْنَ ثَابِتٍ كَانَ يَقْرَأُ : { وَقُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا } وَكَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ -

يَقْرَأُ : { وَقُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا }.<sup>6</sup>

(از عبد الملك ابن سليمان روایت است که میگوید: یقیناً زید ابن ثابت - رضی الله عنه - این آیه را چنین قرائت

میکرد : { وَقُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا } به ضم " حا : و سکون " سین " و نون را دوزبر می داد ، و ابن مسعود - رضی الله

عنه - چنین قرائت میکرد : { وَقُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا } یعنی حرف های نون و سین را حرکت فتحه می داد.)

---

1 - تقریب التهذیب (ج: 1 ص: 656 شماره: 8231). تهذیب الاسماء (ج: 1 ص: 847 شماره: 827). سیر اعلام النبلاء (ج: 3 ص: 12).

2 - الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (ج: 1 ص: 202).

3 - المعجم الكبير للطبرانی (ج: 9 ص: 228 شماره حدیث: 9114).

4 - البقرة: 84

تفسیر القرآن العظیم لابن کثیر (ج: 3 ص: 361). الجامع لأحكام القرآن للقرطبي (ج: 2 ص: 13).

6 - تفسیر سعید بن منصور (ج: 2 ص: 567 شماره: 195) الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (ج: 1 ص: 210) سند حدیث منقطع است .

3- عن ابن مسعود -رضى الله عنه- قال: (وأقيموا الصلاة)، هذه و(إقامة الصلاة) تمام الركوع والسجود والتلاوة والخشوع،

والإقبال عليها فيها.<sup>1</sup>

(از ابن مسعود -رضى الله عنه- نقل شده است که گفت: در این نکته (وأقيموا الصلاة) این به معنای: صحیح برپا داشتن نماز و اتمام رکوع و سجود، تلاوت در نماز، خشوع، توجه خاص در نماز است.)

سند این حدیث ضعیف است، زیرا که عثمان بن سعید نزد ابن حجر مقبول وثقه است.<sup>2</sup> و بشر بن عماره ضعیف است<sup>3</sup>

د: در باره آیت {وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْتَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ.....}<sup>4</sup>

عن أبي الزعراء قال: قال عَبْدُ اللَّهِ بن مسعود -رضى الله عنه- {رُوحُ الْقُدُسِ} جِبْرِيلُ.<sup>5</sup>

(از ابو زعراء روایت است که عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- گفت: مراد از {رُوحُ الْقُدُسِ} جبرئیل - علیه السلام - است.)

این حدیث را که ابن حاتم - رحمه الله - تخریج نموده، تمام رجال این سند ثقات هستند، ابوالزعراء کنیه اش هست، واصلی نام وی عبد الله بن هانئ و امام نسائی گفته درباره اش: «لیس به بأس» و ابن حبان در جمله ثقات وی را آورده، و دیوان الضعاء گفته که نام اصلی اش عبد الله بن هانئ و کنیه اش أبو الزعراء که از ابن مسعود روایت اش است، و امام بخاری - رحمه الله - گفته است: «لا یتابع حدیثه» حدیث او دنبال نمی شود.<sup>6</sup>

---

- جامع البیان فی تأویل القرآن (ج: 2 ص: 279) سند حدیث ضعیف است.<sup>1</sup>

- رواة التهذیبین (ج: 5 ص: 4474).<sup>2</sup>

- تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاسلام (ج: 4 ص: 586 شماره: 25).<sup>3</sup>

4

- تفسیر القرآن العظیم لابن حاتم (ج: 1 ص: 168 شماره: 884 ج: 4 ص: 1238 شماره: 6979). سند حدیث صحیح است.<sup>5</sup>

6 - التکمیل فی الجرح والتعدیل و معرفة الثقات والضغفاء والمجاهیل (ج: 2 ص: 297). دیوان الضغفاء (ج: 1 ص: 231 شماره: 2337).

ه: در باره آیت { وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ ..... }<sup>1</sup>

عن ابن مسعود -رضى الله عنه- و عن ناس من أصحاب النبي -صلى الله عليه وسلم- في قوله تعالى : { وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ } قال : كانت العرب تمر باليهود فيؤذونهم وكانوا يجدون محمدا في التوراة ، فيسألون الله تعالى ، أن يعينه نبيا، فيقاتلون معه العرب ، فلما جاءهم محمد كفروا به ، حين لم يكن من بني إسرائيل.»<sup>2</sup>

( از ابن مسعود -رضى الله عنه- و از تعداد اصحاب پیامبر -صلى الله عليه وسلم- نقل شده است که در مورد این قول الله متعال: { فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا... } گفته اند: زمانیکه عرب ها عبور میکردند از پیش روی یهودها ، یهودها آنها را تمسخر و استهزاء میکردند حتی ! آزار و اذیت میکردند ، و هم چنان نصاری نام محمد را و صفات وی را در توراہ یافتہ بودند ، از الله -جل جلاله- به ظهور وی ، آرزو میکردند که و منتظر بودند ، که محمد -صلى الله عليه وسلم- چه وقت به وجود می آید ، تا ما بآنها بجنگیم ، و انتقام خود را ، از آنها بگیریم ، زمانیکه محمد -صلى الله عليه وسلم- به وجود آمد ، نصاری به آن کفر ورزیدند ، و از آن پیروی و تابع داری نکردند ، به خاطر حسد کدورت که ، چرا پیامبر ، از بنی اسرائیل نیامد.)

و: در باره آیت { أَوْكَلْنَا عَاهِدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ ..... }<sup>3</sup>

عن عمارة بن الربيع بن عميرة، قال حدثنا عبد الله -رضى الله عنه- ما سمعنا حديثا هو أحسن منه، إلا كتاب الله - عز و جل - و رواية عن النبي - صلى الله عليه و سلم : قال إن بني اسرائيل لما طال عليهم الأمد ، فقسفت قلوبهم اخترعوا

---

<sup>2</sup> - دلائل النبوة للبيهقي (ج: 2 ص: 536). سند حديث حسن است.

<sup>1</sup> - البقرة آيه (58)

<sup>3</sup> - البقرة: 100

کتابا من عند أنفسهم، استهوتة قلوبهم، و استحتله ألسنتهم و كان الحق يحول بينهم و بين كثير من شهواتهم، حتى نبذوا كتاب الله وراء ظهورهم كأنهم لا يعلمون.»<sup>1</sup>

(از عماره بن الربيع بن عمليه روياست كه گفته است: عبد لله بن مسعود -رضى الله عنه- براى ما سخنى گفت كه بهتر از آن به استثنای كتاب الله و روايت از پیامبر -صلى الله عليه وسلم- نشنیده بوديم، او گفت: يقينا بنى اسرائيل زمانى طولانى برآنان سپرى شد، و دل هايشان سخت شد، و از نزد خود كتابى ساختند، چيزى را كه قلب هاى شان مى خواست، و زبان هايشان حلال مى شمرد، "يعنى حلال و حرام درسرى زبان هاى شان بود" حق را تغيير و تبديل مى كردند، تا اينكه كتاب الله -جل جلاله- به پشت سرشان گذاشتن، و برآن عمل نكردن، خود را طورى نمايان مى كردند كه گويانميدانستند.)

مطلب هفتم: مرويات ابن مسعود -رضى الله عنه- از آيت يك صد و دوم الى يك صد و پنجا و دوم

الف: در باره آيت {وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ...} <sup>2</sup>

عن ابن مسعود و ابن عباس - -رضى الله عنه- ما - آنها قالا : لما كثر بنو آدم وعصوا، دعت الملائكة عليهم والأرض والسماء والجبال: ربنا ألا تهلكهم! فأوحى الله إلى الملائكة: إني لو أنزلت الشهوة والشيطان من قلوبكم ونزلتم لفلتم أيضا! قال: فحدثوا أنفسهم أن لو ابتلوا اعتصموا، فأوحى الله إليهم: أن اختاروا ملكين من أفضلكم، فاختاروا هاروت وماروت، فأهبط إلى الأرض، وأنزلت الزهرة إليهما في صورة امرأة من أهل فارس، وكان أهل فارس يسمونها "بيذخت" قال: فوقع بالخطيئة، فكانت الملائكة يستغفرون للذين آمنوا. {ربنا وسعت كل شيء رحمة وعلما فاغفر للذين تابوا}. فلما وقعا بالخطيئة،

- شعب الايمان لابوبكر البيهقي (ج: 6 ص: 95 شماره: 7589). سند حديث حسن است<sup>1</sup>

<sup>2</sup>- بقره: 102

استغفروا لمن في الأرض، ألا إن الله هو الغفور الرحيم، فخير ما بين عذاب الدنيا وعذاب الآخرة، فاختاروا عذاب الدنيا.<sup>1</sup>

(از ابن مسعود وابن عباس -رضی الله عنه- ما - نقل شده ، هردوی آنها فرمودند: زمانیکه زریه آدم - علیه السلام - در زمین زیاد شدند، طغیان و سرکشی کردن و از امر الله نافرمانی کردن ، ملائکه ها ، زمین ، آسمان ، درحق شان دعای بد کردن، ای پرودگار را برای ایشان مهلت نده دیگر در زمین ، الله -جل جلاله- وحی کرد برای ملائکه ها که من شهوت و شیطان را از قلب های شما دور کردم ، اگر شما را هم همین طور میگذاشتم ، شما هم عین آدم عمل می کردید، ملائکه ها در میان خود مشوره کردند ، اگر از ما امتحان گرفته شود، خوامخواه ما خود را از گناه نگاه میداریم ، سپس الله -جل جلاله- برای شان وحی کرد که دو ملائکه را از بهترین های تان انتخاب کنید، پس اختیار کردند ، هاروت و ماروت را ، این دو ملائکه فرود آمدند به زمین ، زنی از فارس به نام " زهر " که نام اش بیدخت بود ، نزد آنها آمد، این ها را به گناه آلوده کرد، که قبل از این برای مومنین استغفار میکردند، زمان که خودشان به گناه آلوده شدند ، از الله -جل جلاله- بخشش خواستند، سپس - الله -جل جلاله- برای شان اختیار داد، آیا عذاب دنیا را انتخاب می کنید ، یا آخرت را ، این دو ملائکه عذاب دنیا را ترجیح دادند به عذاب آخرت).

ب: در باره آیت { مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا... }<sup>2</sup>

عن الضحاک قال: في قراءة ابن مسعود ما نسك من آية أو نسخها<sup>3</sup>

<sup>1</sup> - جامع البيان في تأويل القرآن للطبري ( 2 / 428). سند این حدیث ضعیف است ، به خاطر ، علی ابن زید بن عبد الله بن ابی ملیکه بن جدعان. میزان الاعتدال ج: 3 ص: 5844) التهذيب التهذيب (ج: 3 ص: 162) .

<sup>2</sup> - بقره : 106

- الدر المنثور ( ج : 1 ص: 255 )<sup>3</sup>



(ازضحاك روايت شده است كه در قرائت ابن مسعود - رضی الله عنه-چنين آمده " ما ننسك من آية أو ننسخها" به جای حرف "خ" حرف "كاف" ما ننسك آمده، وحرف "خ" هم در آخر اضافه شده، چنين آمده " ننسخها")

ج: در باره آيت {وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ...} 1

1- عن ابن مسعود-رضی الله عنه-و ناس من الصحابة في قوله "ولله المشرق والمغرب فأينما تولوا فثم وجه الله" قال :

كان الناس يصلون قبل بيت المقدس فلما قدم النبي - صلى الله عليه و سلم- المدينة على رأس ثمانية عشر شهرا

من مهاجره وكان إذا صلى رفع رأسه إلى السماء ينظر ما يؤمر به فنسختها قبل الكعبة»<sup>2</sup>

(ازابن مسعود و جمعی از صحابه -رضی الله عنهم- نقل شده است كه در باره این آیه " ولله المشرق

والمغرب... " گفته اند: پیش از این مردم طرف بیت المقدس نماز می خواندن، سپس پیامبر -صلى الله عليه

وسلم- به مدینه هجرت کرد، بعد از سپری شدن هژده ماه در مدینه، هنگامیکه رسول الله --صلى الله عليه وسلم-

نماز میخواند در مدینه ، سری خود را بلند میکرد طرف آسمان ، گویا اینکه امر شده باشد برایش ، سپس

نماز خواندن طرف بیت المقدس منسوخ شد، بعد از این برایش امر شد كه نماز را باید طرف كعبه بخواند.)

1- عن أبي العالية قال، قال عبد الله بن مسعود: -رضی الله عنه- - والذي نفسي بيده، إن حق تلاوته: أن يحل حلاله

ويحرم حرامه، ويقرأه كما أنزله الله، ولا يحرف الكلم عن مواضعه، ولا يتأول منه شيئا على غير تأويله.»<sup>3</sup>

(ازأبي العالیه ، روايت است كه ابن مسعود- رضی الله عنه- گفته است: قسم است به ذاتيكه نفس من در دست

بلاکيف او است، مراد از "حق تلاته"، این كه انسان باید حلال قران را حلال، وحرام قرآن را حرام بداند، وقرآن را

---

1- البقرة : 115

- الذ المنتور (ج : 1 ص: 266) حديث حسن است <sup>2</sup>

- تفسير الطبري (ج:2ص:567 شماره: 1886). سند حديث حسن است <sup>3</sup>

بخواند همان طوریکه نازل شده است، هیچ حرفی از قرآن را تغییر و تبدیل نکند، و هیچ حرفی از قرآن را از پیش خود تأویل نکند، این را میگویند ادا کردن حق قرآن.)

ج: در باره آیت { فَوَلَّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ..... }<sup>1</sup>

عن الأعمش قال : كان أبو رزین من القراء الذين يقرأ عليهم القرآن ، أظنه قال : وتؤخذ عنهم القراءة ، قال : في قراءة

عبد الله : { وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم قبله }<sup>2</sup>

( از أعمش روایت است که گفته است: أبو رزین از جمله قرای مشهوری بود که از وی قرآن أخذ می شد ، فرمود : در یک قرائت ابن مسعود -رضی الله عنه- چنین نقل شده { فولوا وجوهكم قبله } به جای " شطره " کلمه " قبله " یعنی به طرف آن آمده است.)

د: در باره آیت { لئلا يكون للناس عليكم حجة إلا الذين ظلموا..... }<sup>3</sup>

عن ابن مسعود -رضی الله عنه- وعن ناس من أصحاب رسول الله - صلى الله عليه وسلم- قالوا: لما صُرف نبي الله - صلى الله عليه وسلم- نحو الكعبة، بعد صلاته إلى بيت المقدس، قال المشركون من أهل مكة: تحير علي محمد دينه! فتوجه بقبلته إليكم، وعلم أنكم كنتم أهدى منه سبيلا ويوشك أن يدخل في دينكم! فأنزل الله جل ثناؤه فيهم: { لئلا يكون للناس عليكم حجة إلا الذين ظلموا منهم فلا تخشوهم واخشوني }<sup>4</sup>

---

1- البقرة: 144

2- المصاحف لابن أبي داود (ج : 1 ص: 180 شماره : 149) سند این حدیث ضعیف است ، زیرا که در سماع أبو رزین از ابن مسعود -رضی الله عنه- اختلاف است امام شعبه - رحمه الله - میفرماید : که أبو رزین از ابن مسعود -رضی الله عنه- چیزی سمع نک رده ، وهم چنان أعمش در این سند حدیث مدلس است و "عن عنه" روایت دارد ( تهذيب التهذيب ج : 4 ص: 64)

3- البقرة: 150

4- تفسير الطبري (ج : 3 ص: 203 شماره : 2305) سند حدیث حسن است. <sup>4</sup>

(از ابن مسعود و جمی از صحابه-رضی الله عنهمس- روایت است که گفته اند: زمانی که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- روی خود را از بیت المقدس به رخ کعبه گردانید ، بعد از نماز، مشرکین مکه گفتند: شما حیران شدید به محمد و دینش! رخ به طرف قبله شما کرده ، و دانست که دین شما برحق و برهدایت است ، و عنقریب به دین شما خواهد آمد، الله متعال این آیه را نازل فرمود: { لئلا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ. }

مطلب هشتم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- از آیت یک صد و پنجا و دوم الی یک صد و هشتاد

#### چهارم

الف: در باره آیت { فَادْكُرُونِي أذكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ..... }<sup>1</sup>

عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ-رضی الله عنه- قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " مَنْ أَعْطَى أَرْبَعًا، أُعْطِيَ أَرْبَعًا، وَتَفْسِيرُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ , مَنْ أَعْطَى الذَّكْرَ ذَكَرَهُ اللَّهُ، لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: { فَادْكُرُونِي أذكُرْكُمْ } وَمَنْ أَعْطَى الدُّعَاءَ أُعْطِيَ الْإِجَابَةَ، لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: { ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ }<sup>2</sup> وَمَنْ أَعْطَى الشُّكْرَ أُعْطِيَ الزِّيَادَةَ، لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: { لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ }<sup>3</sup> ، وَمَنْ أَعْطَى الْإِسْتِغْفَارَ أُعْطِيَ الْمَغْفِرَةَ، لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: { اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا }<sup>4</sup> }<sup>5</sup>

1- البقرة: 152

2- غافر: 60

3- إبراهيم: 7

4- نوح: 10

5 - شعب الايمان للبيهقي ( ج : 4 ص: 126 شماره : 4529) معجم الصغير للطبراني ( ج : 2 ص: 198 شماره : 1022) مجمع الزوائد ومنبع الفوائد للهيثمی ( ج : 11 ص: 12 شماره: 17216) امام هيثمی، این حدیث را بدون سند آورده است. سند این حدیث ضعیف است ، این حدیث را روایت نکرده هشیم مگراز طریق اعمش ، هشیم همان ابن بشیر واسطی است ، اگر چه ثقہ است ، لیکن زیاد تدلیس کرده ، واعمش هم مدلس است. میزان الاعتدال ( ج 4 ص: 9250)

(از ابن مسعود -رضی الله عنه- روایت است که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرموده است: کسی را که الله برایش چهارچیزداد، در بدل آن چهار چیزی دیگری داده می شود و تفسیر آن در این آیات است: کسی را که الله -جل جلاله- برایش زمینه ذکر " یاد کردن " را مهیا کند، در بدل آن الله -جل جلاله- وی را نزد خود یاد میکند، درآیه مبارکه می فرماید: {فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ} مرایادکنید من شما را یاد می کنم. کسی که از الله -جل جلاله- طلب دعاء کند در بدل آن دعایش مستجاب می شود، ارشاد الله -جل جلاله- است: {ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ} خواست مرا بخوانید تا شما را اجابت نمایم. کسی را که الله -جل جلاله- سپاس گذاری و شکرگذاری از نعمت ها را نصیب اش کند، در بدل آن الله -جل جلاله- برای شان وعده داده که نعمتی بر نعمت دیگر، بر شما می افزایم، ارشاد پروردگارا است {لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ}. کسی را که الله -جل جلاله- برایش طلب آمرزش از گناهانش اعطاء کند ، در بدل آن بخشش از گناهان را نصیبش می کند، چنانچه درآیه مبارکه اشاره شده: {اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا} از پروردگار تان آمرزش بخواهید، که براستی او، آمرزنده است.<sup>1</sup>

ب: در باره آیت {أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ.....} <sup>2</sup>

عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ - يَعْنِي فِي هَذِهِ الْآيَةِ بِوَجْهِ آخَرَ - قَالَ: قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ: " هُوَ الرَّجُلُ يَلْعَنُ صَاحِبَهُ فِي أَمْرِ يَرَى أَنَّهُ قَدْ أَتَى إِلَيْهِ فَيَلْعَنُهُ عَلَيْهِ، قَالَ: فَتَرْتَفِعُ اللَّعْنَةُ فِي السَّمَاءِ سَرِيحًا - يَعْنِي سَرِيحًا - ، فَلَا تَجِدُ صَاحِبَهَا النَّبِيَّ قِيلَتْ لَهُ أَهْلًا، فَتَرْجِعُ إِلَى الَّذِي تَكَلَّمَ بِهَا فَلَا تَجِدُهُ لَهَا أَهْلًا، فَتَنْطَلِقُ فَتَقْعُ عَلَى الْيَهُودِ فَهُوَ قَوْلُهُ: {وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ} [البقرة: 159] فَمَنْ تَابَ مِنْهُمْ ارْتَفَعَتْ عَنْهُمْ اللَّعْنَةُ وَكَانَتْ فِي مَنْ بَقِيَ مِنَ الْيَهُودِ، وَهُوَ قَوْلُهُ: {إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا} <sup>3</sup>» <sup>4</sup>

- الترغيب والترهيب ( ج : 1 ص : 153 شماره : 532). <sup>1</sup>

<sup>2</sup>- البقرة 158

<sup>3</sup>- البقرة: 160

<sup>4</sup>- شعب الایمان لأبي بكر البيهقي ( ج 7 ص : 165 شماره حدیث : 4828). سند این حدیث ضعیف است ، زیرا که درسند این حدیث محمد بن

( از ابن مسعود - رضی الله عنه - نقل می کند فرمود: فرمود ابن مسعود - رضی الله عنه - در تفسیر این آیه : شخصی ، دوست خود را در مورد امری لعنت می کند، و این لعنت بسیار به سرعت به سوی آسمان بلند می شود ، پس اگر آن شخص به چنین لعنت برابرنبود، سپس همان قول بازگشت می کند بر بالای آن شخص که چنین سخنی را به زبان آورده ، اگر اهل از برای آن نبود ، سپس واقع می شود بالای یهود، همین قول الله - جل جلاله - است می فرماید: {وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ} پس اگر کسی توبه کرد کلمه لعنت از بالای سری آن بلند می شود، فقط بالای یهود باقی می ماند ، و این قول الله متعال که می فرماید: {إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا}.

ج: در باره آیت {وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...} <sup>1</sup>

عن عبد الله - رضی الله عنه - قال : « فیرسل الله عز وجل ماء من تحت العرش ، منیا کمنی الرجال ، قال : فتنبت أجسامهم ولحمانهم من ذلك الماء ، كما تنبت الأرض من الثرى » ، ثم قرأ عبد الله : { فأحيا به الأرض بعد موتها } <sup>2</sup>  
 ( از عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - نقل می کند میفرماید: الله متعال فرو میفرستد آب را از زیر عرش ، منی مثل منی مردها ، سپس فرمود: پس میروید جسمهای شان و گوشت های شان از همین آب ، مثل که میروید زمین از خاک نمناک ، سپس عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - { فأحيا به الأرض بعد موتها } را تلاوت نمود.)

د: در باره آیت {يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا .....} <sup>3</sup>

---

مروان آمده که همان (سدی صغیر) است در ضعف آن اتفاق است ، وهم چنان کلبی : نام اصلی اش محمد بن السائب بن بشر متهم به کذب است و متروک الحدیث شیعه است. سیر اعلام النبلاء (ج 6 ص: 248 شماره : 111) رواة التهذیبین (ص : 5901).

1- البقرة: 163

2 - شعب الایمان لآبى بكر البیهقی (ج 1 ص: 314، شماره: 355) تفسیر ابن ابی حاتم (ج 5 ص: 438، شماره حدیث: 1468). سند حدیث صحیح است ، وحاکم در مستدرک (ج 4 ص: 8519) و امام حاکم میفرید این حدیث به شرط شیخین برابر است ولی حدیث را تخریج نکرده اند.

3- البقرة: 168

عن مسروق ، قال : أتى عبد الله بن مسعود بضرع وملح ، فجعل يأكل ، فاعتزل رجل من القوم ، فقال ابن مسعود : « ناولوا صاحبكم » ، فقال : لا أريده ، قال : « أصائم أنت » ؟ قال : لا ، قال : « فما شأنك ؟ » قال : حرمت أن آكل ضرعا أبدا ، فقال ابن مسعود : « هذا من خطوات الشيطان ، فاطعم وكفر عن يمينك »<sup>1</sup>

(از مسروق روایت است که به عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- شیرومقداری نمک آورده شد، او شروع کرد ، به خوردن ، میفرماید : یکی از افراد ما دورشد، ابن مسعود -رضی الله عنه- فرمود: بیاورید دوستان را ، آن شخص فرمود: من نمیخورم! ابن مسعود -رضی الله عنه- فرمود: آیا روزه داری؟ آن شخص فرمود: نه خیر! سپس ابن مسعود -رضی الله عنه- فرمود: چه شده تورا؟ آن شخص فرمود: من برخود شیر را حرام گردانیدم که هیچ وقت نمی خورم ! ابن مسعود- -رضی الله عنه- فرمود: این کارکردی تو از عمل شیطان است ، بخور ، وازقسم ات کفاره بده.)

ه: در باره آیت {وَأَتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ...} <sup>2</sup>

1- عَنْ مَرْءٍ قَالَ: قَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: فِي قَوْلِهِ: {وَأَتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ} «أَنْ تُؤْتِيَهُ، وَأَنْتَ صَاحِبٌ شَجِيحٌ تَأْمُلُ الْعَيْشَ، وَتَخْشَى الْفَقْرَ» <sup>3</sup>

(از مرء روایت است که ابن مسعود- -رضی الله عنه- در این قول الله متعال: {وَأَتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ} و مال را باوجود دوست داشتن اش برای نفس خود، بازهم انفاق می کند، چنین گفته است: فقراء ، ایتام ، مال را در صورت

<sup>1</sup> - تفسیر بن ابی حاتم (ج 5 ص : 495 شماره: 1503) سند حدیث صحیح است . امام سیوطی این حدیث را در تفسیر اش نقل کرده است ( ج 1 ص: 404).

<sup>2</sup> - البقرة: 177

<sup>3</sup> - المعجم الكبير للطبرانی ( ج 9 ص : 92 شماره : 8503) امام هیشمی می گوید رجال طبرانی کلش صحیح است ، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد(ج 6 ص: 345، شماره : 10843) مصنف عبد الرزاق ( ج 9 ص: 55 شماره: 16324).

اعطاء کنی که خودت نیازمند آن باشی ، فکر به زندگی ات داشته باشی ، واز فقر ترس داشته باشی ، باوجود این همه بازهم در راه خدا خرج می کنی نشان دهنده ایمان تو است.)

2- عن مرة بن شرحبيل قال قال عبد الله اتقوا الله حق تقاته وحق تقاته أن يطاع فلا يعصى وأن يذكر فلا ينسى وأن يشكر

فلا يكفر وإيتاء المال على حبه أن تؤتيه وأنت صحيح صحيح تأمل العيش وتخاف الفقر وفضل صلاة الليل على صلاة

النهار كفضل صدقة السر على صدقة العلانية.<sup>1</sup>

(ازمره بن شرحبيل روایت است که عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- گفت: از خدا بترسید به حق ترسیدنی ،

و حق ترسیدن این است که از خدا اطاعت کنید و نافرمانی نکنید ، و خدا را یاد کنید ، به بعد فرموشی نگرید ، خدا

را سپاس گذارباشید کفران نعمت نکنید ، دادن مال باوجود که نفس به آن محبت دارد ، درحالی که انفاق می

خودت نیاز مبرم داری به مال خودت ، صحیح و سالم هستی نفس ات هم حریص است به مال ، فکرزندگی را

داری ، از فقر میترسی ، بازهم در راه الله -جل جلاله- مال ات را خرج می کنی نشان دهند ایمان قوی ات است.)

امام طبری این حدیث را به لفظ « وأنت حریص شحیح » از طریق شعبه ، از زبید ، ازمره ، از عبد الله بن مسعود -

رضی الله عنه- روایت نموده ، وهم چنان امام طبری جای دیگری به این لفظ «تطیل الأمل وتخاف الفقر» را

از طریق اسباط بن نصر از سدی ازمره ، از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده است.<sup>2</sup>

امام حاکم در مستدرک اش این حدیث را ، از طریق شعبه ، از سفیان ، از زبید ، ازمره ، از عبد الله بن مسعود -رضی

الله عنه- نقل کرده فرموده : صحیح است و به شرط شیخین برابر است ، ولی حدیث را تخریح نکرده است.<sup>3</sup>

3- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لَيْسَ الْمِسْكِينُ بِالطَّوَّافِ وَلَا بِالَّذِي تَرُدُّهُ

---

- مصنف ابن ابی شیبیه (ج 10 ص: 174 شماره : 34553)<sup>1</sup>

- تفسیر الطبری (ج 2 ص: 2531) سند حدیث حسن است<sup>2</sup>

- المستدرک للحاکم (ج 23 ص: 299، شماره : 3078) سند حدیث صحیح است.<sup>3</sup>

التَّمْرَةُ وَلَا التَّمْرَتَانِ وَلَا اللُّقْمَةُ وَلَا اللُّقْمَتَانِ وَلَكِنَّ الْمَسْكِينُ الْمُتَعَفِّفُ الَّذِي لَا يَسْأَلُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَا يُفْطِنُ لَهُ فَيُتَصَدَّقَ عَلَيْهِ»<sup>1</sup>

(از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- نقل می کند فرمود: فرموده رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نیست مسکین به گردش و نه آن کسی که تو اعطاء کنی برای یگ خرما و یا دو خرما نه یگ لقمه غذا و نه دولقمه ؛ لیکن مسکین پاک دامن کسی است که از مردم هیچ چیزی سوال نمی کند ، و شناخته هم نمیشود تا به وی صدقه داده شود.)

عین روایات را امام ابی بکره‌یثمی در مسند ابی یعلی موصلی با سند فوق نقل کرده است.<sup>2</sup>

مطلب نهم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در تفسیر آیات یک صد هشتاد و چهارم الی دوصد و نزدهم

الف: در باره آیت {فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ.....}<sup>3</sup>

---

<sup>1</sup> - مسند احمد بن حنبل (ج 6 ص: 145 شماره : 3636). امام هیشمی هم این حدیث را روایت نموده ، میگوید که رجال سند حدیث صحیح است. (مجمع الزوائد و منبع الفوائد للهیشمی (ج 3 ص: 126 شماره : 4501).

<sup>2</sup> - المقصد العلی فی زوائد مسند ابی یعلی (ج 1 ص : 1767) امام طحاوی فی شرح معانی الآثار (ج 1 ص: 27 / ج 2 ص: 63, 64) و أبونعیم فی الحلیه الاولیاء (ج 7 ص: 107) تفسیر بن ابی حاتم (ج 1 ص: 289 شماره : 1553) تمام اینها از طریق ابراهیم بن مسلم الهجری از ابی الاحوص از ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده اند ، سند این حدیث ضعیف است، زیرا که ابراهیم بن مسلم در سند آمده، ابن معین میگوید: به این قول (لیس حدیثه بشیء ) سخن اش چیزی نیست. میزان الاعتدال (ج 2 ص: 3346) امام ابوزرعه میگوید: ضعیف الحدیث است ، امام بخاری میگوید : منکر الحدیث است التهذیب التهذیب (ج 1 ص: 86 / 87) المغنی (ج 1 ص: 175). این که امام هیشمی گفته که رجال سند صحیح است ، صحیح نیست ، زیرا که از مسلم بن هجری صحیحین هیچ رویت ندارد، و مراد امام هیشمی رویت حضرت ابی هریره است ، باعین الفاظ بارجال صحیح روایت شده. والله اعلم.

<sup>3</sup> - البقرة: 184



عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، - رضي الله عنه - قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: {وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامَ مِسْكِينٍ} قَالَ: يَقُولُ: {وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ} أَي: يَجْحَشُونَهُ، قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: فَكَانَ مَنْ شَاءَ صَامَ وَمَنْ شَاءَ أَفْطَرَ وَأَطْعَمَ مِسْكِينًا {فَمَنْ تَطَوَّعَ} قَالَ: يَقُولُ: أَطْعَمَ مِسْكِينًا آخَرَ {فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ} فَكَانُوا كَذَلِكَ حَتَّى نَسَخَتْهَا: {فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ} <sup>1</sup>

(از عبد الله بن مسعود - رضي الله عنه - نقل می کند ، فرمود: وقتیکه این آیه نازل شد {وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ} بر کسانی که طاقت و توانی روزه گرفتن را ندارند ، ابن مسعود - رضي الله عنه - فرمود: اختیار دارد روزه میگیرد ، کسی را افطاری میدهد، و یا مسکینی را طعام میدهد ، {فَمَنْ تَطَوَّعَ} و اگر از این کرده هم بیشتر کمک می کند برای فقراء ، مسکنی دیگری را طعام می دهد، این برایش بهتر است ، ولی اگر روزه بگیرد برای شما بهتر است ، این حکم الله - جل جلاله - همین طور بود تا این که منسوخ شد، به این فرموده الله متعال - {فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ} پس هر که از شما فرا رسیدن ماه مبارک رمضان را دریابد ، پس باید روزه بگیرد.)

ب: در باره آیت {وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ} <sup>2</sup>

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ: - رضي الله عنه - وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ قَالَ: إِنَّهَا لِمُحْكَمَةٌ مَا نُسِخَتْ وَلَا تُنْسَخُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. <sup>3</sup>

(از عبد الله بن مسعود - رضي الله عنه - موقوف نقل کرده ، فرمود: وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ « و اموال تان را در میان خود تان به ناحق نخورید، این آیت محکم است و منسوخ نشده و تا روز قیامت منسوخ نخواهد شد.)

- تفسیر ابن کثیر (ج 1 ص: 499) سند حدیث حسن است. <sup>1</sup>

<sup>2</sup>- البقرة: 188

- تفسیر ابن ابی حاتم (ج 1 ص: 321 شماره: 1701) <sup>3</sup>

ج: در باره آیت { وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ..... }<sup>1</sup>

عن عبد الله بن مسعود في قوله تعالى: ( وأقيموا الحج والعمرة للبيت ) قال: «لولا التحرج وأني لم أسمع من رسول الله

- صلى الله عليه وسلم- فيها شيئا لقلنا: إن العمرة واجبة مثل الحج»<sup>2</sup>

( از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- در مورد این آیه " وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ " " وأقيموا الحج والعمرة للبيت

" روایت شده است که گفته است: اگر برای مردم حرج نمیبود و اگر از رسول الله -صلى الله عليه وسلم- درباره حج

چیزی نشنیده بودم ، خوامخواه میگفتم که یقینا عمره همانند حج واجب است.)

البته سند این حدیث ضعیف است. زیرا که در روایت این حدیث شخصی به نام ثویر آمده پسراين أبی فاختة است

که جماعه از رجال حدیث وی را ضعیف شمرده است.<sup>3</sup>

د: در باره آیت { الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ ..... }<sup>4</sup>

1- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- فِي الَّذِي لُدِعَ وَهُوَ مُحْرِمٌ بِالْعُمْرَةِ فَأُخْصِرَ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ-: ابْعَثُوا

بِالْهَدْيِ وَاجْعَلُوا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ يَوْمَ أَمَارٍ فَإِذَا ذُبِحَ الْهَدْيُ بِمَكَّةَ حَلًّا هَذَا.»<sup>5</sup>

( از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه-روایت است که فرمود: درباره کسی که ازسوی چیزی نیش زده شد،

در حالیکه وی محرم بود، در حج عمره ، سپس بند شد، عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه-فرمود: برایش یگ

---

1- البقرة : 196

- المصاحف لابن أبی داود ( ج 1: ص: 177 شماره: 146 )<sup>2</sup>

- الميزان ( ج:1 ص: 1408 ) الجرح والتعديل ( ج 2 ص: 1920 ) تهذيب التهذيب ( ج 1 ص: 278 ).<sup>3</sup>

4- البقرة : 196

- السنن الكبرى للبيهقي ( ج 5 ص: 221 )<sup>5</sup>

هدیه ی بفرستید و قرار دهید در میان خود و در میان وی یگ علامه را (یعنی یگ روزی را که تامشخص باشد) و وقتی که هدیه وی ذبح شد در مکه این شخص از احرام خارج شود.

2- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ يَعْنِي ابْنَ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فِي قَوْلِهِ الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ قَالَ : شَوَّالٌ وَذُو الْقَعْدَةِ وَعَشْرٌ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ.<sup>1</sup>

( از عبد الله -رضی الله عنه- روایت شده که در مورد آیت « الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ » گفته است: ماه های حج چند ماه معلوم است ، شوال ، ذوالقعدة ، و ده روز از ذی الحجة )

مطلب دهم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در تفسیر آیات دو صد و نهم الی دو صد و سی و سوم

الف: در باره آیت { وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ... }<sup>2</sup>

عن عبد الله بن مسعود-رضی الله عنه- قال: إِنَّ مِنْ أَكْبَرِ الذَّنْبِ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ لِأَخِيهِ: اتَّقِ اللَّهَ. فَيَقُولُ: عَلَيْكَ نَفْسُكَ،

---

1- السنن الكبرى للبيهقي ( ج 3 ص: 342 شماره: 8973) این حدیث از طرق مختلف به عین عبارت نقل شده من جمله: سعید بن منصور در تفسیر اش ( ج 3 ص: 783 شماره: 328) نقل کرده ، و امام طبری در تفسیر اش ( ج 2 ص: 267 شماره: 3522) از طریق ابی احمد و ابن ابی حاتم ( ج 1 ص: 345 شماره: 1817) روایت نموده ، امام دارقطنی در سنن اش این حدیث را آورده ( ج 1 ص: 226 شماره: 42) هردوی ایشان ( یعنی: ابن ابی حاتم و دارقطنی از طریق وکیع نقل کرده ( سعید بن منصور، ابواحمد ، و وکیع ) هر سه ایشان از شریک از ابی اسحاق، از ابی الاحوص ، از عبد الله -رضی الله عنه- نقل کرده اند.

لکن سند این حدیث ضعیف است ، زیرا که در روایت این حدیث شخصی به نام شریک آمده که زیاد خطاء میکرد و حافظه وی در آخر عمرش تغییر کرده بود، و امام دارقطنی وی را به تدلیس هم نسبت داده ، شخصی دیگری به نام ابواسحاق که در این حدیث آمده مدلس بود، زیاد تدلیس میکرد (طبقات مدلسین ج 1 ص: 33 شماره: 56)

امام سیوطی هم این حدیث را در تفسیر اش الدر المنثور فی التفسیر المآثور ( ج 1 ص: 525) از طریق عبد بن حمید ، از ابن المنذر نقل کرده

2- البقرة: 206

أَنْتَ تَأْمُرُنِي<sup>1</sup>

( از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- چنین روایت شده که فرمود: از جمله بزرگترین گناه این است که شخصی برای دوست خود بگوید، از خدا بترس ، آن شخص بگوید خود را نگاه کن به من کاری نداشته باشی.)  
امام طبرانی این حدیث را از طریق شعبه ، از ابی اسحاق ، از زید بن وهب ، از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- روایت شده<sup>2</sup>. امام بیهقی در شعب الایمان از طریق سفیان الثوری ، از ابی اسحاق ، از سعید بن وهب از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- روایت نموده<sup>3</sup>. و امام نسائی در السنن الکبری ، وابن منده در التوحید ، از طریق اعمش ، از ابراهیم التیمی از حارث بن سوید ، از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- موقوف رویت نموده ، اما به این لفظ ( قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : إِنَّ أَحَبَّ الْكَلَامِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ : سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ ، وَتَعَالَى جَدُّكَ ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ ، وَإِنْ أَبْغَضَ الْكَلَامِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ لِلرَّجُلِ : اتَّقِ اللَّهَ ، فَيَقُولُ : عَلَيْكَ بِنَفْسِكَ)<sup>4</sup>

ب: در باره آیت {يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ...}<sup>5</sup>

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- قَالَ: إِيَّاكُمْ وَهَذِهِ الْكِعَابُ الْمُسُومَةُ الَّتِي تُزَجَّرُ زَجْرًا ، فَإِنَّهَا مِنَ الْمَيْسِرِ.<sup>6</sup>

---

<sup>1</sup>- التوحید لابن منده (ج:2 ص:84) سند حدیث صحیح است. هیثمی در مجمع الزوائد (ج:7 ص:271) فرموده: رجال این حدیث صحیح است. امام البانی رحمه الله در صحیح خود فرموده اسناد این حدیث صحیح است و رجال وی ثقات است، سلسله الاحادیث الصحیحه للالبانی (ج:6 ص: 2598 و 1056)

- المعجم الکبیر للطبرانی (ج:9 ص:8588) مجمع الزوائد ومنبع الفوائد للهیثمی (ج:7 ص:271)<sup>2</sup>

- البیهقی فی شعب الایمان (ج:6 ص:8246)<sup>3</sup>

- النسائی فی سنن الکبری (ج:6 ص:10686-10687 و 10688)<sup>4</sup>

<sup>5</sup>- البقره:219

- مصنف بن ابی شیبہ (ج:13 ص:349 شماره: 26676)<sup>6</sup>

(از عبد الله -رضی الله عنه- نقل شده که گفته اس: خود را نگاه کنید ازطبق های نشانه شده که به توسط آن زجروتکلیف می‌دهید همدیگر را به زجر دادنی ، زیرا که آن هم از جمله قمار است.)

این حدیث را امام بن ابی حاتم و امام طبری هم از طریق سفیان ، از عبد الملک بن عمیر، از ابی الاحوص ، از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- نقل شده <sup>1</sup> ولیکن عبد الملک بن عمیر در آخر عمرش حافظه اش تغییر کرده بود.<sup>2</sup>

ج: در باره آیت {وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدْنَىٰ.....} <sup>3</sup>

عن عبد الله -رضی الله عنه- قال : كان نساء بني إسرائيل يصلين مع الرجال في الصف وكن تنظر إحداهن إلى صديقها ، فألقى عليهن الحيض ، فأخرن . قال عبد الله : فأخروهن من حيث أخرهن الله عز وجل .<sup>4</sup>

(از عبد الله بن مسعود-رضی الله عنه- روایت است که گفته است: زنان بنی اسرائیل بودند نماز می خواندند همراهی مران در صف، و بودند که یکی آنان بسوی دوستان خود نظر می کردند، پس بر آنان حیض آمد، پس عقب زده شدند، ابن مسعود گفت: پس شما هم زنان را پس بزنید قسمی که الله متعال آنان را پس زده است.)

ابن حجر عسقلانی - رحمه الله - این حدیث را از طریق ابومعاویه ، از اعمش ، از ابراهیم ، از ابی معمر، از عبد الله -رضی الله عنه- نقل کرده. <sup>5</sup> ، امام احمد ابن ابی بکر هم این حدیث را از طریق ابومعاویه نقل کرده <sup>6</sup> امام عبد

---

- تفسیر الطبری (ج: 4ص: 322 ) و ابن ابی حاتم (ج: 2 ص: 2053) سند حدیث صحیح است. <sup>1</sup>

- تهذیب التهذیب (ج 2 ص: 620) <sup>2</sup>

3

- المطالب العالیه للحافظ ابن حجر عسقلانی(ج: 2 ص: 21 شماره: 420) <sup>4</sup>

- المطالب العالیه للحافظ ابن حجر عسقلانی(ج: 2 ص: 21 شماره: 420) <sup>5</sup>

- إتحاف الخیره المهره (ج: 2 ص: 44 شماره: 1224) <sup>6</sup>

الرزاق در مصنف از طریق سفیان الثوری ، از طریق اعمش ، از ابراهیم ، از معمر ، از عبد الله -رضی الله عنه- نقل کرده <sup>1</sup> و امام طبرانی در معجم خود هم از طریق عبد الرزاق به عین روایت نقل کرده است.<sup>2</sup>

د: درباره آیت {وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ...} <sup>3</sup>

عَنِ الْأَسْوَدِ، " أَنَّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثُمَّ تَرَكَهَا حَتَّى دَخَلَتْ فِي الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ، فَأَرَادَتْ أَنْ تَغْتَسِلَ، وَوَضَعَتْ مَاءَهَا لِتَغْتَسِلَ، فَرَأَىهَا: فَأَجَازَهُ عُمَرُ، وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ وَ فِي رِوَايَةٍ فَسَأَلَ عَبْدَ اللَّهِ، وَعُمَرَ، فَقَالَ: هُوَ أَحَقُّ بِهَا مَا لَمْ تَغْتَسِلْ {<sup>4</sup> (از اسود-رحمه الله- روایت است که گفته است: درباره مردی که خانم خود را طلاق داد سپس وی را ترک کرد، تا این در حیض سوم داخل شد، آن زن خواست که غسل کند ، و آب خود را گذاشت برای غسل کردن شوهرش دوباره به وی مراجعه کرد ، حضرت عمر، و عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- ما وی را اجازه دادند و در روایت دیگر آمده است که از عبدالله بن مسعود و عمر -رضی الله عنهما- سوال کرد آنان گفتند: او حق دار است تا زمانی که غسل نکرده است.)

ه: در باره آیت {الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ.....} <sup>5</sup>

عن عبد الله وعن ناس من أصحاب رسول الله صلى الله عليه و سلم فذكر التفسير إلى قوله الطلاق مرتان قال وهو الميقات الذي يكون عليها فيه الرجعة فإذا طلق واحدة أو ثنتين فأما أن يمسك ويراجع بمعروف وأما يسكت عنها حتى تنقضي عدتها

---

- مصنف عبد الرزاق ( ج: 3 ص: 5115 ) <sup>1</sup>

- المعجم الكبير للطبرانی ( ج: 9 ص: 9484 ) <sup>2</sup>

<sup>3</sup>- البقرة: 228

- تفسير الطبري ( ج : 4 ص: 91 ) سند حديث صحيح است <sup>4</sup>

<sup>5</sup>- البقرة : (229)

فتكون أحق بنفسها)<sup>1</sup>

(از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- و جمعی از صحابه روایت است که درباره تفسیر آیه: (الطلاق مرتان) گفته اند: این همان میقات و جای است محل رجعت است، اگر یک طلاق داد یا دو طلاق داد، سپس یا او را با خود نگه دارد مراجعه کند، یا این که رهایش کند تا که عدتش را تکمیل کند، و سرنوشت خود را تعیین کند.)

مطلب یازدهم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در تفسیر آیات دو صد و سی و سوم الی دو صد و

پنجا و پنج

الف: در باره آیت {وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ.....}<sup>2</sup>

1- عن إبراهيم: أنه كان يحدث عن عبد الله، أنه قال: لا رضاع بعد فصال، أو بعد حولين<sup>3</sup>

(از ابراهیم روایت است که از عبد الله بن مسعود-رضی الله عنه- چنین حکایت می کرد که گفته است: رضاع بعد از جدای ثابت نمیشود، یا بعد از دو سالگی رضاعیت ثابت نمیشود.)

امام ابن ابی شیبیه در مصنف خود، از طریق حفص، از شیبانی، از ابی الضحی، از ابی عبد الرحمن، از ابن مسعود -رضی الله عنه- عین عبارت را نقل کرده، حفص همان ابن غیاث ثقه است، شیبانی، سلیمان بن ابی سلیمان ثقه است، ابوالضحی، مسلم بن صبیح ثقه است، ابوعبد الرحمن همان اسود بن یزید النخعی از کبار اصحاب ابن مسعود و از شاگردان خاص ابن مسعود-رضی الله عنه- است.<sup>4</sup>

2- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ قَالَ: لَقِيتُ مَالِكَ بْنَ عَامِرٍ أَوْ مَالِكَ بْنَ عَوْفٍ فَقُلْتُ كَيْفَ كَانَ قَوْلُ ابْنِ مَسْعُودٍ فِي الْمُتَوَفَّى عَنْهَا

---

- سنن الکبری للبیهقی (ج: 7 ص: 367 شماره حدیث: 14927) سند این حدیث حسن است <sup>1</sup>

<sup>2</sup>- البقره: 233

- مصنف ابن ابی شیبیه (ج: 3 ص: 550 شماره: 17051) تفسیر الطبری (ج: 5 ص: 37) سند حدیث صحیح و رجال وی ثقات است <sup>3</sup>

- تراجمهم علی الترتیب فی التقریب (ج: 3 ص: 1430 - 2568 - 66329) <sup>4</sup>

زَوْجَهَا وَهِيَ حَامِلٌ فَقَالَ : قَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ -رضى الله عنه- أَتَجْعَلُونَ عَلَيْهَا التَّغْلِيظَ وَلَا تَجْعَلُونَ لَهَا الرُّخْصَةَ لَنَزَلَتْ

سُورَةُ النَّسَاءِ الْقُصْرَى بَعْدَ الطُّوْلِ<sup>1</sup>

(از محمد ابن سرین روایت است که می گوید: من با مالک ابن عامر، یا مالک ابن عوف ملاقات کردم و برایش گفتم که قول ابن مسعود -رضی الله عنه- درباره زن که شوهرش وفات نموده (یعنی متوفی عنها زوجها) و خودش حامله است چه گفت؟ فرمود: چرا بالای وی از شدت وسختی کارمیگیرید؟، و برایش رخصت قایل نیستید، تا که عدت اش پوره شود ، باوجود که الله متعال هم سوره قصری که عبارت ازسوره طلاق است وسوره نساء الطولی که عبارت ازسوره بقره است مفصل درباره اعطای حقوق زنها نازل شده است.)،

امام نسائی این حدیث را ازطریق ابن عون ازمحمد ابن سرین ازابن مسعود-رضی الله عنه-نقل کرده<sup>2</sup>

ب: در باره آیت {لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً...}<sup>3</sup>

عَنْ عَلْقَمَةَ قَالَ : جَاءَ رَجُلٌ إِلَى ابْنِ مَسْعُودٍ فَقَالَ : إِنَّ رَجُلًا مِمَّنَّا تَزَوَّجَ امْرَأَةً وَلَمْ يَفْرِضْ لَهَا وَلَمْ يُجَامِعْهَا حَتَّى مَاتَ ، فَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ : مَا سُئِلْتُ عَنْ شَيْءٍ مُنْذُ فَارَقْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَشَدَّ عَلَيَّ مِنْ هَذَا ، قَالَ : فَتَرَدَّدَ فِيهَا شَهْرًا فَقَالَ : سَأَقُولُ فِيهَا بِرَأْيِي ، فَإِنْ كَانَ صَوَابًا فَمِنْ اللَّهِ ، وَإِنْ كَانَ خَطَأً فَمِنِّي وَالشَّيْطَانِ ، أَرَى أَنَّ لَهَا مَهْرَ نِسَائِهَا لَا وَكَسَ ، وَلَا شَطَطَ ، وَلَهَا الْمِيرَاثُ ، وَعَلَيْهَا عِدَّةُ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجِهَا ، فَقَامَ نَاسٌ مِنْ أَشْجَعٍ فَقَالُوا : نَشْهَدُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَضَى بِمِثْلِ الَّذِي قَضَيْتَ فِي امْرَأَةٍ مِمَّنَّا يُقَالُ لَهَا بِرَوْعِ ابْنَتِهِ وَاشْتِقِ ، قَالَ فَمَا رَأَيْتَ ابْنَ مَسْعُودٍ فَرِحَ كَمَا فَرِحَ يَوْمَئِذٍ.<sup>4</sup>

- صحیح البخاری (ص: 72:ج:11 شماره: 4532)<sup>1</sup>

- سنن النسائی الکبری (ص: 196 ج: 6 شماره: 3521)<sup>2</sup>

<sup>3</sup>- البقرة: 236

- مصنف ابن ابی شیبہ (ص:166:ج:10 شماره: 29680)<sup>4</sup>



( از علقمه -رضی الله عنه- روایت است که می گوید: شخصی نزد ابن مسعود -رضی الله عنه- آمد و گفت: ای ابن مسعود-رضی الله عنه- شخصی از ما با زنی ازدواج کرده و نه مهری برای وی تعیین کرده و نه باوی مجامعت کرده فعلا خانم اش وفات کرده حق اش چطور می شود، ابن مسعود -رضی الله عنه- فرمود: به چنین سوال از زمان رسول الله -صلی الله علیه وسلم- روبرو نشدم که امروزه چنین سوال سختی روبرو شدم ، سپس ابن مسعود -رضی الله عنه- یک ماه مکمل سرگردان و متحیرماند کدام دریافت نکرد، سپس فرمود: من این سوال را از رأی فکر و نظر خودم جواب میگویم، اگر حق بود فیها ونعمه که از جانب الله برایم ثواب داده می شود ، و اگر خطا بود ، از جانب من و شیطان خواهد بود، می بینم درباره این زن مهر مثل را همانند دیگرزنها نه کم و نه زیاد، و برایش میراث است ، و برای از این عده متوفی عنها زوجها است. سپس تعداد مردم از قبیله اشجع بلند شدن و فرمودن قسم است به الله که عین مثله درباره زنی به نام بروعه بنت واشق به مارخ داده بود، نزد رسول الله -صلی الله علیه وسلم- رفته بودیم چنین فیصله نمودند، حضرت علقمه - رحمه الله - میفرماید که بعد از این سخن ابن مسعود -رضی الله عنه- را دیدم چنان خوشحال شده بود که مثل اش هیچ ندیده بودم.)

امام نسائی در سنن الکبری خود و ابن ماجه و حاکم در صحیح خود که این حدیث را صحیح گفته و امام ذهبی در صحت این حدیث با حاکم موافقت دارد امام بیهقی در الکبری خود لکن در سند خود سفیان الثوری حذف شده، تمام این ها این حدیث را از طریق عبد الرحمن بن مهدی از سفیان الثوری ، از فراس ، از شعبی ، از مسروق ، از عبد الله ابن مسعود -رضی الله عنه- نقل کرده اند.<sup>1</sup>

ج: در باره آیت {وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ.....} <sup>2</sup>

<sup>1</sup>- سنن الکبری للنسائی (ج:3 ص: 5517 و 3- 5519) مستدرک حاکم (ج : 2 ص:2738) سنن البیهقی الکبری (ج : 7 ص:245) سند

حدیث صحیح است

<sup>2</sup>- البقرة: 238

1- عن مسروق، عن عبد الله، قال: القانت الذي يطيع الله ورَسُولُهُ.<sup>1</sup>

( مسروق از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- نقل کرده است که وی گفته است: مراد از (القانت) در آیه فوق: کسی که اطاعت الله ورسول الله -جل جلاله- را داشته باشد.)

2- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَبَسَ الْمُشْرِكُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ حَتَّى احْمَرَّتِ الشَّمْسُ أَوْ اصْفَرَّتْ

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - شَغَلُونَا عَنِ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى صَلَاةِ الْعَصْرِ مَلَأَ اللَّهُ أَجْوَابَهُمْ وَقُبُورَهُمْ نَارًا

أَوْ قَالَ حَشَا اللَّهُ أَجْوَابَهُمْ وَقُبُورَهُمْ نَارًا.<sup>2</sup>

(از عبد الله بن مسعود -رضى الله عنه- روایت است که پیامبر - صلی الله علیه و سلم - روز خندق فرمودند: خداوند قبور و خانه های مشرکین را پر از آتش گرداند، زیرا ما را از نماز وسطی (یعنی نماز دیگر) بازداشتند تا اینکه آفتاب غروب کرد.)

مطلب دوازدهم: مرویات ابن مسعود-رضی الله عنه- در تفسیر آیات دو صد و پنجا و پنجم الی آخر

سوره

الف: در باره آیت {اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ.....}<sup>3</sup>

عن ابن مسعود -رضى الله عنه- أن النبي -صلى الله عليه وسلم- تلا {اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ} - الی قوله - وَهُوَ

---

- تفسیر ابن ابی حاتم ( ج 2 ص: 449 شماره : 2378) سند حدیث صحیح است <sup>1</sup>

<sup>2</sup>- صحیح مسلم (ج:3 ص 330 شماره : 997) مسند احمد بن حنبل (ج: 6 ص: 3716 - 3829) الترمذی (ج : 1 ص: 181 و ج : 8 ص:

3169) ابن ماجه (ج:3 ص: 686) مصنف ابن ابی شیبیه (ج: 2 ص: 8626) ابویعلی فی المسند (ج: 8 ص: 5044 و ج: 9 ص: 5293)

الطبری (ج: 2 ص: 5423 - 5424 - 5433) والبیهقی فی الكبرى (ج: 1 ص: 460) تمام کتب فوق این حدیث را از طریق محمد بن طلحه از

زبید الیامی، ازمره از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- که مرفوع روایت شده سند حدیث صحیح است نقل شده است.

<sup>3</sup>- البقرة: 255

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ} فقال : أما قوله (الْقِيَوْمُ) فهو القائم ، وأما (سِنَّةٌ) : فهو ربح النوم التي تأخذ في الوجه فينعس الإنسان ، وأما (مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ) فالدنيا، وأما (وَمَا خَلَقَهُمْ) فالآخرة ، وأما: (وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ) يقول: لا يعلمون شيئاً من علمه إلا بما شاء هو يعلمهم ، أما (وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ) فإن السماوات والأرض في جوف الكرسي ، والكرسي بين يدة العرش وهو موضع قدميه ، وأما: (وَلَا يَتُودُهُ حِفْظُهُمَا) أى : فلا يتقل<sup>1</sup>

(از ابن مسعود -رضى الله عنه- روایت است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- پیامبر -صلی الله علیه وسلم- «اللَّهُ لَأَ إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» را تا «وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» تلاوت کرد و گفت: «القيوم» به معنای قائم است، مراد از «سنة» هوای خواب است بر روی می آید و انسان از خود می رود، مراد از «مابین ایدیهم» دنیا و مراد از «و ما خلفهم» آخرت است، معنای (وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ) این است که هیچ چیزی را از علم خداوند بدون اینکه او برایشان تعلیم بدهد، نمی دانند، و اما (وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ)، تمام آسمان ها و زمین در داخل کرسی هستند و کرسی پیش روی عرش است که موضع قدمین (بلاکیف) خداوند است و «لا یتوده» به معنای این است که به او سنگینی نمی کند.

ب: در باره آیت {الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ.....} <sup>2</sup>

عن عبد الله، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إن للشيطان لمة من ابن آدم، وللملك لمة: فأما لمة الشيطان، فأيعاد بالشر وتكذيب بالحق. وأما لمة الملك، فأيعاد بالخير، وتصديق بالحق. فمن وجد ذلك، فليعلم أنه من الله وليحمد الله، ومن وجد الأخرى فليتعوذ بالله من الشيطان، ثم قرأ: "الشيطان يعدكم الفقر ويأمركم بالفحشاء". <sup>3</sup>

- البيهقي في الأسماء والصفات (ج: 2 ص: 89) سند این حدیث حسن است. <sup>1</sup>

<sup>2</sup>- البقرة: (268)

- سنن الترمذی (ج: 4 ص: 77 - 78) حدیث حسن است <sup>3</sup>

(از عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- روایت است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمود: یقیناً برای هر یکی از ابن آدم یگ هم نشین وهم سفروالهام کننده از شیطان ، و یگ هم نشین والهام کننده از ملک وجود دارد ، و شیطان همیشه برای وی وسوسه والهام شرموده وحق را دروغ جلوه میدهد ، واما فرشته به وی الهام خیر می دهد، اگر کسی چنین الهام خیر و نیکی را یافت پس باید بداند که آن از جانب الله -جل جلاله- است ، این شخص باید حمد و ثنای الله -جل جلاله- را به زبان آورد ، و اگر غیر از این را یافت پس باید به الله -جل جلاله- از شر شیطان رجیم پناه ببرد، فرمود: سپس آیه فوق را تلاوت نمود.)

و صلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وآله وأصحابه أجمعین

پایان بحث

## خاتمه

### نتیجه گیری:

- از آنچه در مورد روایات تفسیری عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- نوشته شد، چنین نتیجه گیری می شود:
- 1- عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- در میان اصحاب شهرت عام و تام داشته است و شخصیتی بوده است که تمام عمر خود را در جهاد، نشر دعوت و تعلیم احکام اسلامی گذرانده است.
  - 2- او نزد پیامبر -صلی الله علیه وسلم- خلفای راشدین جایگاه خاصی داشته و کسی بوده است که در قرآن کریم وتجوید، تفسیر قرآن، روایت احادیث پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و استخراج احکام شرعی نقش بسیار مهم داشته است.
  - 3- مفسرین تفسیر قرآن کریم روایت های تفسیری عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- را نقل نموده و فقهای اسلامی در نظریات شان از فتوای وی بسیار استفاده نمودند.
  - 4- عبدالله بن مسعود -رضی الله عنه- یکی از بزرگترین مفسران صحابه کرام به شمار میرفته است که نقش بسیار مهم را در تفسیر قرآن کریم ایفا نموده است.
  - 5- وی یکی از مدرسان چهارگانه تفسیر در عصر خود در مدرسه کوفه بوده است و همیشه نامش در تفسیر قرآن کریم بعد از ابن عباس-رضی الله عنه- ذکر می گردیده است.
  - 6- از ویژگی های ابن مسعود-رضی الله عنه- این بوده است که وی در عصر نزول قرآن کریم، می دانست که آیات در کجا نازل شده و در چه مورد نازل شده است، همچنان می دانست که کدام آیت ناسخ و کدام آیت منسوخ است.
  - 7- ابن مسعود- رضی الله عنه- مهارت خاصی در تفسیر و شرح آیات قرآن کریم داشت، زمانیکه آیات را شرح میکرد مثال های زنده ی را به تصویر می کشیده، و تمثیل می کرده است.

- 8- روایات تفسیری عبدالله بن مسعود- رضی الله عنه- از چهار طریق روایت شده است که صحیح ترین آن اعمش ، از ابی الضحی ، از مسروق ، از ابن مسعود-رضی الله عنه- است که امام بخاری به آن اعتماد کرده، آن را روایت نموده است.
- 9- دومین طریق، مجاهد، از ابی معمر، از ابن مسعود- رضی الله عنه- است که امام بخاری هم از این طریق روایت دارد و به آن اعتماد کرده است.
- 10- سومین طریق اعمش ، از ابی وائل ، از ابن مسعود-رضی الله عنه- است و این هم همچنان روایت صحیح است، امام بخاری آن را تخریح نموده و به صحت آن قول کرده است.
- 11- چهارمین طریق حاکم تخریح نموده در مستدرک اش و آن را صحیح هم گفته و امام ابن جریر طبری در تفسیر اش تخریح نموده ، از طریق سدی، از مره الهمدانی ، از ابن مسعود است، اما این طریق ضعف های داشته است.
- 12- پنجمین طریق ابی روق ، از ضحاک ، از ابن مسعود است که این طریق امام ابن جریر طبری در تفسیر اش استفاده کرده و روایت آن منقطع بوده است، زیرا که امام ضحاک، با ابن مسعود- رضی الله عنه- ملاقات نکرده است.
- 13- از ابن مسعود-رضی الله عنه- در تفسیر سوره فاتحه و بقره، روایات تفسیری زیادی نقل شده است که این امر دلالت می کند بر نقش مؤثر او در تفسیر قرآن کریم.
- 14- بیش ترین روایات تفسیری ابن مسعود-رضی الله عنه- در تفسیر ابن جریر نقل شده بوده است.
- 15- سرانجام به این نتیجه می رسیم که تعقیب نقش سلف صالحین به خصوص صحابه کرام که در مکتب نبوی تربیت یافته اند، برای ما اثر بخش است و باید به نقش قدم ایشان گام برداریم چون متوجه می شویم که آنها در راه آزادی انسانیت و پیشرفت علم و تمدن چقدر زحمت و تلاش نموده اند.

## پیشنهاد ها

پس از اینکه روایات تفسیری عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- مورد بررسی قرار گرفت، غرض ادامه و تکمیل این موضوع پیشنهاد های ذیل را ارایه می کنم:

1- روایات تفسیری عبدالله بن عباس -رضی الله عنه- نیز در سوره بقره و فاتحه جمع آوری و بررسی شود و سپس با روایات تفسیری عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- مقایسه شود.

2- روایات تفسیری عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- در سوره های آل عمران، نساء، مائده و سایر سوره های طوال مفصل توسط یکی از محصلان ماستری تفسیر و حدیث بحث و بررسی شود.

3- روایات تفسیری عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- در سوره های اوساط مفصل توسط یکی از محصلان ماستری تفسیر و حدیث بحث و بررسی شود.

4- روایات تفسیری عبدالله بن مسعود-رضی الله عنه- در سوره های قصا ر مفصل توسط یکی از محصلان ماستری تفسیر و حدیث بحث و بررسی شود.

5- به همین شکل روایات تفسیری عبدالله بن عباس-رضی الله عنه- در سوره های طوال، اوساط و قصار مفصل بحث و بررسی شود.

## فهرست آیات

شماره	طرف آیت	صفحه
1-	الم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ	46
2-	الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ	46
3-	وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ	47
4-	أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ	48
5-	خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ	50
6-	ومن الناس من يقول آمنا بالله وباليوم الآخر	50
7-	فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا	50
8-	وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ	50
9-	وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ	50
10-	وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ	50
11-	أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى	50
12-	صُمٌّ بَكْمٌ عُمِّيٌّ فَهُمْ لَا يُرْجِعُونَ	51
13-	أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظَلَمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ	51
14-	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي	52
15-	الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً	52
16-	فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ	53
17-	أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ	53
18-	إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً	54



54	يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ	19-
54	كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ	20-
54	هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ	21-
55	فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ	22-
56	وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً	23-
56	وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ	24-
57	وَأَعْلَمُ مَا تَبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكَتُمُونَ	25-
57	وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ	26-
58	(وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ	27-
58	يَا آدَمُ أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُلَىٰ	28-
59	وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ	29-
59	وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ	30-
60	فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ	31-
64	وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ	32-
66	وَوَضَعْنَا عَلَىٰ كُفْرِكُمْ الْوَعْدَ الَّذِي نَذَرْنَا وَإِن لَّمْ يَأْتِكُمْ مِنْ بَأْسٍ فَاصْبِرُوا	33-
67	وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا	34-
70	مِمَّا تُنْبِئُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا	35-
71	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ	36-
72	فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ	37-
74	لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا	38-

76	وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ	-39
77	وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ	-40
77	أَوْكَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ	-41
78	وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ	-42
79	مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا	-43
79	وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ	-44
79	فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ	-45
80	لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا	-46
82	فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ	-47
82	أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ	-48
83	وَمَا أَنْزَلْنَا اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا	-49
84	يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا	-50
85	وَأَتَى الْإِنْسَانَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ	-51
86	فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ	-52
87	وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ	-53
88	وَأْتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ	-54
88	الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ.....	-55
88	وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ	-56
89	يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ	-57
90	وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى	-58

91	وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ	-59
92	الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ	-60
93	وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ	-61
94	لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً	-62
94	وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ	-63
95	اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ	-64
95	الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ	-65

## فهرست احاديث

شماره	طرف حديث	صفحه
1.	أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، رَجُلٌ قَتَلَهُ نَبِيٌّ ، أَوْ قَتَلَ نَبِيًّا وَإِمَامًا ضَلَالَةً وَمُمَثِّلًا مِنَ الْمُمَثِّلِينَ .	75
2.	أَنَّ امْرَأَةً أَتَتْ النَّبِيَّ -صلى الله عليه وسلم- فَقَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- رَأَيْتُ فِي رَأْيِكَ الْحَدِيثَ .	43
3.	أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- مَرَّ بَيْنَ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ -رضي الله عنه- مَا وَعَبَدُ اللَّهُ يُصَلِّي ، فَافْتَتَحَ سُورَةَ النَّسَاءِ فَسَنَحَ لَهَا	17
4.	خُذُوا الْقُرْآنَ مِنْ أَرْبَعَةٍ ، مِنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ -رضي الله عنه- فَبَدَأَ بِهِ ، وَسَالِمِ مَوْلَى أَبِي حُدَيْفَةَ وَمُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ وَأَبِي بِنِ كَعْبَةَ .	16
5.	خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- لِقِيهِ الشَّيْطَانُ فَاتَّخَذَا ، فَاصْطَرَعَا	42
6.	سَأَلْتُ النَّبِيَّ -صلى الله عليه وسلم- أَيُّ الذَّنْبِ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ ؟ قَالَ : أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدَاءً وَهُوَ خَلَقَكَ	53
7.	سَمِعْتُ ابْنَ مَسْعُودٍ -رضي الله عنه- يَقُولُ : قَالَ : لِي رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- : إِذْنَكَ عَلَيَّ أَنْ يُرْفَعَ الْحِجَابُ وَأَنْ تَسْتَمَعَ سِوَادِي حَتَّى أَنْهَاكَ .»	16
8.	قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ -رضي الله عنه- : مَا خَيَّبَ اللَّهُ بَيْتًا أَوْى إِلَيْهِ أَمْرُؤُ بِسُورَةِ الْبَقَرَةِ ، أَوْ آلِ عِمْرَانَ ، أَوْ بَعْضِ صَوَاحِبِهِمْ .»	41
9.	كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي غَارٍ ، فَنَزَلَتْ {وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا} فَإِنَّا لَنَتَلَقَّاهَا مِنْ فِيهِ ، إِذْ خَرَجَتْ حَيَّةٌ مِنْ جُحْرِهَا	21
10.	كُنْتُ أَمْشِي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَرْثٍ بِالْمَدِينَةِ ، وَهُوَ مُتَكِنٌ عَلَيَّ عَسِيبٍ ،	21

41	لَا أَلْفِينَ أَحَدِكُمْ يَضَعُ إِحْدَى رِجْلَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى ، ثُمَّ يَتَغْنَى وَيَدْعُ أَنْ يَقْرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْفِرُ مِنَ الْبَيْتِ الَّذِي يَقْرَأُ فِيهِ سُورَةَ الْبَقَرَةِ	11.
16	لَقَدْ رَأَيْتُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَمَا أَرَى إِلَّا ابْنَ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - مِنْ أَهْلِهِ .	12.
29	اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَهَمْزِهِ وَنَفْخِهِ وَنَفْثِهِ ، قَالَ : هَمْزُهُ : الْمَوْتَةُ ، وَنَفْثُهُ : الشُّعْرُ ، وَنَفْخُهُ	13.
56	لَوْ قِيلَ لِأَهْلِ النَّارِ : إِنَّكُمْ مَا كَثُوتُمْ فِي النَّارِ عِدَدَ كُلِّ حِصَاةٍ فِي الدُّنْيَا لَفَرَحُوا بِهَا وَلَوْ قِيلَ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ	14.
86	لَيْسَ الْمَسْكِينُ بِالطَّوَّافِ وَلَا بِالَّذِي تَرُدُّهُ التَّمْرَةُ وَلَا التَّمْرَتَانِ وَلَا اللَّقْمَةُ وَلَا اللَّقْمَتَانِ وَلَكِنْ الْمَسْكِينُ الْمُتَعَفِّفُ	15.
40	مَا حَيَّبَ اللَّهُ عَبْدًا قَامَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ ، فَافْتَتَحَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ وَآلَ عِمْرَانَ ، وَنَعِمَ كَنْزُ الْمَرْءِ الْبَقَرَةُ ، وَآلُ عِمْرَانَ	16.
8	مَنْ أَرَادَ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ غَضًا طَرِيًا كَمَا أَنْزَلَ فَلْيَقْرَأْهُ بِقِرَاءَةِ ابْنِ أُمِّ عَبْدِ	17.
82	مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعًا ، أُعْطِيَ أَرْبَعًا ، وَتَفْسِيرُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ ، مَنْ أُعْطِيَ الذَّكْرَ ذَكَرَهُ اللَّهُ ، لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ : {فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ}	18.
32	مَنْ قَرَأَ {بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ} كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ أَرْبَعَةَ آلَافٍ حَسَنَةً وَمَحَى عَنْهُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ دَرَجَةً .»	19.

## فهرست مصادر ومراجع

1. القرآن الكريم
2. ابن الاثير ، مجد الدين أبو السعادات ، المبارك بن محمد الجزرى (—) جامع الاصول فى احاديث الرسول، تحقيق : عبد القادر الارنوط ، ناشر: مكتبة الحلوانى ، مطبعة الملاح ، مكتبة دار البيان، چاپ اول.
3. ابن حجر ، الحافظ شهاب الدين، العسقلانى ، فتح لبارى لابن حجر الناشر:بيروت لبنان چاپ دوم .
4. ابن عساكر،أبوالقاسم ،على بن الحسن بن هبة الله المعروف تاريخ دمشق لابن عساكر، تحقيق : عمروبن غرامة العمروى ، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
5. ابن كثير، أبوالفداء إسماعيل بن عمر دمشقى ( ) تفسير القرآن العظيم ، تحقيق: سامى بن محمد سلامة ، دار طيبة للنشر والتوزيع ، چاپ دوم.
6. ابن ماجه ، الحافظ أبو عبد الله محمد بن يزيد القزوينى ، سنن ابن ماجه ، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي ، دار احياء الكتب العربيه.
7. أبو الحسن ، احمد بن عبد الله بن صالح ، (——) التكميل فى الجرح والتعديل ومعرفة الثقات والضعفاء والمجاهيل، تحقيق: عبد العليم عبد العظيم البستوى ، ناشر: مكتبة الدار مدينه المنوره ، چاپ اول.
8. ابو الفضل ، احمد بن على بن حجرالعسقلانى، (——) الإصابه فى تميز الصحابه، تحقيق: على محمد البجاوى، ناشر: بيروت دار الجبل، چاپ اول.
9. أبو بكر أحمد بن محمد بن هارون بن يزيد الخَلَّال البغدادي الحنبلى (المتوفى: هـ) السنه لابی بكر بن الخلال، تحقيق : د عطية الزهرانى ، ناشر رياض دار الراية ، چاپ اول.
10. أبو بكر، عبد الله بن محمد، بن عبید، بن سفيان، بن قيس؛ البغدادي، الأموى، القرشى، المعروف: بابن أبى الدنيا ( هـ م ) صفة النار لابن أبى دنيا، تحقيق: محمد خير رمضان يوسف ، ناشر: دار ابن حزم لبنان بيروت،، چاپ اول

11. أبو عبد الله الجوزى ، محمد بن أبى بكر أيوب الزرعى، إعلام الموقعين عن رب العالمين، تحقيق : طه عبد الرؤوف سعد ، الناشر : دار الجيل بيروت.
12. أبو عبد الله، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيبانى ( هـ م ) مسند امام احمد بن حنبل محقق : احمد شاكر. ناشر: القاهر دار الحديث. چاپ اول.
13. أبو محمد، عبد الرحمن بن أبى حاتم محمد بن إدريس بن المنذر الحنظلى الرازى. ابن ابى حاتم فى الجرح والتعديل، ناشر: ملتنقى اهل الحديث.
14. أبوالحجاج ،يوسف بن عبدالرحمن بن يوسف ، جمال الدين ابن ابى الزكى أبى محمد القضاعى الكلبى ، المزي ( هـ م ). تهذيب الكمال فى اسماء الرجال تحقيق : د بشارعواد معروف . ناشر: ناشر: بيروت مؤسسه الرساله ، چاپ اول.
15. أبوالقاسم ، الملقب بقوام السنه ، إسماعيل بن محمد بن الفضل، بن على القرشى الطليحي التيمى الحجة فى بيان المحجة وشرح عقيدة أهل السنه ،تحقيق : محمد بن ربيع بن هادى عمير المدخلى ، الناشر: دار الراية السعودية الرياض ، چاپ دوم.
16. أبوالقاسم ، سليمان بن أحمد بن أيوب ، الطبرانى ( هـ م ) المعجم الكبير للطبرانى.محقق : حمدى بن عبد المجيد السلفى. ناشر: الموصل مكتبة العلوم والحكم. چاپ اول.
17. أبوبكر، بن أبى داود السجستانى عبد الله بن سليمان بن الاشعث ( ) المصاحف لابن أبى داود ، تحقيق : محمد بن عبده ، ناشر: الفاروق الحديثه القاهر مصر.
18. أبوبكر السلمى ، محمد بن اسحاق بن خزيمه النيسابورى ( هـ م ) صحيح بن خزيمه لمحمد النيسابورى، تحقيق : محمد مصطفى الاعظمى . ناشر: بيروت المكتب الاسلامى.
19. أبوبكر، أحمد بن الحسين بن على البيهقى، ( هـ ) السنن الكبرى وفى ذيله الجوهر النقى الناشر : حيدر آباد مجلس دائرة المعارف النظاميه ، الكانته فى الهند. چاپ اول .

20. أبوجعفر، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملى الطبرى جامع البيان فى تأويل القرآن ، تحقيق: احمد محمد شاكر، ناشر: مؤ سسة الرساله چاپ اول.
21. أبوسعيد العلاء، أبوسعيد بن خليل بن كيكلدى (—) جامع التحصيل فى الحكام المراسيل، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى. ناشرک بيروت عالم الكتب ، چاپ دوم .
22. أبوعبد الله ، الأندلسى، محمد ابن عبد الله ، ابن أبى زمنين(هـ) رياض الجنة بتخريج أصول السنة ، تحقيق: عبد الله بن محمد عبد الرحيم بن حسين البخارى ، الناشر: مكتبة الغرباء الأثرية المدينة المنورة ، چاپ اول.
23. أبوعبد الله ، العكبرى ، عبید الله بن محمد بن محمد بن حمدان ، المعروف : بابن بطة ( ) الإبانة الكبرى لابن بطة ، تحقيق : رضا معطى ، وعثمان الأثيوبى ، ويوسف الوابل ، والوليد بن سيف النصر، وحمد التويجرى ، الناشر: دار الراية للنشر والتوزيع الرياض
24. أبوعبد الله ، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان بن قايماز الذهبى ( هـ م ) ديوان الضعفاء والمتروكين وخلق من المجهولين وثقات فيهم لين ، تحقيق : حماد بن محمد الانصارى . ناشر: مكة مكتبة النهضة الحديثة . چاپ دوم.
25. أبوعبد الله ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبى ( هـ م ) ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، تحقيق : على محمد البجاوى ، ناشر: بيروت لبنان ، دار المعرفة للطباعة والنشر.
26. أبوعبد الله ، محمد بن سعد بن منيع البصرى ، الزهرى ، طبقات الكبرى ناشر: دارصادر بيروت
27. أبوعبد الله، الحاكم بن عبد الله بن محمد بن حمدويه ، بن نعيم بن الحكم ، ( هـ م ) المستدرک على الصحيحين للحاكم تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا. ناشر: بيروت دار الكتب العلميه. چاپ اول.
28. أبوعبد الله ، شمس الدين محمد بن أحمد، بن عثمان ، بن قايماز الذهبى ( م ) تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والاعلام. تحقيق : بشار عواد معروف . ناشر : دارالغرب الإسلامى . چاپ اول.



29. ابوعثمان ، سعيد بن منصور بن شعبة الخراساني ، الجوزجاني ( هـ ). التفسير من سنن سعيد بن منصور.  
تحقيق : د سعد بن عبد الله بن عبد العزيز آل حميد. ناشر: دارالصمعي للنشر والتوزيع .
30. أبو عمر، خليفه بن خياط الليثي العصفري، تاريخ خليفه ، تحقيق : د آكرم ضياء العمري ، ناشر: دار القلم ، مؤسسه الرساله ، بيروت ، دمشق، چاپ اول .
31. أبو عمرو الداني ، عثمان بن سعيد ، بن عمر، ( هـ — م ) الرسالة الوافية لمذهب اهل السنة في الاعتقادات و اصول الديات در فصل في العرض والكرسي ، تحقيق: دغش بن شيب العجمي ، الناشر: دار الإمام احمد الكويت ، چاپ اول .
32. أبو عيسى، محمد بن عيسى الترمذي . (—)الجامع الكبير لترمذي. محقق: بشار عواد معروف، دار الغرب الاسلامي بيروت.
33. ابو محمد ، عبد الرحمن بن ابي حاتم الرازي ، تفسير القرآن العظيم لابن ابي حاتم، تحقيق: اسعد محمد الطيب ، ناشر: صيدا المكتبة العصريه .
34. أبو يعلى الموصلي ، أحمد بن علي بن المثنى التميمي ( هـ — م ) مسند أبي يعلى لاحمد الموصلي تحقيق : حسين سليم أسد. ناشر: دمشق دار المأمون للتراث. چاپ اول .
35. ابي عبد الله محمد بن اسماعيل البخاري ، تاريخ الكبير مع حواشي محمود خليل، تحقيق : د محمد ازهر، ناشر: موقع يعسوب .
36. الاثرى، أكرم بن محمد زيادة الفالوجي ( \_ ) المعجم الصغير لرواه الإمام ابن جرير الطبري، ناشر: الأردن الدار الاثرية ، القاهرة دار ابن عفان .
37. اصبهاني ، ابونعيم احمد بن عبد الله بن احمد، (—)دلائل النبأ لأبي نعيم الاصبهاني، ناشر: موقع جامع الحديث .
38. اصبهاني ابونعيم احمد بن عبد الله ، حلية الاولياء وطبقات الأصفياء، ناشر: دار الكتب العربي بيروت ، چاپ چهارم .

39.البانى ، محمد ناصر الدين(——) صحيح وضعيف الجامع الصغير، ناشر:مركز نور الاسلام لاجتات القرآن والسنة بالإسكندرية.

40.البانى ، محمد ناصر الدين ، (—) صحيح الترغيب والترهيب للالبانى، ناشر: الرياض ، مكتبة المعارف، چاپ پنجم.

41.بخارى ، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل(——) ،الجامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله وسننه وإيامه، تحقيق : محمد زهير بن ناصر، ناشر: دارطوق النجاة ( ترقية محمد فؤاد عبد الباقي ، بيروت ، دار البشائر الإسلامية ، چاپ سوم.

42.بزار، أبوبكر احمد بن عمرو بن عبد الخالق(——) مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، ناشر: الباحث فى القرآن والسنة.

43.بغدادى ، احمد بن على أبوبكر ،(—) تاريخ بغداد، ناشر: بيروت دارالكتب العلمية.

44.بغوى، أبو القاسم عبد الله بن محمد ( ) معجم الصحابة ،تحقيق : محمد الامين بن محمد الجكنى ، ناشر : الكويت مكتبة دارالبيان.

45.بيهقى ، أبوبكر احمد بن الحسين ، (—) شعب الايمان تحقيق : محمد السعيد بسيونى زغلول ، ناشر: بيروت دار الكتب العلمية ، چاپ اول.

46.بيهقى لإ احمد بن الحسين أبوبكر،(—) الاسماء والصفات للبيهقى، تحقيق : عبد الله بن محمد الحاشدى ، ناشر: جده مكتبة السوادى، چاپ اول.

47.الثورى ، الكوفى أبو عبد الله سفيان بن سعيد ، بن مسروق ( هـ — م) تفسير الثورى ،ناشر: دار الكتب العلمية ، بيروت لبنان چاپ اول.

48.جرجاني ، يحيى بن الحسين ، بن اسماعيل ، بن زيد الحسنى الشجرى ( هـ — م ) ترتيب الامالى الخميسة للشجرى تحقيق : محمد حسن محمد حسن اسماعيل، ناشر: دارالكتب العلمية بيروت لبنان، چاپ اول.

49. ذهبي ، محمد بن أحمد بن عثمان ، تذكرة الحفاظ ، تحقيق : زكريا عميرات ، ناشر : دار الكتب العلميه ، لبنان بيروت چاپ اول .
50. ذهبي، الامام شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان سير اعلام النبلاء ، تحقيق : شعيب الارنؤوط ، ناشر: مؤسسة الرساله ، چاپ نهم.
51. سلمى ، النيسابورى ، أبوبكر محمد بن اسحاق بن خزيمه بن المغيره بن صالح بن بكر ( ) كتاب التوحيد لابن خزيمه واثبات صفات الرب عزوجل تحقيق : عبد العزيز بن ابراهيم الشهوان، الناشر: مكتبه الرشد السعوديه الرياض.
52. سيوطى ، عبد الرحمن بن أبى بكر، جلال الدين ( ) الدر المنثور فى تفسير المأثور للسيوطى، ناشر: بيروت دارالفكر.
53. شوكانى ، محمد بن على بن محمد بن عبد الله. ( : هـ ) فتح القدير، ناشر: دارابن كثير، دار الكلم الطيب بيروت دمشق ، چاپ اول.
54. عسقلانى ، احمد بن على بن حجر ، تقريب التهذيب، تحقيق : محمد عوامه ، ناشر: دارالرشيد ، ( ) مكان نشر: سوريا ،
55. عسقلانى ، احمد بن على بن حجر، الاستيعاب فى معرفة الاصحاب ، تحقيق : على محمد البجاوى، ناشر: دارالجيل بيروت ، چاپ اول.
56. عسقلانى ، شهاب الدين احمد بن حجر، تهذيب التهذيب ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع چاپ اول .
57. عسقلانى، أحمد بن على بن حجر، الإصابه فى تميز الصحابه : تحقيق : عادل احمد عبدالموجود، وعلى محمد معوض ، الناشر: دار الكتب العلميه ، بيروت.
58. عيسى ، ابوبكر، عبد الله بن محمد بن ابى شيبه (ـ) مصنف ابن ابى شيبه، تحقيق: محمد عوامه.

59. قرطبي ، أبو عبد الله محمد بن احمد بن أبي بكر بن فرح(—) الجامع لأحكام القرآن للقرطبي ، تحقيق: هشام سمير البخاري ، ناشر: دار عالم الكتب ، الرياض .

60. كاندهلوي ، محمد يوسف(—) حياة الصحابة ، تحقيق: الشيخ نايف العباس ، ومحمد علي دولة ، ناشر: دمشق دار القلم .

61. كحالة، عمر بن رضا ، بن محمد ، بن راغب، بن عبدالغني، معجم قبائل العرب القديمة والحديثة. ناشر: بيروت مؤسسة الرسالة .

62. متقى ، علاء الدين ، علي بن حسام الدين ،(—) كنز العمال في سنن الاقوال والافعال، تحقيق: بكرى حيانى، صفوة السقا، ناشر: مؤسسة الرسالة ، چاپ پنجم .

63. مجموعة من المؤلفين : محمد مهدي المسلمي ، ومنصور عبد الرحمن ، عصام عبد الهادي محمود احمد عبد الرزاق عيد آيمن ابراهيم الزاملى محمود محمد خليل. ( م ) موسوعة أقول أبي الحسن الدارقطني في رجال الحديث وعلمه ، ناشر: عالم الكتب للنشر والتوزيع بيروت لبنان. چاپ اول .

64. نسائي ، احمد بن شعيب ، أبو عبد الرحمن ، (—) سنن الكبرى للنسائي، تحقيق: عبد الفتاح أبو غده، ناشر: حلب مكتب المطبوعات الاسلامية ، چاپ دوم

65. نسائي ، احمد بن شعيب ، السنن الكبرى ، ناشر : حيدر آباد مجلس دائرة المعارف النظاميه ، الكانه في الهند. چاپ اول .

66. نووى ، أبى زكريا ، محى الدين بن شرف ، تهذيب الاسماء واللغات ، تحقيق : مصطفى عبد القادعطاء .

67. نيشاپورى، مسلم بن الحجاج، صحيح مسلم ، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، ناشر: إحياء التراث العربى بيروت .

68. هيثمى على بن أبى بكر بن سليمان (—) المقصد العلى فى زوائد مسند أبى يعلى الموصلى، ناشر: مكتبة صيد الفوائد .

69. هيثمى، نورالدين على بن أبى بكر ( هـ م ) مجمع الزوائد ومبع الفوائد الهيثمى، ناشر: بيروت دارالفكر

## Summary of the discussion

The Holy Quran is the first reference of Muslims and Tafsir al-Mathur is the most reliable commentary of the Holy Quran and Surah Al-Fatihah and Baqarah are the first Surahs of the Holy Quran that every Muslim needs to know its interpretation. Abdullah Ibn Masood -رضى الله عنه- He has been general and has been a person who has spent his whole life in jihad, publishing da'wah and teaching Islamic rules. And Baqarah is discussed in an introduction and three chapters, which are summarized and summarized as follows:

Abdullah Ibn Masood -رضى الله عنه- was a person who played a very important role in the Holy Quran and Tajweed, the interpretation of the Quran, the narration of the hadiths of the Prophet (peace be upon him) and the extraction of religious rules. The commentators of the interpretation of the Holy Quran quoted the interpretive narrations of Abdullah ibn Masood -رضى الله عنه- and the Islamic jurists used his fatwas a lot in their theories. One of the characteristics of Ibn Masood -رضى الله عنه- was that at the time of the revelation of the Holy Quran, he knew where the verses were revealed and in what case.

He also knew which verses were abrogated and which were obsolete. The interpretive narrations of Abdullah Ibn Masood -رضى الله عنه- have been narrated in four ways, the most correct of which is Aamish, from Abi Al-Duha, from Masruq, from Ibn Masood (may Allah be pleased with him), which Imam Bukhari trusted and narrated. The second way is Mujahid, from Abi Mu'ammir, from Ibn Masood - may God be pleased with him - through which Imam Bukhari also narrates and trusts. The third way of Aams is Azabi Wa'il, from Ibn Masood (may God be pleased with him) and this is still a correct narration, it was narrated by Imam Bukhari.

The fourth way of ruling has been extracted in his proof and he has said it correctly and Imam Ibn Jarir Tabari is through Ibn Surah Al-Hamdani through Sadi, but this way has weaknesses. The fifth way of Abi Ruq, from Zahak, is from Ibn Masood, which was used by Imam Ibn Jarir al-Tabari in his interpretation, and its narration has been interrupted. In short, many interpretive narrations have been narrated from Ibn Masood -رضى الله عنه- in his commentary on Surah Al-Fatihah and Al-Baqarah, which indicates his effective role in the interpretation of the Holy Quran.

Most of the commentary narrations of Ibn Masood -رضى الله عنه- have been narrated in the commentary of Ibn Jarir.

**Keywords:** Abdullah Ibn Massoud, Marwiyat, Fatiha, Baqara.



**Salam University**

**Faculty of Sharia & Law**

**Master program in Tafseer & Hadith**



**Islamic Emart of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**DM of Academic Affairs**

# **Interpretive narrations of Abdullah Ibn Mas'ud in Surah Al-Fatihah and Al.Ba qarah**

(A master's thesis)

**Student: Menhajuddin Munqad**

**Supervisor: Dr. Fasihullah Abdulbaqi**

2021



**Salam University**

**Faculty of Sharia & Law**

**Master program in Tafseer & Hadith**



**Islamic Emart of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**DM of Academic Affairs**

# **Interpretive narrations of Abdullah Ibn Mas'ud in Surah Al-Fatihah and Al.Ba qarah**

**(A master's thesis)**

**Student: Menhajuddin Munqad**

**Supervisor: Dr. Fasihullah Abdulbaqi**

**2021**